فیلم و هنر

شماره ۳۵۲ـ هشتم مهر ماه ۱۳۵۰
۱۵ ریال



رضا بیک ایمانوردی
درفیلم رضا چلچله



□ وایلر با گوگوش اختلاط می‌کند.



□ حمید قنبری‌تاباوی‌منشور آزادی کوروش را به «ویلیام وایلر» میدهد .

وایلر
در تهران

● ویلیام‌وایلر کارگردان کهن‌سال سینمای جهان و خالق اثر عظیم و پرشکوه تاریخ سینما «بن‌هور» هفته گذشته برای یک سیاحت کوتاه مدت بتهران آمد. باآنکه سفر وی‌بتهران‌بدون‌سروصدا انجام گرفت . معهذا سینماگران ایرانی و هنرمندان و کسانی که‌از دور با نام و کارهای « ویلیام وایلر »آشنائی‌داشتند ، شدیداعلاقمند آن‌بودند که بااوآشنا شده و از نزدیك او را ببینند، بهمین سبب پنج‌شنبه هفته‌گذشته‌بدعوت سندیکای هنرمندان فیلم ایرانی در یك‌جلسه معارفه محدود شرکت کرد وبا هنرمندان و فیلمسازان تحصیلکرده و صاحب نام ایران آشنا گردید.

با آنکه دعوت از مدعوین و تعداد معدودی‌ازنویسندگان‌مطبوعات ساعت ۷ بعد از ظهر بود، معهذا ویلیام وایلر تاقبل از ۵/۹ دراین جلسه شرکت نکرد، زیرا وی ساعت ۷ بعد از ظهر همان روز با هواپیما از اصفهان بتهران باز گشته وقرار بود با همسرش در این برنامه شرکت کند ، اما بعلت عارضه گوش درد شدیدی که بهمسر وی دست داده بود، ناچار مدتی تاخیر کرد و تنی چند از هنرمندان که از ساعت ۷ در سالن پذیرائی‌خانه‌هنرمندان اجتماع کرده بودند وقتی با تاخیر وایلر مواجه شدند ، سندیکای هنرمندان را ترك کردند عده‌ای نیزبرستوران سندیکا رفتند و همچنان درانتظار وی نشستند در هرحال ساعت ۵/۹ بعد از ظهر ویلیام وایلر در حالیکه کت اسپرت ساده‌ای بتن داشت در محل سندیکا حاضر شد . پس از یك پذیرائی مختصر ، دکتر هوشنك کاوسی که‌سمت‌مهماندار ویلیام‌وایلر رادر مدت اقامت خود در تهران عهده‌دار بود ضمن خوش‌آمدگفتن به کارگردان معروف سینما ، در مورد شخصیت هنری او آغاز سخن کرده واظهار داشت :

«ویلیام وایلر اصلا فرانسوی است و بهمین سبب همیشه درآثار او خطی از خصوصیات و خلقیات فرانسوی ها وجود دارد . وی‌از کارگردانانی است که کارش رادر سینمای صامت آمریکا آغاز کرد، اما درخشش واقعی او با شروع سینمای ناطق شروع شد. وایلر





□ وایلر ، دفتریادبودسندیکای‌هنرمندان را امضاء می‌کند ، فردین ، حمید قنبری ، جلال مقدم ، دکتر کاوسی ، سپهرنیا و فدکچیان نیز حضور دارند.



□ بچه‌های مطبوعاتی «وایلر» را «پوزتیف» و زرین‌دست را «نگاتیف» شخصیتی با نام وایلر خطاب میکردند !

کارگردانی است که‌بهر سبکی‌فیلم ساخته‌است. بن‌هوردر زمینه‌تاریخی، موزیکال ، وسترن ، کمدی و درام‌های عشقی فیلم ساخته است. دکتر کاوسی آنگاه بمعرفی سایر کارهای او پرداخت و از اینکه در جمع هنرمندان سینمای ایران شرکت کرده‌است ، از طرف سندیکا از وی تشکر کرد. پس از صحبت دکتر کاوسی ، ویلیام‌وایلر شروع‌به صحبت نمود و ابراز خوشحالی نمود ازاینکه‌بجمع‌هنرمندان ایرانی آمده و اظهار داشت که « من نمیدانستم در ایران در زمینه سینما اینگونه فعالیت‌وکوشش‌در جریان است » و آنگاه از فیلم گاوکه در فستیوال ونیز درخشش داشته سئوال کردو دکتر کاوسی ، عزت‌الله انتظامی بازیگر نقش اول فیلم را بوی معرفی کرد .

پس از آن جلال مقدم ، از طرف کمیته‌کارگردانان‌وسناریست‌ها سخن می‌گفت و یکایك مدعوین در جلسه را بوی معرفی نمود پس‌از معرفی هنرمندان ــ کارگردانان، فیلمبرداران‌ونویسندگان مطبوعات، حمیدقنبری‌هدیه‌ای‌را که جهت وی تهیه کرده بود از طرف‌هنرمندان سینمای ایران‌بوی‌اهداکرد.

هدیه‌ای را که قنبری تهیه کرده بود، منشور آزادی کورش کبیر بود که ایناك آرم جشن‌های دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی ایران است و در قاب خاتم ، کار استادان خاتم‌کاری اصفهان قرار داشت . ویلیام وایلرپس از دریافت هدیه هنرمندان سینمای ایران گفت «من از شدت خوشحالی نمیدانم چه بگویم ، شمابمن‌هدیه‌ای دادید که برای‌من‌بزرگترین‌جایزه‌ها است و من آن رادرردیف‌اسکارهایم قرار خواهم داد ».

پس از آن گوگوش خواننده بین‌المللی ایران در حالیکه لباس بسیار شیکی بتن داشت ، بهمراه پیانو انوشیروان روحانی یك‌ترانه ایرانی و سپس به درخواست‌وایلر یك‌ترانه فرانسوی اجرا نمود که سخت مورد توجه مهمان‌سندیکا و هنرمندان قرار گرفت .

آنگاه از وی دعوت بعمل آمد که از سندیکا بازدید کرده و دفتر یادبود آنرا امضاء کند.

ساعت ۱۰٫۵ مراسم پایان یافت



□ وایلر و یك عکس دسته جمعی با هنرمندان ایرانی (صابر رهبر ، سپهرنیا ، نجیب‌زاده ، هوشنك بهشتی ، جلال مقدم و حمید قنبری) بعد از دریافت تابلوئی از منشور آزادی کوروش .



□ وایلر، گوگوش‌را بعد از اجرای ترانه فرانسویش تشویق می‌کند.

«در حاشیه»

● آن شب گوگوش زیباترین لباس را بتن داشت . وی یك‌کت شلوارزنانه‌فرانسوی بتن داشت بایك کلاه‌بسیار زیبا بسر که توجه هر تازه واردی را بخود جلب میکرد.

● از هنرمندان و ستارگان جوان سینمای ایران در آن شب کسی دعوت نداشت و همه‌تعجب میکردند از شرکت هنرپیشه‌ای که از سینمای ایران قهر کرده و آدامس فروشی را ببازی کردن در فیلم ترجیح داده بود، اما آن شب برای شرکت در آن مجلس دعوت شده‌بود.

● زرین دست با یك کت و شلوار سفیددر این دیدار شرکت کرده بود وبیش از هرکسی بوایلر نزدیك شده بود و سوژه نویسندگان مطبوعات در آن جمع‌شده بود بخصوص آنکه پس از نشستن کنار وایلر عده‌ای گفتند :

«پزتیف‌و نگاتیف» و عده‌ای نیز گفتند که وایلر پس ازآشنائی با زرین دست از این پس در مصاحبه‌های خود خواهد گفت : «من‌زرین دست آمریکاهستم!»

● تلاش قنبری دبیر سندیکا آن شب از همه چشم‌گیرتر بود بخصوص آنکه برای تهیه هدیه سندیکا یکی دو روز تلاش کرده و همه کارها را خود شخصا انجام داده بود.

● ایرن در آن شب بیش از هرکس ترووبیاداشت زیراصمیمتش با نویسندگان مطبوعات و هرمندان سبب شده بود که نقل مجلس آنان شده و در بحث‌های آنان شرکت کند .

رویدادها

مردی درطوفان‌جلوی دوربین

● بالاخره‌از این هفته‌محصول تازه استودیو مهرگانفیلم موسوم‌به «مردی درطوفان» جلوی دوربین میرود. در این فیلم که سناریوی آنرا بهرام ری‌پور، و جمال امید نوشته‌اند و بکارگردانی خسرو پرویزی توسط علیرضا زرین‌دست فیلمبرداری‌میشود سعیدراد،مرجان، گریگوری مارك ، رمضانی‌فر ویك چهره جدید شرکت دارند. قراربود زری خوشکام در این فیلم عهده‌دار یکی از نقشهای اصلی باشد ولی چون‌تعهدات‌دیگری‌داشته ونمیتواند همراه اکیپ فیلم مزبور بمسافرت رود لذا بجای وی یك چهره جدید در این فیلم بازی، میماید کدالبته ممکن است نیلوفر ایفاگر این نقش شود .

خردجال و مراحل فنی

● هم اکنون در استودیو ایرانفیلم مونتاژ و سایر مراحل‌فنی فیلم خردجال طی میشود. خردجال که فیلمبرداری آن قریب هشتماه طـول کشیده است بـرای ایفای نقشهای کوتاه آن نیز از وجوه هنرپیشه‌های معروف و حـرفـه‌ای استفاده شده است. فاضلی عهده‌دار نقش اصلـی آنست و هنرپیشگان دیگری مثل شهین، سهیلا، حبیب‌اله بلور ، فرنگیس فروهر ، مقبلی ، سیمین غفاری ، اسداللـه یکتا ، مهردادیان‌و عزت‌الله مقبلی نیزدر آن‌هرکدام رلهائی کوتاه‌ولی‌حساس بازی‌کرده‌اند. سناریست‌وکارگردان خردجال کمال‌داش و فیلمبردارآن رضا مجاوری و کمال مطیعی‌هستند.

مراجعت از اصفهان

● اکیبی که هفته گذشته جهت تهیه قسمتهائی از فیلم «ملا ممدجان» به اصفهان رفته بودنداین هفته بتهران مراجعت مینمایند. در این محصول تازه استودیو تخت جمشید منوچهر وثوق ، پوری‌بنائی، ابراهیم نادری ، آرزو ، خواجوی، میرزاده و چهره جدید شقایق‌شرکت دارند. کارگردان و تهیه‌کننده ملا ممدجان‌جمشیدشیبانی وفیلمبردارش شکرالله رفیعی است .

ادامه سورچی

● فیلمبرداری محصول تازه پارسا فیلم موسوم به «سُورچی» در ملایر ادامه دارد. در این فیلم کـه سناریوی آنرا حبیب‌الله کسائی نوشته استو بکارگردانی رضاصفائی توسط رضا انجم روز فیلمبرداری میشود فاضلی ، پوری‌بنائی ، میری، نازنین ، محمد علی بندانی ، آراسته و سرکوب شرکت دارند. سورچی بعد از حسن فرفره و زیر بازارچه سومین فیلمی است که صفائی برای محمدعلی بندانی میسازد. بعد از اتمام سورچی، نواب چهارمین‌فیلمی است که‌باهمکاری‌ایندو ساخته‌خواهد شد و ممکن است ناصر ملك‌مطیعی ایفاگر نقش اصلی آن گردد.

ظهور اسلام

● امیر شروان در سفراخیر خود که‌به اروپا و خاورمیانه نموده بود در مصر یك فیلم مذهبی‌بنام «ظهور اسلام» خریداری کرده‌است که اینك با دوبله‌آن آماده نمایش شده است این فیلم گوشه‌ای‌اززندگی «حضرت محمـد ص» میباشد و شروان در نظر دارد آنرا در یکی از ماه‌های مذهبی «رمضان یامحرم» بنمایش بگذارد. گفته میشود فیلم رنگی ظهور اسلام در تمام ممالك اسلامی با استقبال عموم مردم‌بادین و ایمان مواجه شده‌است .

تیتر زن یکشبه

● قاسمی‌وند که در ساختن تیترهای کارتون و نقاشی بـرای فیلمها تبحر خاصی دارد و تاکنون برای تعدادی از فیلم‌های ایـرانی منجمله ریکاردو، دزد و پاسبان، دلقکها ، رضا چلچله و.... از این نوع تیتر تهیه کرده است اخیرا مشغول ساختن چنین تیتری برای محصول تازه‌استودیو پارسفیلم‌موسوم به «زن یکشبه» گردیده است. فیلم زن یکشبه را که سناریوی آنـرا میرلوحی نوشته است محمود کوشان کارگردانی و فیلمبرداری کرده است و در آن تقی مختار، پوری بنائی، فرشته نجومی، مرتضی‌عقیلی، میری و بهمن مفید شرکت دارند. این فیلم بعد از ماه رمضان به‌روی اکران خواهد آمد.

کلفت‌ها

● نصرت‌الله کریمی که‌تاکنون فیلم‌های درشکه‌چی و محلل‌راساخته است طبق قرارداد تازه‌ای که باآس فیلم منعقد کرده است با آماده‌شدن فیلم محلل فیلم تازه‌ای را برای موسسه مزبور خواهد ساخت موسوم به «کلفت‌ها» که فیلمبرداری آنرا ایرج صادقپور انجام میدهد هنوز هنرپیشگان عمده‌این‌فیلم‌بجزفروزان بدرستی انتخاب نشده‌اند.

آمنه

● هفته‌گذشته فریدون‌ژورك مصمم شد نام فیلم تازه خود رااز حیدر به «آمنه» تغییر دهد که چون مسافرت آبادان برای تهیـه آخرین صحنه‌های آن‌پیش آمدنتیجه



☐ عبداللهبوتیمار ، مرجان،علی‌تابش و پیمان ، در صحنـه‌ای از فیلم «ضعیفه» محصولی‌از استودیو «آر. بی»



☐ «ژاله سام ، سامان‌ومیری» در صحنه‌ای‌از فیلم«دیوارشیشه‌ای» ساخته «ساموئل خاچیکیـان » ـ محصولی از سازمان سینمائی مشعل

قطعی این تصمیم موکول گردیده بعد از مراجعت بتهران . درفیلم مزبورکه سناریوی‌آنرا « فریدون گله و سیروس الوند» نوشته‌اند بیك‌ایمانوردی ، فروزان ، بهمن مفید ، حسین گیل ، سیمین‌غفاری، فرنگیس فروهرو رمضانی‌فر شرکت دارند. فیلم فوق‌که محصول تازه‌ای است از سازمان‌سینمائی ژورك برای نمایش در عیدفطر آماده خواهدشد.

صدابرداری

● با پایان مونتاژ فیلم‌دیوار شیشه‌ای صدابرداری این فیلم در ایرانفیلم انجام خواهد شد . دراین محصول سازمان سینمائی مشعل که سازنده‌ی آن ساموئل خاچیکیان و فیلمبردارش کمال مطیعی است‌پوری بنائی ، آرمان ، هما روستا ، ژاله سام ، همایون اشکان، دلیله، سامان، آرش ، حسین‌آکیش، شکری‌ومیری شرکت دارند. با آماده شدن دیوار شیشه‌ای ساموئل در سازمان سینمائی مشعل فیلم شبیخون را خواهدساخت

تبعیدی‌ها

● هوشنك شفتی که یکی از فیلمسازان فرهنك و هنر است و تاکنون تعدادی فیلمهای دکومانتر ساخته است اخیرا سناریوئی‌برای‌یك فیلم سینمائی نوشته است موسوم‌به «تبعیدیها» که مذاکراتی بعمل آمده است تااز روی‌آن«جلال‌مقدم» کارگردانی فیلمی را برای استودیو میثاقیه انجام دهد . در صورتیکه این مذاکرات منتج بنتیجه شود «مختار» نیز ایفاگر یکی از نقشهای عمده این فیلم خواهد بود.

سناریوی تبعیدیها درقالبی‌تقریبا شبیه فیلم «۱۲ مرد خبیث» تنظیم شده است .

نمکی‌تصویب شد

● سناریوی «نمکی» نوشته‌ی علی حاتمی که مدتی در اداره نگارشات وزارت فرهنك و هنر «گیر» کرده بود هفته گذشته جهت فیلمبرداری‌بتصویب رسید .

حاتمی طبق قرارداد میبایست از روی سناریوی نمکی فیلمی‌برای سازمان سینمائی پیام بسازدولی طبق قرار دادی که اخیرا با فردین‌جهت کارگردانی چندفیلم برای«فرودین فیلم» بسته‌است درنظر داردآنراهم مانند مترسك برای فرودین فیلم سازد.

خاطر خواه وشروان

● هفته گذشته‌خبری داشتیم که امیرشروان قرار است در فیلمکوفیلمز از روی داستان یکی از نویسنده‌های معروف که فعلا بجهاتی حاضر نیستند نام او و داستانش را فاش نمایند فیلمی کارگردانی نماید . این داستان «خاطرخواه» نوشته‌ی‌ارونقی‌کرمانی است که بدین ترتیب بتمام‌ماجراها و جنجالی که روی آن بپا شده پایان میدهد .

ارونقی امتیاز ساختن داستان خاطرخواه‌رابه‌فیلمکوفیلمزواگذار کرده است و قرار است امیرشروان فیلمی‌از روی آن کارگردانی‌نماید. سناریوی خاطرخواه را سعید مطلبی نوشته است .

دعوت رضا چلچله

● هفته گذشته بیك‌ایمانوردی عده‌ای از دوستان‌خود را به کاباره باکارا دعوت کرد و بخاطردریافت پروانه نمایش فیلم «رضاچلچله» سور مفصلی داد فیلم‌رضاچلچله که باسرمایه رضا بیك‌ایمانوردی در استودیو آریی تهیه‌شده است بزودی بروی اکران خواهد آمد . در این فیلم که بکارگردانی میرصمدزاده توسط‌قاسمی‌وندفیلمبرداری شده‌است بیك‌ایمانوردی ، نیلوفر ، فرخ ساجدی ، آنوش ، دانی‌بنیادی ، اشرف کاشانی ، کهنموئی و آرمان شرکت دارند.

ساموئل ، پدر شد.

● پنجشنبه گذشته ساموئل خاچیکیان کارگردان‌معروف‌سینمای ایران صاحب یك پسر شد . خبرپدر شدن ساموئل را آرمان دوست و همکار دیرینه وی که ایمروزها فعالیت خود را تواما متمرکز نموده‌اند در سازمان سینمائی مشعل به اطلاع دوستان و دیگر همکاران خود رساند .

ساموئل که اینروزها مشغول آماده نمودن فیلم‌دیوار شیشه‌ای میباشد از اینکه برای اولین بار پدر شده است بی‌اندازه خوشحال و مسرور است .

مورین در لندن

● «مورین» هنرمند با سابقه سینما ، تئاتر و رادیو ، هفته گذشته جهت معالجه راهی لندن شد.

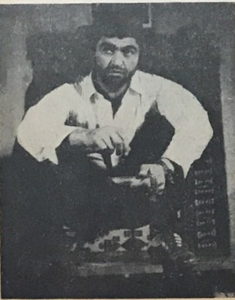
وی در این اواخر از بیماری قلبی‌رنج می‌بردوقرار است درلندن برقلب او عمل جراحی صورت گیرد.



□ «پوری بنائی وبهمن مفید» در صحنه‌ای از فیلم «زن یکشبه»ـ محصول جدیدی از استودیو پارس فیلم .



□ «رضافاضلی» در صحنه‌ای ازفیلم «خردجال» ـ ساخته مستقل دیگری از فاضلی .





□ ناصر ملک‌مطیعی در صحنه‌ای از فیلم غلام ژاندارم .

با ملک مطیعی منعقد نمودند تا او عهده‌دار نقش فردین در این فیلم گردد .

این هفته ایرج قادری کارگردان و امین امینی تهیه کننده فیلم مزبور جهت‌تعیین‌محلهای‌فیلمبرداری به یزد عزیمت نمودند و هفته آینده‌اکیپی‌برای تهیه آن‌بدانصوب خواهد رفت .

در نقره داغ که سناریوی‌آنرا سعید مطلبی نوشته است ملک‌مطیعی ایرج قادری ، سپیده ، بهزاد فراهانی و امین‌امینی‌شرکت دارند.

بدکاره

● چون فعلا بیک‌ایمانوردی فرصت شرکت در فیلم چشم داغ آسمان را ندارد لذا روبرت‌اکهارت سناریوی‌دیگری‌را موسوم‌به«بدکاره» در استودیو آریی کارگردانی خواهد کرد. تابا آماده شدن‌بیک کارگردانی چشم داغ آسمان راآغاز نماید.

در بدکاره قرار است فریبا خاتمی، شیراندامی ، حسین گیل، اسداله یکتا و میری‌شرکت نمایند.

خانه قمرخانم

● بطوریکه اطلاع یافته‌ایم یکی از استودیوهای فیلمبرداری با استفاده از سوژه یکی از برنامه‌های تلویزیونی «خانه قمر خانم»مشغول تهیه فیلمی باشرکت هنرمندان این برنامه « پروین‌ملکوتی، محسن هرندی ، آقا جانی ، اسکندری ، نبی‌احمد ، مهری رحمانی ، زری پورزند و دیگران» شده است که با آگاهی دقیقتر نام سازندگان آنرا بعدا به اطلاع خواهیم رساند. شاید بهمین خاطر است که مجریان خانه قمرخانم در تلویزیون دارند سروته قضیه را بهم می‌آورند تا هرچه‌زودترسریال‌مزبور پایان یابد.

چیچو وفرانکو به‌تهران‌میآیند

● اخیرا یکی‌ازنزدیکان حمید و وحید مجتهدی گردانندگان سازمان سینمائی چهلتون در ایتالیا مذاکراتی با چیچو و فرانکو زوج کمدی سینمای ایتالیا بعمل آورده است تا در صورت توافق برای شرکتدر یك فیلم‌مشترك که قسمتی از آن در ایران «اصفهان» تهیه خواهندشد به ایران سفر نمایند... فریدون گله هم اکنون مشغول نوشتن سناریوئی بدین منظور است که **«چیچو و فرانکو و چراغ جادو»** نامدارد تا در صورت آماده شدن زوج کمدی‌مزبورهرچه زودتر تهیه فیلم مزبور آغاز شود.

سعد و سعید و عید نوروز

● سازندگان فیلم رنگی سعد و سعید محصول پارسفیلم در نظر دارندنمایش‌آنرا موکول نمایند به عیدنوروز ۱۳۵۱ . در این‌فیلم رنگی که بکارگردانی مهدی رئیس فیروزتوسط‌محمودکوشان‌فیلمبرداری شده است همایون ، مرجان ، بهمن مفید، پروین‌ملکوتی، جمشیدمهرداد و عده‌ای دیگر شرکت دارند. سعدو سعید هم‌اکنون مراحل تکنیکی‌خود را طی می‌نمایند.



□ صحنه‌ای از فیلم «کافر»محصول سازمان سینمائی چهلتون

موزیك متن

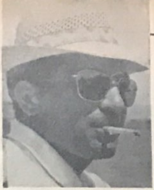
● این هفته«حسین واثقی» که تاکنون برای فیلمهای کوچه مردها ، زیر بازارچه میعادگاه، خشم موزیك متن ساخته است فیلم «ضعیفه»محصول تازه استودیوآریی را جهت ساختن موزیك متن تماشا کرد . در فیلم ضعیفه که سازنده‌ی آن ناصر رفعت میباشد بوتیمار ، مرجان ، پیمان ، فرشته مهیان ، ابراهیم فخار ، کهنموئی ، فرخ‌لقا هوشمند ، گیتی فروهر و علی‌تابش شرکت دارند .

ملك‌مطیعی بجای فردین

● چون فردین مصمم است از این پس تامدتی فعالیت خود را در فرودین فیلم متمرکز نماید لذاسازندگان فیلم «نقره‌داغ» «این فیلم قبلا لوطی حیدر نامداشت» بجای وی هفته گذشته قرار دادی



□ «پرویزکاردان‌وایرن»درصحنه‌ای ازفیلم «عمویادگار»



چهره تدریجی یک فیلمساز

«۳» نوشته : میهن بهرامی «متوسلانی»

«پری» اگر در یک قالب رقاصه و عشوه‌گر و سهل‌الوصول بنظر میرسیدو این ابتدای معرفی او بود و چنین بنظر می‌آمد که‌الگوی کهنه‌اش در بیشتر فیلمها مورد استفاده قرار گرفته است ، ولی بمرور حرکت داستان طرح و شکل کاملی می‌یافت .

پری از آنگونه زنها بود که می توانند ایده‌آل مردان بسیاری‌باشند.

یکزن خیلی زن .

یکزن‌درخدمت‌تن‌ولی‌نه باابتذال و نه بجدی بودن. گرفتار در تعلیقی که روی سرنوشتش اثر می‌گذاشت و قریب اینرا خوب‌نشان داده بود .

پری‌قالب خوش فرمو آراسته یکزن همگانی بود که مردی مثل «غلام»می‌توانست عاشقش بشود، پول بپایش‌بریزدو حتی جانفشانی کند چون او باین نوع‌زن و باین آزمایش‌احساسی‌نیاز داشت. مقدمه‌فیلم این نیاز راخیلی‌خوب‌توجیه می‌کرد. زندگی بیروح و پوسیده غلام محتاج‌یک‌جنبش‌احساسی وسرگرم‌کننده ازبیرون بود تا هرچه دارد یکباره در هم بریزد و پری بهانه این جنبش شد . آنها از هر نقطه نظر مناسب می‌نمودند و داستان عشق برای تماشاچی بانگاه تازه‌ای از یک نویسنده که عشق را بمقداری عمیق‌تر وجدی‌تر ازسایرین‌می‌شناخت ، قصه سرگرم کننده‌و جذابی‌را بازگو می‌کرد . تمام لحظات آغاز این عشق و خطوط ممنوعی که بین غلام و پری فاصله می‌انداخت وصحنه‌هائی که خشم فروخورده غلام را از دست نیافتن به معشوق‌نشان‌میداد و عکس‌العمل روحی اورا روز بعد از رفتن‌بکافه با کتک زدن کارگران‌درکارگاه‌چوب‌بری توجیه می‌کرد بحد یک‌کار پخته و قابل قبول بود.

تا جائی که شیرینی دیدار در نقطه‌ای بجا نهاده شدو ایندوتن با همپیوستند.

فیلم سرشار بود از لحظه‌های عشق و لحظه‌های جذاب و عمیق‌عشق ، آنطور که هرزنی آرزومند آنستو هر مردی آنرا در ذهن‌نهفته دارد .

تا اینجای داستان بگمان من باقریب‌پیش میرفت و ذهن خلاق و کنجکاو او بتجسس بعد دیگری از قصه عشق مشغول‌بود.

قریب دوسوم‌از رقاصه را علی‌رغم موضوعات‌قراردادی و مستعملی مثل محیط کافه‌ای و زن همگانی وتا حدی هم باندیشت پرده‌ای کافه ، رام خود کرده و کارش را تمیز ارائه‌داده‌بود تا جائی که داستان بیک‌اوج میرسیدو مرد با لحنی‌محکم به پری می‌گفت که‌درصورت بازگشت به زندگی اولش‌او را خواهد کشت .

روابط ایندوتن منهای دیگران در همه حال از زیبائی و منطقی تیپیک برخوردار بود. پری چه در آنحال که عشق همه جانبه‌ای دنبالش می‌کردوچه‌درجائی که خودش عاشق شده ودل بیک مرد سپرده بود زنی تمام‌عیاراز یک‌طبقه ودارای کلیه خصوصیات رفتاری از طبقه خودش بود.

چادر سرکردن ، تخمه شکستن و لحن کندار و کلمات مخصوصش اصالتی‌را رعایت می‌کرد که من‌از کار قریب در«گوشواره های طلائی» بیاد دارم . بازی فروزان دراین قالب براستی کاری درخور تحسین‌بود . من در هیچ فیلم فارسی دیگری نمی‌توانم کاری‌راکه فروزان در رقاصه‌ارائه‌می‌داد سراغ داشته باشم.اگر قبول کنیم که هر هرپیشه باید زمانی‌روح و مفهوم تیپ محوله را کاملا درک کندو در آن فرو برود این اصل در مورد فروزان‌صادق بود.فروزان با پری هیچ فاصله‌ای نداشت به‌آن حدکه صحنه‌های طولانی رقص و آوازی هم که از یک جنبه برای‌منافع‌اقتصادی‌فیلم واز طرفی بعنوان قسمتی از قصه تهیه شده و تا اندازه‌ای‌پشت سرهم در قسمت اول داستان می‌آمد نمی‌توانست لطمه‌ای بکارش بزند چون بعد از این صحنه‌هافروزان توانسته بود رشته کارش را با موفقیت بدست‌داشته وازهر لغزشی خود را دورکند.

فروزان در رقاصه بازی‌خوب‌دوران‌هرپیشگی‌اش را ارائه داده بود و تاًلیدی باین اصل که هرپیشه را کارگردان می‌سازد .

مقایسه‌می‌کنیم فروزان را بانیبی‌که در عروس بیانکا داشت و شباهتهائی که بین رفتار هردو تیپ موجود بود . چگونه قریب توانسته بود موقعیت خود را در رقاصه کاملا درک کند. ؟

هرکس فیلم رقاصه‌را دیده باشد بزحمت می‌تواند صحنه‌های زیبائی مثل‌شب در پل رومی و جستجوی فروزان را از یاد ببرد.

ناصر ملک مطیعی را بزحمت می‌توان از تیپ بخصوصی که سینما باو داده جدا کرد. بنظر من این‌عیب نیست که هرپیشه ای کلا بیک لباس بخورد و تیپ خاصی را بهتر از سایرین ارائه دهد.

نمونه کاملش در سینمای امریکاچارلتون هستون‌است. من این هرپیشه را درلباس عادی ندیده‌ام.تیپ‌مناسب او بقول خارجی‌هادرلباس است باصطلاح آنکه او بنقش‌های تاریخی بهتر می‌خورد. این حرفی است. بهمین دلیل من نقطه ضعفی نمیدانم که ملک‌مطیعی در کوت‌جاهلی بهتر می‌تواند خود رانشان بدهد. اما مسئله بازیش از لباس جداست. او از این جهت‌اهمیت‌دارد که‌هرپیشه دو فیلم مهم قریب بوده است و ایندو فیلم هر دو لباس‌وتیپ‌یکسانی داشته‌اند.

مردی که‌در فیلم‌رقاصه بنام «غلام» و در هیئت‌یک مرد خانوانمدار کاسب‌ظاهر شده بودنمونه‌ای بود از یک اجتماع خاص و اصیل. اجتماعی که امروز هم در طبقه بندی ما جائی دارد. اینمرد صاحب خصوصیاتی است که فیلمساز یا نویسنده برای ارائه آن باید به ساختمان اجتماعیش توجه داشته باشد.اشکال کارقریب با ملک‌مطیعی صرفا به‌هدایت کارگردان و درک هرپیشه مربوط نمی‌شد. اینها دچار مسئله کش‌آمدن داستان‌شده بودند. توضیح بیشتر در اینمورد برمی‌گردد به‌پایان داستان رقاصه که من بآن نظر خوشی‌ندارم‌وضعف‌بزرگ کار قریب درآنست.

این قسمتی است که‌از لحاظ روانشناسی‌کاملا برای یک آدم ممکن بنظر میرسد.

طبیعی است که این تیپ مردان در محرومیت خوب عاشق می‌شوند ، باصطلاح جان باخته خاطر خواه ، خوب پول میریزند وهمانطور که‌قریب نشانداده بود اهل آرایش خانه و زندگی‌و نشاندن معشوقه هستند چون اصلا بخانه و زندگی وابسته‌اند آنچه می‌کنندبرای نشاندادن‌عرضه و دست ودلبازی خودشانست و رو سفید بودن پیش این وآن نه فداکاری شاعرانه برای یک عشق خالص.

دنباله دارد

نظری وگذری:

نصرت‌الله وحدت



● سینمای ایران کمتر کمدینی را بیاد دارد که بتواند سالهای سال در اوج قدرت وشهرت باشد وپیوسته هرکارش از کار دیگرش ارزشی جامع‌تر وکاملتر داشته‌باشد.

وحدت بازیگری است که از آغاز تاکنون پیوسته دراوج بوده و توانسته است موقعیت خود را همچنان محفوظ بدارد.

وحدت متولد سال ۱۳۰۷ در اصفهان است و باین ترتیب اینك چهل‌وچهارسال از سنش گذشته ، او کارهنری خود را با شرکت در تئاترهای اصفهان آغاز و همان زمانها نیز با دختر مرحوم رجالی بازیگر معروف ازدواج کرد که هنوز این‌ازدواج پابرجاست .

وی پس از توفیق در کار تئاتر در اصفهان بتهران‌آمد و در تئاترهای آن زمان شرکت کرد و سپس پایش بسینما کشیده شد و با بازی درفیلم پنجمین ازدواج کار خود را در سینما آغاز کرد وآنگاه دومین فیلمش خورشیدمیدرخشدازاوچهره‌ای محبوب ساخت که هنوز که هنوزاست این محبوبیت را از دست نداده است .

پس از فیلم خورشید میدرخشد ، نردبان ترقی ــ روزنه امید ، آسمون‌جل ، صفرعلی وعروسك پشت‌پرده رابازی کرد که در اکثر آنها نقش پامنقلی‌های اصفهانی زرنگ‌و خوش‌شانس را داشت . فیلم شانس و عشق و تصادف و قاصد بهشت ومرغابی سرخ کرده فیلمهای بعدی وحدت بودند که بتناوب در آنها شرکت کرد تا آنکه در سال ۱۳۴۴ فیلم تازه‌ای را خودکارگردانی و بازی کرد که برایش توفیق مادی عظیمی بهمراهداشت و آن عروس فرنگی بود. فیلم عروس فرنگی عجیب سروصدا بهمراه داشت و فروش فوق‌العاده آن سبب گردید که وحدت خود بایجاد استودیوئی بانام نقش‌جهان دست بزند و مستقلا فعالیت خود را آغاز کند و از این پس برای خود فیلم کارگردانی و تهیه کند . حاصل فعالیت مستقل وحدت در زمینه تهیه کنندگی

بقیه در صفحه ۴۰

این چهره

خسرو پحیائی ، یك فیلمساز نوچهره باتحصیلات آکادمیك



● بخاطر داریم که چند شماره پیش ، در همین صفحه، ضمن مطلبی اشاره کرده بودیم به آنکه در جریان تغییر و تحول نوید بخشی که درچندساله اخیر همچون یك نسیم برسینمای ایران وزیدن گرفته است ، چهره‌های جوان و ناشناخته ، ولی نوجو و پرتوان ،اندك اندك می‌روند تا پا به مدار چرخش این سینما نهاده و باایده‌های‌خودنو فیلمهای جوانی که می‌سازند ، فضای این سینما را آکنده از رایحه طراوت سازند . خسروپحیائی، آنگونه که می‌نماید ، یکی از همین جوانهای نوجو و با استعداد است . او کاربرسینمائی‌خود را به‌عنوان یك کارگردان با ساختن فیلم ظاهرا متفاوتی به نام «زنجیری» آغاز کرده‌است.

پحیائی ، در گفتگوی کوتاهی که باوی داریم ، نخست اشاره می‌کند که قبل از آغاز کار فیلمسازی ، یك نقاش بوده است . بنابراین وی‌به هرصورت ، یك «تصویر پرداز» بوده است . اما این «تصویر پردازی» در مورد او ، درمرحله تقریبا مکمل طی کرده است : مرحله استاتیك در نقاشی و سپس‌مرحله دینامیك در سینما .

از روی کنجکاوی از وی می‌پرسیم که آیا ظرفیتش با تصویر و نحوه تلقی‌اش از آن ، در این هردو مرحله یکسان بوده است ؟

«بله ، صد در صد اما یك مساله هست . یك تصویر فرضا سوررئال در نقاشی،رابطه خیلی خیلی محدود و اندکی می‌تواند با

های آشنا

تماشاگر برقرارکند ، چون آن «دفرماسیون» برای تماشاچی عامی قابل قبول نیست . امادر سینما، چنین نیست و بخاطر همین‌است که من به سینما پناه آورده‌ام . چون در سینما ماتریال من‌برای تماشاچـی قابل شناخت‌است و مثلا «دفرماسیون» تصویری‌یك کاراکتر ، بخاطرآشنائی قبلی که‌تماشاچی با شخصیت ابتدائی این کاراکتر دارد ، برایش‌قابل درك و قابل هضم خواهدبود.بنابراین سینما از نظر بیانی‌واز نظر سرعت برقراری رابطه با تماشاگر ، امکانات خیلی وسیعتری به من‌می‌دهد»

یحیائی فارغ‌التحصیل رشته سینماتوگرافی از مدرسه عـالی علوم ارتباطات اجتماعی است . این مدرسه در نخستین سال تاسیس خود ، بیست تن دانشجو را جهت تحصیل دراین رشته پذیرفت. و از سال بعد هم این‌رشته‌را، به سبب فقر امکانات و مخـارج زیاد آن ، تعطیل کرد .

« من معتقد به‌این هستم که تحصیلات آکادمیك ، زمینـه و پشتوانه فکری خوبی است در کاریك سینماگر ، اما اعتقادی به این ندارم که فقط کسیکه تحصیلات آکادمیك داشته باشد، بتواند یك خالق باشد »

یحیائی پیش از آنکه دوره مدرسه را به‌پایان برسانـد، با همکاری رفقایش فیلمی یکساعته به‌اسم «روزهای مات» ساخت که بنا به محظوراتی هنوز در جائی نمایش داده نشده‌است .

« این فیلم ، بطور کلی ، رئال نبود و مسائلی که در آن مطرح می‌شدند ، خیلی شخصی بودند .این فیلمی است که شایدیك تماشاگر عادی اصلا متوجه مفاهیم و فکرهائی که در آن هـست نشود ، ولی تماشاگریکه صاحب یك فرهنك غنی سینمائـی در حد جهانی باشد ، به راحتی آنرا خواهد فهمید.. من امیدوارم‌که این فیلم را تا چند وقت‌دیگر بتوانیم برای نویسندگان مطبوعات نشان بدهیم .

در جریان فیلمبرداری این‌فیلم، من احساس کردم که یك رابطه ذهنی خیلی نزدیك بافرخ ساحدی دارم ومسائلی را کـه من مطرح می‌کنم ، او به خوبی درك می‌کند.»

«زنجیری» نخستین‌کار طویل سینمائی یحیائی ، به گفتـه خود او ، به تقریب می‌تواند دنباله فیلم «روزهای مات» باشد، منتها با فضائی دیگر و فرمی جداگانه ــ و بانسبت کم « غیر سوررئال » !.

«مهمترین مساله‌ایکه من خواسته‌ام در این فیلم مطـرح کنم ، مساله «کنتراست» موقعیتها است . و حالا نمیدانم یکچنین مساله‌ای تا چه حد می‌تواند برای تماشاگر قابل فهم باشد، امـا بهرحال من خودم رابهیچوجه مسئول نمیدانم که در موردفیلمی که می‌سازم ، توضیح بدهم ، چون فکر می‌کنم که این‌توضیح من ، ذهن تماشاچی را تسخیر می‌کند و دید مرا به او تلقین می‌کند . این کارتاحدودی شخصیت تماشاچی رااز او می‌گیردو معیارهای فکری او را در هم می‌ریزد».

«زنجیری» را برای چه تیپ تماشاگری ساخته‌ای ؟

بقیه در صفحه ۴۲

گوگوش:
من چرا باید گریه کنم؟!



*** الو ، خانم گوگوش؟**

ــ خودم هستم ، بفرمائید.

*** سلام خانم ، من از «فیلم و هنر» تلفن میکنم.**

ــ سلام آقا ، حالتون چطوره؟

*** بد نیستم. خوب خانم تازه‌چه‌خبر؟**

ــ خبرهای تازه را که باید خود شما بدانید!

*** نه ، واله تنها چیزی که ما تازگیها در باره شما شنیده‌ایم ، اینست که شما اینروزها خیلی گریه می‌کنید!**

ــ نه ، چرا گریه کنم؟

*** گویا موقعی که آهنك «قصه دوماهی» را میخوانید ، گریه‌تان میگیرد!**

ــ بله اتفاقا من خودم هم در مجله‌ها خوانده‌ام کـه اینروزها خیلی ناراحت هستم و شبها هم موقع اجرای برنامه گریه میکنم ! ولی البته خودم نه از آن ناراحتی‌های روزانه و نه از این گریه‌های شبانه‌هیچ‌اطلاعی‌ندارم!

من فقط از آنجا که میخواهم برنامه‌هایم را به نحواحسن اجرا کنم ، اینست که مثلا موقعی که آهنك شاد میخوانم و یا بیت میوزیك خارجی میخوانم ، سعی کنم خیلی جنب و جوش داشته باشم و به اصطلاح خیلی قربدهم . و در عوض وقتی هم آهنگهای غمگین میخوانم ، سعی میکنم حالتی غمزده به خود بگیرم تا دیگران تحت تاثیر قرار بگیرند . این غمزده بودن بعضی وقتها ایجاب میکند که من حتی اشك هم در چشمهایم جمع کنم . من اینکاررا بدیهی است که صرفا برای بهتر اجرا کردن ولم میکنم ، و چقدر مسخره است که بعضی ها فکر کنند گریه من مثلا بخاطر اینست که عاشق شده‌ام و یا مثلا بدهکارم !. من هرشبی که حالش را داشته

بقیه در صفحه ۴۰



□ فردین و پوری بنائی» در فیلم «یک‌خوشگل و هزارمشکل»



■ وحدت ، ارحام صدر ، شراره درصحنه‌ای از فیلم «شوهر پاستوریزه»



□ «فروزان» و

«۴۳» فیلم نتیجه کوشش فیلمسازان

از : رضا شمشادیان

● در اولین شماره تیرماه فعالیت سه ماه اول سال ۱۳۵۰ سینمای ایران را که تولید۲۳ فیلم بود درج نمودیم و اینک با آغاز فصل‌پائیز میپردازیم به بررسی وضعیت سینمای ایران در شش ماه اول سال ؛

بیست‌و سه فیلمی که در بهار امسال برای اولین بار از سینمای ایران نمایش داده شد و ما قبلا آنها را معرفی نمودیم عبارتند از همای سعادت ، ایوب ، یك‌خوشگل وهزارمشکل، فاتحین صحرا، پل ، دلقکها، درشگه‌چی ، نوبراصفهان ، فریاد ، پهلوون‌بابا ، احساس داغ ، سه‌قاپ، مردان بحر ، احمد چکمه‌ای ، آتشپاره شهر ، شوهر پاستوریزه ، کاکو، رعدو برق ،ماه پیشونی ، شیادان ، شاطرعباس ، پهلوان مفرد و کلبه‌ای آنسوی رودخانه

در سه ماه دوم امسال بیست فیلم تازه ایرانی بروی اکران آمد وبا آنکه فصل تابستان بود ولی نسبت به فصل بهار سه فیلم از میزان تولید فیلمهای ایرانی کاسته شد و این بخاطر استقبالی است که مردم ازفیلمهای ایرانی درحال حاضر بعمل‌میآورند حالادیگر تهیه‌کنندگان رغبت بنمایش فیلمهای آماده نمایش خود درفصل تابستان پیدا مینمایند و برخلاف گذشته که اغلب فیلمهای خود را بـرای نمایش در سزون در انبار استودیو بایگانی میکردند اینك بمجرد آماده شدن فیلم و بدست‌آوردن اکران آنرا بمعرض نمایش میگذارند.

بیست فیلم ایرانی که از اول تیرماه تا آخر شهریور ماه امسال برای اولین بار بروی اکران آمد عبارتند از :

۱ ـ **صمد و قالیچه حضرت سلیمان** محصول سازمان سینمائی پیام ساریست و کارگردان پرویز صیاد فیلمبردار کنی با شرکت صیاد، مینو شجیع ، نوری کسرائی ، عبدالعلی همایون ، حسینی این فیلم با فروش معادل یکمیلیون و هشتصد وپنجاه هزار تومان یکی از پرفروشتریـن فیلمهای ایرانی امسال تاکنون بوده است .

۲ ـ **مردهزار لبخند** .. محصول پوریا فیلم کارگردان سیامك یاسمی، ساریست سعید مطلبی فیلمبردار «بطور اسکوپ سیاهو سفید» مصطفی عالمیان هنرپیشگان‌فردین ، ایرج رستمی ، زری خوشکام ، حالتی این یکی از کم فروش‌ترین فیلمهای فردین در سالهای اخیر بوده‌است و در اکران تخت تهران معادل پانصد وپنجاه هزار تومان فروش‌نمود.

۳ـ **سه‌تاجاهل «پاناویژن»** محصول پخش‌فیلم خدابخشیان ساریست و کارگردان پرویز نوری فیلمبردار رضا مجاوری هنرپیشگان سپهرنیا، گرشا ، متوسلانی ، لی‌لی و جمشید مشایخی سه‌تا جاهل در اکران تهران فروشی معادل سیصدوسی هزار تومان بدست آورد.

٤ ـ **عشقی‌ها** محصول استودیو تخت‌جمشید ساریست وکارگردان جمشید شیبانی فیلمبردار تورج پورمروت هنرپیشگـان لی‌لی ، جمشید آریا ، ثریا بهشتی ، آراسته و میری این فیلم در تهران دویست‌وپنجاه هزار تومان فروش داشت .

٥ ـ **وحشی جنگل** ساریست فریدون گله کارگردان روبـرت اکهارت فیلمبردار عـلیرضا زرین‌دست‌هنرپیشگان فیروز ، آرزو، اسدالله یکتا ، حسین گیل و اسدزاده وحشی جنگل در تهران دویست‌هزارتومان فروش نمود .

٦ ـ **زندگی وارونه** محصول مهرگانفیلم کـارگردان نصرت‌الله وحدت فیلمبردار شکرالله رفیعی هنرپیشگان وحدت ، شیلا ، میری. زندگی وارونه در تهران پانصد هزار تومان فروش بجای گذاشت .

۷ ـ **جان‌سخت** ساریست فریدون گله کارگردان ایرج قـادری فیلمبردار داریوش محصول عصرطلائی با شرکت نیلوفر ، آرمان وایرج قادری، جان‌سخت در اکران تخت تهران معادل دویست هزار تومان فروش بدست آورد.

۸ ـ **قلاب** محصول استودیو آریی ساریست و کارگردان عباس دستمالچی فیلمبردار کمال مطیعی هنرپیشگان بیك‌ایمانوردی ، مرجان، شیراندامی ، کهنموئی ، ایران دفتری ، اردشیر پهلوان ، حسین‌پـور قلاب در اکران اول تهران معادل چهارصد هزار تومان فروش داشت .

۹ ـ **معرکه** کارگردان رضا صفائی ، عباس کسائی ، روبیك و خسرو پرویزی فیلمبردار رضا انجم‌روز باشرکت شهین ، ایرج رستمی، میری ، ماروتیان ، لرتا ، مژگـان معرکه در تهران معـادل دویست و هشتاد هزار تومان فروش داشت .

۱۰ـ **فرار ازتله**محصول‌فیلمکوفیلمز ساریست و کارگردان جـلال مقدم فیلمبردار کنی با شرکت بهروز وثوقی ، نیلوفر ، جلال ، ناظری، شهرزاد و داودرشیدی تله در تهران ششصدو پنجاه هزار تومان فروش داشت .

۱۱ ـ **شراره** محصول عصرطلائی ساریست و کارگردان احمـد نجیب‌زاده فیلمبردار ابراهیم دیلمانی با شرکت نیلوفر ، فرخ ساجدی، احمدی ، ثریا بهشتی ، بهمنیار . شراره در تهران دویست هزار تومان فروش نمود .

۱۲ ـ **قصاص** کارگردان نظام فاطمی ساریست احمد نجیب‌زاده فیلمبردار عزیزرفیعی باشرکت ناصرملك مطیعی ، گوگوش، پوری‌بنائی،





«فردین» در صحنه‌ای از فیلم «ایوب» ■ یك تصویرجمعی از هنرمندان فیلم «صمد و قالیچه حضرت سلیمان» □ «آغاسی» و «لی‌لی» در فیلم «ایوالله»...

ایران در شش ماه اول ۱۳۵۰

سرکوب و رجائی قصاص در اکران نخست خود معادل هفتصد هزار تومان فروش داشت .

۱۳ ــ داش‌آکل کارگردان مسعود کیمیائی فیلمبردار نعمت‌حقیقی محصول شرکت سهامی رکس هنرپیشگان بهروز وثوقی ، مری آپیك، بهمن مفید ،ابراهیم نادری ، شهرزاد ، جلال ، متین، کهنموئی داش آکل در اکران نخست‌تهران معادل هفتصد وپنجاه هزار تومان فروش بدست آورد .

۱۴ــ لوطی سناریست و کارگردان خسرو پرویزی فیلمبردار علیرضا زرین‌دست محصول سازمان سینمائی پیام با شرکت ملك‌مطیعی ، مهناز، مختار ، عنایت بخشی و ژاله . لوطی در اکران نخست تهران معادل ششصد هزار تومان فروش نمود .

۱۵ــ دنیا مال منه سناریست و کارگردان خسرو پرویزی فیلمبردار محمود کوشان محصول پارس‌فیلم هنرپیشگان نیلوفر ، پیمان ، بهشتی، هوشمند و ظهوری این فیلم در اکران اول تهران معادل هشتصدو ده هزار تومان فروش داشت .

۱۶ ــ شکار انسان کارگردان و سناریست بازیاران فیلمبردار رضا انجم‌روز با شرکت جمشید مشایخی ، مرجان، نرسی ، شهریار ، شکار انسان در تهران یکصد و هشتاد هزار تومان فروش داشت.

۱۷ ــ دلهای بی‌آرام محصول سینا فیلم سناریست و کارگردان اسماعیل ریاحی فیلمبردار پرتو با شرکت فرخزاد ، ایرج قادری ، سحر، شهلا و فکری . این فیلم در تهران دویست هزار تومان فروش نمود .

۱۸ ــ ایوالله محصول پانوراما سناریست و کارگردان‌منوچهر نوذری فیلمبردار علی علائی با شرکت آغاسی ، لی‌لی ، جمشید آریا ، فیروز، سیمین غفاری ، فروهر ، ایوالله در هفته اول نمایش خود معادل نهصد هزار تومان فروش داشت و مسلما یکی از پرفروش‌ترین فیلم‌های امسال خواهد شد .

۱۹ ــ شوفر خوشگله رنگی محصول مشترك ایران و ترکیه کارگردان و فیلمبردار محمود کوشان با شرکت همایون ، نازی ، امیر فخرالدین ، نرگس ، ثریا بهشتی . شوفر خوشگله در هفته نخست نمایش در حدود چهارصد وپنجاه هزار تومان فروش داشت .

۳۰ ــ درختها ایستاده میمیرند رنگی محصول استودیو میثاقیه کارگردان امیر شروان فیلمبردار احسانی با شرکت آذر شیوا ، منوچهر وثوق ، کتایون ، میری ، بلور وظهوری این فیلم در آخرین روز شهریور ماه به روی اکران آمده است

● فروش فیلمهای سه ماهه اول سال ۱۳۵۰ در اکران نخست تهران بدین شرح بوده است همای سعادت نهصدو پنجاه هزار تومان، ایوب ، یکمیلیون ویکصد هزارتومان یك‌خوشگل‌و هزارمشکل یکمیلیون ودویست هزار تومان فاتحین صحرا ششصد هزار تومان پل ششصد هزار تومان دلقکها هفتصد و پنجاه هزار تومان درشکه‌چی «با اکران سینما کسری» معادل هشتصد هزار تومان نوبر اصفهان چهار صد هزار تومان فریاد پانصد هزار تومان پهلوون بابا یکصدو پنجاه هزار تومان احساس داغ دویست هزار تومان سه قاپ چهارصدو پنجاه هزار تومان مردان سحر دویست هزار تومان احمد چکمه‌ای یکصدو هشتاد هزار تومان آتشپاره شهر پانصدو پنجاه هزار تومان ، شوهر پاستوریزه یکمیلیون‌و ششصدو پنجاه هزار تومان کاکو هشتصد هزار تومان رعدو برق یکصدو بیست هزار تومان ، ماه پیشونی ششصد هزار تومان شیادان سیصدهزار تومان شاطر عباس ششصد وسی هزار تومان پهلوان مفرد ششصد وپنجاه هزار تومان ، کلبه‌ای آنسوی رودخانه هفتصد هزار تومان .

بدین‌ترتیب صمدوقالیچه حضرت سلیمان ، شوهر پاستوریزه، ایوب، یك خوشگل و هزارمشکل وایوالله در ردیف فیلمهائی هستند که در شش ماه اول ۱۳۵۰ بیش از یکمیلیون تومان فروش داشته‌اند .

باباشمل، قلندر، میعادگاه‌خشم ، مردان‌خشن، غلام‌ژندارم، بدنام، حیدر از جمله فیلمهائی میباشند که سازندگان آن امیدواری زیادی دارند با نمایش در سزون امسال فروشی بیش از یکمیلیون تومان بدست آورند.

● در شش ماه نخست امسال با نمایش هفت فیلم تازه از ناصر ملك‌مطیعی «پل ، سه‌قاپ، کاکو، پهلوان مفرد، کلبه‌ای آنسوی‌رودخانه، قصاص و لوطی» وی پر کارترین آکتور فیلمهای ایرانی بوده است‌و بعد از او بترتیب بیك‌ایمانوردی با شش فیلم ، میری با ٦ فیلم ، فردین با ٤ فیلم ، بهمن مفید با ٤ فیلم ، منوچهر وثوق با ۳ فیلم‌ایرج‌رستمی با ۳ فیلم ، بهروز وثوقی ، وحدت ، جمشید‌مشایخی ، سپهرنیا ، گرشا، متوسلانی ، امیر فخرالدین‌و ایرج قادری هرکدام با ۲ فیلم قراردارند.

● لی‌لی با نمایش ٥ فیلم تازه از او در شش ماه اول سال‌پر کارترین ستاره سینمای ایران بوده است و بعد از او بترتیب نیلوفر ٤ فیلم پوری بنائی ۳ فیلم مرجان ۳ فیلم فروزان ۲ فیلم کتایون ۲ فیلم، شیلا ۲ فیلم ، گوگوش ۲ فیلم و آفرین ۲ فیلم قرار دارند.



□ «امیرشروان» در فاصله دو صحنه از فیلمبرداری ، بازیگران (درختها ایستاده میمیرند) را هدایت می‌کند.

درمورد کار تازه امیر شروان:

«درختان ایستاده میمیرند»

نتیجه مطلوب جستجو در قصه‌ها و سوژه‌های نو...

● ساخته‌جدید«امیرشروان»ـ درختان ایستاده میمیرندـ با نشانه‌های بارزی از پیشرفت و ترقی این فیلمساز ـ نسبت به آثار ارائه داده در گذشته ـ همچنان مارك مشخص و تعیین کننده خود او را دارد . امیر شروان فیلمسازی است که به محتوی و قصه فیلمهای خود اهمیت بسیار قائل است ، و این شاید در وهله اول بخاطر «بك‌گراند» کار او در زمینه تئاتر و کارهای نمایشی روی صحنه‌باشد . در فیلم حاضر نیز ، همچون گذشته ، شروان میکوشد تا قصه‌ای استوار و محکم را درقالب فیلمی پخته و مردم‌پسند ارائه دهد ، که این کوشش در دیداری از فیلم او به نتیجه مطلوب و قابل ملاحظه‌ئی دست مییابد . در اینجا دیگر حکایت پسر و پدر ،باندبازی و تعقیب و گریز ، زد و خوردهای فریبنده و حوادث کوتاه و بلند ـ که تا زمان تهیه این فیلم در محصولات ایرانی متداول بود ـ تکرار نمیشود ، ولی با این وجود دارای تمام گرمی و گیرائی این نکات نیزهست. «درختان ایستاده میمیرند» د رمرحله‌ای از زمان ساخته شد که سینما ی‌فارسی هنوز شدیدا درگیر این مسائل و این نوع فیلم سازی بود . کلاه مخملی و جاهل و چاقوبانهرمانان آشفته‌حالی که از زندان بدر میآیند و بار دیگر زندگی افسرده خود را در جهنمی از تردید و انتقام میگذرانند ، هنوز در سینمای ما مرسوم نشده بود . فیلمسازان همچنان میکوشیدند معیارهای مردم‌پسند گذشته را در قالب تصویر به تکرار کشیده و فیلمهای پرفروشی برای‌تهیه‌کنندگان بوجودآورند. دریك چنین دوره‌ای دست گذاشتن روی یك سوژه نو و تازه ـ که ضمنا حال وهوای همان حوادث را نیز داشته باشد ـ کاری بود که بی‌شك جستجو و کوشش فیلمساز بنمایش میگذارد.

محور اصلی داستان ، اینبار ، مادر بزرك خسته و نگرانی است که روزهای پایان عمر خود را میگذراند (به یاد داشته باشید که تا پیش از این مادر ـ و یا مادر بزرك ـ در فیلمهای ایرانی تنها یك عامل کوچك برای اشك‌انگیزی تماشاگر بوده است) شدیدا بیمار است و همسرش طی سالیان دراز کوشیده است با هر تدبیر او را به زندگی امیدوار کرده و روزهای خوشی برایش بوجود آورد . ولی تراژدی زندگی این زن در دوری ازنوه‌محبوب اوست که از سن نوجوانی و بلوغ در اثر اختلافات فراوانی که با پدر بزرك خود داشته است بدنبال شرارتها ی بسیار خانه را ترك میکند و خبرش را از آمریکا میآورند از این‌پس پیرزن‌چشم‌هایش را تنها با اشك دوری از نوه محبوب خود میشوید و با نامه‌هائی که بوسیله پدر بزرك نوشته شده و از راه آمریکا باو میرسد ، چنین میانگارد که او زنده استو در دیاری دور سر براه شده ، تحصیل کرده و همسر گرفته‌است. اکنون در پایان راه دراز وتلخی که زندگی است ، تنها امید پیرزن دیدارمجدد نوه اوست . رسیدن یك نامه جدید ـ و حقیقی ـ که این‌بار خبر از مراجعت «حمید» دارد ، در آغاز داستان ، حرارت‌تازه‌ای به زندگی سرد و یکنواخت مادر بزرك می‌بخشد . اکنون او دوباره زنده میشود . پای میگیرد و به حرکت درمیآید . درگذشته‌های شیرین سیرکرده و خاطرات حمید را یکبار دیگر با اشتیاق فراوان زنده میکند . ولی هسته‌اصلی تراژدی از جائی آغاز میشود که خبر سقوط هواپیمای حمید در روزنامه‌ها چاپ میشود و پدر بزرك از آن مطلع میگردد ! از این پس کوشش است برای

پنهان کردن ماجرا از مادربزرگ، ودرنتیجه اجرای نقشه‌ای که طی آن جوان ناشناسی را بعنوان حمید وارد خانه‌کنند و وقتی عطش دیدار پیرزن فرو نشست به بهانه بازگشت به آمریکا یکبار دیگر او را از وی دور سازند تا شاید باری از اندوه گران مادر بزرگ برداشته شود . و چنین میشود. اما مرد جوانی که به‌عنوان نوه پیرزن وارد خانه میشود با همه محبتی که دیگران به او دارند ، یك فرزند خلف زمانه است ، آدمی است دزد و حیله‌گر و شارلاتان که به قصد سرقت اثاثه عتیقه به این خانه آمده و جز پول و ریاکاری چیز دیگری از محیط اطراف خودنیاموخته است . زیبائی قصه و پی‌ریزی محکم آن در همین نکته است .

حمید قلابی در این خانه با آنگونه از عواطف بشری روبرومیشود که هرگز در جای دیگری ندیده و لحظه به‌لحظه با درگیری با حوادث و ماجراها پوست انداخته و چهره عوض میکند ، از قالب آن دزد ریاکار بیرون‌میآید و در مقابل عاطفه و محبت و عشق با نوع دیگری از زندگی آشنا میشود . اکنون دیگر مادر بزرگ به خواست عمیق درونیش رسیده و حمید همان آدمی شده که او دوست میداشت و آرزویش را میکرد .اما از این پس قصه استحکام و توانائی بیشتری میباید . حمید اصلی بازمیگردد و در کمال شقاوت و بیرحمی از والدین خود طلب پول میکند. او آدمی است در نقطه مقابل حمیدی که پیرزن فکرش را میکند . و از اینجاست که قصه بار بیشتری گرفته و با شیرینی بسیار پیش میرود.

چیزی که بیش از هر عامل دیگر در این فیلم جلب توجه میکند کاراکترپردازی و عمق‌و بعدی‌است که در آدمها دیده میشود . تماشاگر به راحتی احساس و غم پیرزن را حس میکند و با گذشته و حال او درمیآمیزد . حمید را میشناسد و با ابعاد بوجود آورنده کاراکتر او آشنا میشود. سیر حوادث بسیار منطقی — و جز در پاره‌ای لحظات که بعدا به آنها اشاره‌میشود— و دارای پایه و اساس کاملی است . جالب‌ترین پرسوناژی که در فیلم مطرح میشود ، پرسوناژ حمید قلابی (منوچهر وثوق)است که تصویر کاملی از اکثریت جوانهای امروزی را بنمایش می — گذارد . فرصت‌طلب ، خوش‌بیان و خوش‌برخورد ، با قلبی از سنگ و زبانی از حریر! و چیزی که به «درختان ایستاده‌میمیرند» عمق بیشتر می‌بخشد تغییر ماهیت همین پرسوناژ است درمقابل عواطف مادر بزرگ از سوئی و زن محروم و بدست دیگری ، از سوی دیگر ، که او نیز به‌جبرزمان و حیات مجبور به ایفای نقش زن قلابی حمید قلابی است ! و ای‌کاش فیلمساز همچنانکه تا یکساعت از فیلم با دقت فراوان و قابل توجهی به تقویت و ارزیابی و شناسائی این پرسوناژ پرداخته است ، مراحل تغییر ماهیت او را نیز باوسواسی بیشتر و ملاحظات فراوانتری به انجام میرساند ، زیرا در فرم کنونی حمید خیلی غیرمترقبه و تا حدودی مخالف با روحیه‌ای که دارد قدم در جاده تغییر شخصیت گذاشته و ناگهان از سیمای آن جوان دزد ، زبان‌باز ، به‌قالب آدمی خوب و پاك و صمیمی در میآید.

امیر شروان با نوعی وسواس تئاتری به آنالیز شخصیت‌ها پرداخته و در طول داستان توفیق میباید تا آدمهائی دارای بعد و صاحب عقیده وسلیقه با زندگی‌های مختلف را به تماشاگر نشان دهد.

رهبری دقیق او از هنرپیشگانی که پیش از این نیز فیلمهای فراوانی از ایشان دیده‌ایم در این فیلم ، بازیگرانی قدرتمند و قابل ملاحظه ساخته است . منوچهر وثوق درباره‌ای از لحظات فیلم بی‌شك درخشان‌ترین بازی دوران بازیگری خود را در سینما ارائه داده است ، که ای‌کاش این کوشش درهمه لحظات ادامه میبافت . در کنار او سایرین هم به لطف رهبری شروان بازی های خوب و سنجیده‌ای دارند.

ظهوری همچنان ظهوری است و میری — گرچه در حاشیه— ولی‌بازی‌گرم و گیرائی‌دارد . (در اینجا اشاره به این مسئله‌ضروری است که پرسوناژهای نوکر و کلفت‌و دختر جوان و مباشر خانه تا حدود زیادی اضافه و صرفا برای ایجاد خنده و کمدی در فیلم بوجود آمده که عدم وجودشان نیز لطمه‌ای به فیلم وارد نمیآورد) همچنین لازم به یادآوری است بازی فوق‌العاده نرم و درخور اعتنای «سرکوب» در نقش کوتاهی که عهده‌دار اجرای آن بود.

و از اینها گذشته میزانسن های شروان در بعضی سکانها از ارزش بسیار برخوردار بوده و دوربین او جز در پاره‌ای‌لحظات، همیشه در خدمت بیان صحنه و محتوی قصه‌ای‌است که پیش‌میرود. شاید گرمائی که اکنون در فیلم هست بخاطر رعایت همین نکات و کارگردانی سنجیده شروان باشد . فیلمبرداری رنگی «احسانی» خوب و مونتاژ در خدمت ایجاد تداوم لازم در فیلم قابل ملاحظه بود ■



□ دو صحنه از فیلم (درختها ایستاده میمیرند) ساخته : امیرشروان



سینما و مطبوعات

زن روز

شماره ۳۳۷

بازیگر در سینمای ایران

این قسمتی‌است از یك مقاله راجع به بازیگران ایرانی که طی «سلسله‌مقالاتی درباره سینمای فارسی» درج آمده است.

به دشواری می‌توان گفت که ما پنج‌بازیگر خوب سینما ــ زن و مرد ــ داریم ، چون واقعا همانطور که گفتیم بازیگران سینمای ما بطور اتفاقی به این حرفه روی آورده‌اند. البته درمیان این عده که «اتفاقی» بازیگر سینما شده‌اند، یکی دوتن بعدا انعطاف و استعدادی نشان داده‌اند و کارشان کم‌و بیش قابل پذیرش است. مشکل بازیگر ، رویه دیگری‌هم دارد که نمی‌توان‌نسبت به آن بی‌توجه بود. ما در اینجا مدرسه‌ای برای تعلیم دادن بازیگران حرفه‌ای‌سینمانداشته‌ونداریم واگر بازیگری‌هم‌خواسته‌است «مدرسه‌دیده» باشد، چنین فرصتی را نداشته است. خوشبختانه توجه معدودی بازیگران تئاتر به سینما در سالهای‌اخیر کم وبیش دارد مشکل بزرك‌بازیگر رادر سینمای ایران حل می‌کند.

توانائی نسبی بازیگران تئاتر، بازیگران قدیمی سینما را وادار می‌سازد تا نسبت به کار خود توجه بیشتری نشان دهند و حداقل به مطالعه‌ای در کار خود بپردازند.

روکردن بازیگران تئاتر به سینما در واقع موجب خواهد شد که از میان بازیگران قدیمی سینما ، آنهائی که واقعا استعدادی دارند ، باقی بمانند و بقیه به حرفه‌های دیگری رو بیاورند.

بازیگران مستعد ، باید در شرایط موجود که مدرسه‌ای برای پرورش استعداد آنهاوجود ندارد ، خود مطالعه کنند و با وسواس و دقت به ارائه نقش‌های خود درسینما بپردازند.

***

روشنفکر

شماره ۹۳۹

«و نیز» مرا محکم کرد!

نقل از گزارش مجله روشنفکر از مصاحبه مطبوعاتی «داریوش‌مهرجوئی» در استودیومیثاقیه

ونیز مرا محکم کرد. البته من خط سیری ویژه خود داشتم ، اماچنین توفیقهااین انتخاب و پیمودن‌رامراقاطع‌تر ومشخص‌ترمی‌کند. تنهاعواملی که ما را از پیمودن قاطع این راه باز می‌دارد، مساله سانسور است. سانسور برای سینمای امروز ایران ، یعنی مشکل اساسی.

باید عقده‌ها را رها کرد و آزادی بیشتری به سینما بخشید و یقیناسینماگران پاسخ این‌آزادی را بی‌اجر نخواهند گذاشت و تلاش آنهادر عرصه آثار خلاقه و پیشتاز ، بیش از پیش خواهد شد. راستی که معجزه ، گاو را به ونیز کشاند، چرا که عوامل سانسوری به هیچوجه مایل به فرستادن این فیلم به جشنواره‌های جهان نبودند.

صبح امروز

شماره ۴۸۰

شاهکارهای اخلاقی

نقل از مطلبی تحت عنوان «تاثیر فیلم‌های سینما و تلویزیون بر اطفال و نوجوانان»نوشته «العفت الموتی»

به راستی‌هرچه‌زمان‌می‌گذرد و هرچه‌پیشرفت، در زمینه‌های مختلف ، سریعتر می‌شود ، به همان نسبت سینما و فیلمهای آن ، مبتذل‌تر و بازاری‌تر و بی معنی‌تر می‌شود. دیگر به ندرت می‌توانیم برصحنه سینما فیلمهائی کهشاهکاراخلاقی هستند تماشا کنیم . امروزه تمام‌فکر کارگردانان و تهیه‌کنندگان فیلم‌ها برروی پول و منفعت بیشتردور می‌زند. و آنچه به حساب نمی‌آید ، وضع مردم‌و بد آموزی و اثرات ناپسند فیلم‌ها در آنانست .

تماشا

شماره ۲۷

مچ گیری!

* در صفحه «تکه تکه» مجله تماشا ، مطلبی خواندیم در باره فیلمی که اسمش ترجمه شده بود «پارتی شکار» ، که اولا با توجه به مضمون داستانی فیلم ، این ترجمه درست نیست‌وباید نام فیلم را «گروه شکار» ترجمه کرد. غیر از این در آخرین پاراگراف این مطلب چنین میخوانیم: **«اما کارگردان آن ، دان مدفورد ، ناشناس‌است. این اولین فیلم طویل اوست»**

که‌باید به عرض نویسنده این مطلب برسانیم که اولا «دان مدفورد» لااقل بخاطر اپیزودهای تلویزیونی زیادی هم که‌تابحال از وی دیده‌ایم، کارگردان ناشناسی نیست و ثانیا این فیلم نیز نخستین فیلم طویل او نیست و پیش از این ، چند فیلم بلند داستانی دیگرساخته است (منباب مثال« دام جاسوسان» که‌اولین‌فیلم‌طویل او بود و یکمقدار هم جلب توجه کرد).

***

اطلاعات دختران و پسران

*مجله اطلاعات دختران و پسران درمطلبی راجع به «اوا اولین» عکسی از «اولینکابروو» به جای عکس اوا اولین قالب زده است !. بااین حساب معلوم است که متن این مطلب نیز تا چه حد می‌تواند صحت داشته باشد.

***

سپید و سیاه

شماره ۹۳۶

بگم چی شد

رامش که مدت زیادی بود با کمپانی‌آپولون قرارداد بسته بودو بابت تمام آهنگهایش‌پورسانتاژ می‌گرفت ، هفته گذشته قرارداد خود را باکمپانی مزبور بهم زد و با خونسردی گفت که من دیگر پا به آنجا نمی‌گذارم ، حالا بخاطر چی ؟، بعضی‌ها که علت را می‌دانند ، نام ترانه معروف او را بر می‌آورند : بگم چی شد ؟







بر «رضا هفت خط» چه گذشت؟

فیلم «رضا هفت‌خط» محصول جدید ایمازفیلم بعلت دارا بودن قسمت‌های متعددی که در آن بهمن‌مفید به‌تیپ‌های مختلف ظاهر میگردد، حوادث جالبی در طی فیلمبرداری‌بار می‌آورد که بالطبع درج آن‌برای خوانندگان پربدك نیست وما ازاین‌پس خواهیم کوشید که حوادثی را که ممکن است در طول فیلمبرداری‌این فیلم برای هرپیشه آن روی دهد برای شما بازگو کنیم .

اتفاقات جالبی که در زیرآورده‌می‌شود ، چند حادثه خنده‌آوراست‌که طی یکی دوهفته اخیر برای رضاهفت‌خط اتفاق افتاده است .

معرکه‌گیر قلابی

● در صحنه‌ای از رضا هفت‌خط ، بهمن مفید ناچار بگرفتن معرکه می‌شود و وزنه‌هائی سنگین‌بلندکرده‌و مثل پهلوانان با شانه وبازو آنرا باینطرف وآنطرف پرتاب می‌کندوضمن کارهایش‌نیز زنجیری را پارەمی‌کند، دراین میان‌یکی‌از کسانیکه ناظرمعرکه بوده وبقلابی‌بودن زنجیر پی‌میبرد از رضا هفت خط میخواهد که زنجیرماشین او را پاره کند و بلافاصله‌رفته و زنجیر چرخش را میاورد. بهمن‌مفید برای آنکه خودرا از تك‌وتو نیاندازد ، شروع میکند بزور زدن‌اماهرچه زور بی‌زندنمی‌تواند آن راپاره کند ــ البته این قسمت در سناریوفیلم‌وجود داشته است ــ وقتی بهمن از پاره‌کردن زنجیر عاجز میماند ،تماشاگران معرکه او را هو کرده و آنگاه‌بدستورکارگردان بسراومی‌ریزندو وانمود می‌کنند که مشغول زدن‌او هستند ، اما غافل از اینکه سیاهی‌لشگرهای ناوارد صحنه حقیقی بوجود آورده وتا بهمن‌مفید می‌توانسته‌کتکش‌میزنند نتیجه‌آنکه یك هفته‌فیلمبرداری تعطیل شد .



جهانگرد انگلیسی

● در یکی‌از سکانس‌های فیلم ، رضاهفت‌خط‌برای‌آنکه‌پولی بچك آورد بصورت یك جهانگرد خوش‌دك‌وپز انگلیسی در میآید با کلاه‌های مخصوص و پیپ و ریش زرد آنوموقع ضمن یك دوربین عکاسی بگردن.

از قضایای آن روز بهمن مفیدبعروسی یکی از دوستان خیلی نزدیك و صمیمی‌اش دعوت داشته و بعلت‌آنکه‌فیلمبرداری بطول می‌انجامد ، یکی‌دو ساعت از وقت مقرر که می‌بایست درآن مجلس حاضر شود میگذرد و بهمن مفید دستپاچه و ناراحت بلافاصله‌پس‌از اتمام فیلمبرداری بمجلس عروسی میرود و برای آنکه وقتش تلف نشودبا همان قیافه و لباس وگریم بمجلس عروسی واردمی‌شود، مهمانان جشن‌که ناگهان با یك قیافه غیرعادی رو‌برو میگردند ، سخت از شرکت این‌جهانگرد خارجی با آن قیافه وشکل وشمایـل تعجب میکنند و درگوشی‌حرفهائی میزنند و جالب آنکه حتی خود داماد او را نشناخته و اعتراض‌میکند ، ولی وقتی متوجه اصل‌قضیه میگردند کلی از این امر می‌خندند وبالطبع ورود بهمن مفید با آن قیافه سوژه می‌گرددومدتی از وقت مجلس‌بدیدار قیافه رضا هفت‌خط میگذرد و بهمن مفید نیز ناچارا ازفرصت‌استفاده کرده و در همان مجلس‌گریم خود را پاك کرده و حمام جانانه‌ای‌میگیرد و بشکل وشمایل یك‌آدم عادی در می‌آید.

خواننده‌سیاهپوست

● در یکی از سکانس‌های‌فیلم‌بهمن مفید در کاباره‌ای بصورت یك خواننده سیاهپوست درآمده و باگریم‌خود را شبیه یك‌خواننده خارجی کرده

بقیه درصفحه۴۳





□ از راست بچپ جیفربا موچهروثوق وکتایون (رسوای عشق)سیوناباجلیلوند (بندر گاه عشق)استوارت وتمن‌وکوردیورگربا وثوقی،نادری ، آنوش (قهرمانان)

«بیگانه» بیا..!

ریرتاژ از : شاپور منصف

● در سینمای ایران ، وجود چهره‌هائی سبب سوء تفاهمات بسیار شده است ، واین در حقیقت سوء تفاهم نیست ــ بلکه حقیقتی است که سینمای ما از وجود «چهره» ، چه لطیف باشد و چه خشن تسینا تهی است و برای اینکه به‌تماشاچی این احساس دست ندهد ، از بیگانه کمك گرفته شده ، و با تمام ارزی از او یك چهره محبوب میسازند، و عجب است ، درحالیکه می‌گویند «مرغ همسایه غاز است» اما این ضرب‌المثل فارسی‌برازنده این همسایه‌ها و یا بطور کلی بیگانه‌ها نیست ، چه که این بت‌های توخالی خیلی زوددرهم میریزند و تبدیل‌به خاکستر می‌گردند وخاکسترها بهوا میروند و دیگر هیچ !

حال چرا با تمام تجربه ، از هیچ میخواهند همه چیز بدست آورند ، این برکسی کاملا روشن نیست ! آیا بیگانه‌ها برای فعالیت در سینمای ایران دستمزد کمتری میگیرند و در واقع دلشان‌بحال‌ما سوخته است ؟ که اینطور نیست، آیا احساس لطیف آنها در مقابل احساس لطیف ماکه هربیگانه شیفته بخصوص چشم‌وابرویش‌است،مظهری هستند ؟ که نیست... و آیا هنر چهره‌های خارجی‌بر هنر چهره‌های ما ارجحیت دارد ؟ که در بسیاری مواردباید گفت‌نه ! چراکه میشنویم ومیبینیم که‌تك‌وتوك‌همان بیگانه‌ها سراغ چهره‌های ما می‌آیند ، ایلوش رامیگوئیم، ملك‌مطیعی رامیگوئیم، بیك‌ایمانوردی را میگوئیم ، فریبا خاتمی را میگوئیم و بسیاری دیگر؛ اینجاست که میگوئیم علت اصلی شرکت‌دادن چهره‌های خارجی در فیلمهای ایرانی‌را نمیدانیم (البته بگذریم‌ازاینکه‌عده‌ای تظاهرمی‌کنند که بخاطر باصطلاح بازاریابی‌اینکار را می‌کنند!)

بهرحال تعداد بیگانه‌هائی که در سینمای ما رخنه کرده‌اند ، از تعداد انگشتان یك دست خیلی‌بیشتر است :

ارنو کریزا ، مارباپیا ژیلبن هیلز ، نیکول کارین ، سیونا ، مارلین اشمیت ، نانسی‌کواك، مارینا متر ، آنامارپا آنتونلا دی‌پائولیس، ناتاشا ، اینگرید اسپای ، جونیت آرکین ، الکه زومر ، استوارت وتمن، کورت یورگنز ، جیم‌میچم، وحیده رحمان ، و .....

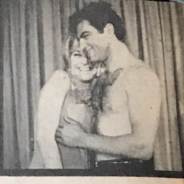
***

● از نخستین چهره‌های خارجی که در فیلمی از سینمای ایران شرکت جستند ، ارنوکریزاو ماریاپیا ستارگان معروف سینمای ایتالیا را میتوان نامبرد که درفیلم جدال در مهتاب که با سرمایه‌ایران و بوسیله یك کارگردان نیمه‌معروف ایتالیائی موسوم به انزودل‌ونچنزو در ایران‌ساخته شد ، شرکت‌نمودند. در «جدال در مهتاب» ، علی‌زندی، محتشم و چندتن دیگر از ایران‌در کنار ستارگان‌ایتالیائی بازی‌داشتند. ولی فیلم‌مزبور نتوانست چندان‌مورد توجه قرار گیرد وبهمین جهت‌نیز فیلمسازان سینمای ایران تا مدتی از استفاده‌کردن چهره‌های خارجی در فیلمهای‌ایرانی دست کشیدند ، تااینکه درسال ۱۳۴۳ دکتراسماعیل کوشان تصمیم به تهیه فیلمی تحت عنوان ابرام در پاریس را گرفت‌و زمانی که این تصمیم خویش را بمرحله عمل در آورد ، چند تن از ستارگان سینمای فرانسه را درکنار دو چهره پولساز سینمای ایران «ناصرملك‌مطیعی» و «تقی‌ظهوری»، قرار داد و اقدام به ساختن فیلم مزبورکرد. یکی‌ازستارگان‌فرانسوی که در ابرام درپاریس شرکت داشت ژیلبن هیلز بت ۲۰ ساله جوانان فرانسه بود ؛ ژیلبن که مدتهاروابط او با روژه‌وادیم فیلمساز سرشناس آمریکائی ، بر سر زبانها بود وحتی

□ از راست به چپ : اینگریدبامهبان (احمدپوپان) ــ ماریا پیاپا زندی(جلال درمهتاب) کـارتال‌تیت«کاوه‌تباه» (عدل‌الهی)







□ از راست به چپ : نانسی‌کواك وفاضلی«الماس۳۳» ـ ناتاشا(مردافکن) ـ گیزلاناکس‌باداریوش طلائی (قهرمان شهرما)

رپرتاژی پیرامون هنرمندان خارجی که‌درفیلمهای ایرانی شرکت جسته‌اند.

در یك فیلم از روژوادیم موسوم به روابط خصوصی نیز ایفای نقش کرده بود ، در مدتی کوتاه توانسته بود موفقیت نسبتا قابل توجهی بخصوص دربین فیلمسازان فرانسوی کسب کند و نظر فیلمسازان سایر کشورها راهم متوجه خود سازد. آخرین فیلمی کەژیلین قبل ازایفای نقش خویش در ایرام در پاریس‌در آن بازی‌کرده بودپاریسی‌هانامداشت که با «جانی هالیدی» خواننده معروف‌فرانسوی‌همبازی‌بود. بهرحال وقتیکه «دکتر کوشان» پیشنهاد بازی در ایرام در پاریس را به ژیلین هیلز و چندتن دیگر از ستارگان موفق‌و نیمه موفق سینمای فرانسه منجمله : نیکول کارین و پائولاآرلت داد ، باموافقت همگی روبرو گشت و بلافاصله بازیگران فرانسوی در کنار بازیگران ایرانی بایفای‌رلهای خود در ایرام در پاریس پرداختند.

دکتر کوشان‌در سال ۱۳۴۶ نیز یك فیلم باشرکت چندتن از هنرمندان ایرانی‌و خارجی‌ساخت‌که فیلم مزبور«بندرگاه عشق»نامداشت‌و در آن چهره‌هائی چون : سیوناو بن‌سیرا از اسرائیل باتفاق «علی تابش» و «چنگیز جلیلوند» از ایران بازی داشتند ؛ ضمنا مندی رایس‌دیویس همکار کریستین کیلر» زن بدنام بریتانیا و قهرمان افتضاح «دکتروارد» نیزایفاگریکی از رلهای بندرگاه عشق بود !

خلاصه بازی‌گرفتن‌هنرپیشگان خارجی در فیلمهای ایرانی رفته‌رفته باوج خود رسید ، مثلا آرمان در سرنوشت نخستین فیلمی که باسرمایه شخصی او ساخته میشد وکارگردانی آنرا حکمت آقانیکیان که اینطور کمی‌گویند ایرانی‌الاصل بوده‌وقبل از کارگردانی سرنوشت سه فیلم دیگررا کارگردانی کرده بود،بعهده داشت ، از مارلین اشمیت که در فیلمهای تلویزیونی آمریکا بازیهائی ارائه داده بود استفاده کرد. مارلین بعد از بازی در سرنوشت ، در یك فیلم ایرانی دیگر موسوم به دشت سرخ که محصولی از استودیوپلازا بود ، بازی کرد که البته این فیلم رانیز حکمت‌آقانیکیان کارگردانی کرد! ولی‌مارلین‌اشمیت درهیچکدام از دو فیلم سرنوشت و دشت سرخ نتوانست بطرز قابل توجهی‌باصطلاح «چهره» شود و توجه سینما بروهای ایرانی را جلب کند !

نصرت‌الله منتخب صاحب استودیو پلازا که در دشت سرخ‌خود از مارلین اشمیت بعنوان بازیگرو حکمت‌آقانیکیان بعنوان کارگردان استفاده کرده بود ، بعد از تهیه‌فیلم مزبور ، تصمیم گرفت که بامساعدت محمدرضا فاضلی فیلمی تحت عنوان الماس ۳۳ بسازد ، وپس از اینکه داریوش‌مهرجوئی کارگردان جوان و بادوق‌ایرانی که بتازگی تحصیلات سینمائی خویش‌را در دانشگاه کالیفرنیای لوس‌آنجلس بپایان رسانیده و بایران بازگشته‌بود، برای کارگردانی‌الماس۳۳ انتخاب‌گردید، چون‌بودجه‌هنگفتی (حدود۲میلیون تومان) بمنظور تهیه فیلم مزبور در نظر گرفته شده بود ، تصمیم‌گرفته شد که برای ایفای رلهائی ازالماس ۳۳ ، از وجود چند چهره خارجی استفاده گردد تا احتمالا فروش‌فیلم که قرار بود در دنیا نمایش داده شود ، نسبتا «تضمین» گردد، و روی این اصل بود که از وجود ستارگانی چون : نانسی کواك ، ماریناتر ، و... گیزلاناکس‌استفاده شدوستارگان مزبور بدعوت‌استودیو پلازا بایران آمدند و در کنار بازیگران ایرانی از جمله : فاضلی، ظهوری ، و کتایون ببازی‌درالماس ۳۳ پرداختند.

نانسی کواك ستاره معروف آمریکائی که لیسانسیه علوم هنری ازدانشگاه میشیگان است و ایفای یکی از رلهای اصلی الماس ۳۳ را بر عهده داشت ، قبل از بازی در این فیلم ، سالها فعالیت تلویزیونی

ورق بزنید

□ از راست به چپ : مارلین‌اشمیت(سرنوشت) ـ وحیده‌رحمان باچاناکیاوسانجیوکمار(همای سعادت) ماریناتر با وثوقی (بیگانه‌بیا) ـ اینگرید








□ فخرالدین «جونیت آرکین»



□ آرتو کریزابارندی (جدال‌درمهتاب)

□ نازی «فیلیز آکین»



داشت ویکر انتخاب سریالهای تلویزیونی معروفی چون : گرفتار و ست بازی سینه جالب او را صاحب گرفتاید . اویس از شرکت در یک سری فیلمهای ایرانی ، تدریجاًمورد توجه چندتن ازفیلمسازان آمریکائی قرار گرفت و از آخرین فیلمهائی که وی قبل ازایفای رل درالماس ۳۳ بازی در آنها را بپایان رسانیده بود ، جستجوگرکوهها و صدا ستمکرها رابابد نامبرد. ناگفته‌نماند که ناسی درزمان بازی‌درالماس۳۳ بنی خاطرزیست بمحمدرضافاضلی پیدا نمود و ایندو مدتها روابطی «آنچنانی» با یکدیگر داشتند وحتی ناسی بخاطر فاضلی حدود یکسالو نیم در ایران ماندگار شد و دراین مدت علاوه‌بربازی‌درالماس۳۳بازی در دو فیلم دیگر بنامهای قهرمان قهرها و شیرشکن را نیز درکنار فاضلی بپایان رسانید ، ولی رابطه ناسی و فاضلی باهم پس از اینکه ناسی بخاطر تعهداتی که با یک کمپانی آمریکائی سازنده فیلمهای تلویزیونی داشتبه آمریکا سفرکرد، بتدریج از هم گسست و آتش‌عشق ایندو در زیر خاکستر مدفون شد.

واما ماریناهنر دیگر ستاره خارجی الماس ۳۳ ، در این فیلم درخشش چندانی نداشت ودرحقیقت فیلم جدی که مارینا درایران‌بازی نمودو طوفان نوح نامداشت والری از میدیک پاسی بود ، او را در ایران بشهرتقابل‌ملاحظه‌ای‌رسانید. جالبست درمورد مارینا بدانید کهاو ۲۹ سال سن دارد و بااینکه متولد ایران است ، منتهی از دو سالگی‌تا قبل از سفر بایران بخاطر بازی در الماس ۳۳ ، در سویس بسر میبرد، وی حدود ۱۰ سال‌قبل برای‌نخستین بار بایک مهندس سویسی ازدواج کرد که ثمره آن دختر ۸ ساله‌ایست بنام‌کی‌کی. مارینا بجز زبان فارسی به زبانهای انگلیسی ، فرانسوی ، آلمانی و روسی آشنائی کامل دارد؛ او مدتی مانکن و ستاره فیلمهای تلویزیونی سویس بود ، تا اینکه با سفر بایران و بازی در الماس ۳۳، بعالم سینما روآورد و ضمن اقامت در این کشور ، بازی در فیلمهای ایرانی از جمله : وسوسه شیطان ، هشتاد هر عشق ، قوس قزح ، سه جوانمرد، آوازه‌های‌تهران‌ریکادو، یاقوت سجیم ، جعفرو گنگار ، و مردی از جنوب شهر بپرداخت.

گیرلالاکی که اوهم در الماس۳۳ بازی‌میکرد ، تا قبل از بازی در این فیلم ، در آمریکا بسر میبرد و ایفاگر رلهائی‌در فیلمهای‌تلویزیونی این کشور بود او بعد از بازی در الماس ۳۳ ، قهرمان قهرها ، ویکی دو فیلم ایرانی دیگر ، بعلت یافتن مرد مورد علاقه خود که مخالف فعالیتهای سینمائی وی بود ، از فعالیتهای‌سینمائی بکلی دست کشید.

حال میرسیم به فیلم خداحافظ تهران ، که «ساموئل‌خاچیکیان» دراین‌محصول‌جنجالی «مولن‌روژ»ها، ماریا مغوریان را عهده‌دار ایفای یکی از رلهای‌فیلم کرده بود. ماریا که زنیاست ۲۸ ساله و متولدآلمان، فعالیتهای هنری خویش را با بازیگری در تئاتر اشتوتگارت‌آلمان آغاز نمود و چندسال پیش باعباس مغوریان هنرمند سرشناس تئاتر و سینمای ایران ، در آلمان آشناشد و این آشنائی منجر به ازدواج آندو بایکدیگر ، سفر ماریا به ایران و اقامت او دراین کشور گردید.ماریا مغوریان بعد از اینکه بازی در خداحافظ تهران را بپایان رسانید، به بازیگری در فیلمهای تبلیغاتی روآورد ، و پس از مدتی‌همکاری خود را با گروه آزاده نمایش آغاز نمود وضمناً گهگاه نیز درسریالهای تلویزیونی مجمله : سرکاراستوارو اختاپوس ایفای رلی را بر عهده میگیرد ، وهمین فعالیتهای غیر سینمائی باعث گردیده که ماریارفته رفته کار بازیگری‌در فیلمها رابکلی کنار بگذارد، وی‌اخیرا فعالیتهایش را در تلویزیون متمرکز کرده‌است.

دیگر فیلمی که از هنر ستارگان خارجی در ایفای رلهائی از آن‌بهره گرفته شده بود ، شکوه جوانمردی از اسماعیل ریاحی است که حدود نیمی از فیلم مزبور در ایتالیا فیلمبرداری شده بود ، و محمدعلی فردین ، فروزان ، آرمان ، تقی ظهوری... و شهلا بازیگران نخست فیلم ، و در کنار آنها دوستاره ایتالیائی‌بنامهای‌فیس‌بنوسی ومونیکا پاردو نقش آفرین دو رل کوتاه بودند. فیس و مونیکا را قبلا در چند فیلم از سری فیلمهای جیجو فرانکو... و وسترن دیده‌ایم ، و شاید بعلت کوتاه بودن نقشهای‌آنها در شکوه جوانمردی ، با این فیلم نتوانستند جلوه چندانی داشته باشند.

ضمنا در فیلم نعره طوفان هم که سازمان سینمائی پیام عهده‌دار امور تهیه‌آن بود ، ایفای یکی از رلهای حساس فیلم را یک ستاره ایتالیائی‌موسومبه آنتماریاآنتونلادی پائولین برعهده داشت ، که اینطور که‌گفته‌اند این خانم فارغ‌التحصیل مرکز تجربیات سینمائی رم بوده‌و در چند فیلم ایتالیائی نیز ایفای نقش کرده است ، و گویا فردین در یکی از سفرهای خویش به ایتالیا ، با او آشنا شد و برای‌بازی در نعره طوفان از وی دعوت بعمل آورد. آنتماریاآنتونلا...بلافاصله‌پس از اتمام بازی در نعره طوفان کهدر آن او رلی منفی را ارائه میداد، عازم ایتالیا گردید.

فیلم آدم‌وحوانام «بیگانه»ای رابه‌لیست بازیگران خارجی‌فیلمهای ایرانی افزود ، واو ناتاشا بود. ناتاشا ۲۲ ساله که دختر اسکاتلندی است و دارای اندامی متناسب ، پس از آنکه تحصیلات خود را دررشته زبان در یکی از دانشکده‌های زبان انگلستان باتمام رسانید ، چندی در کشورهای مختلف ، مانکن لباس‌بود و سپس بعد از بازی در دوسه فیلم انگلیسی ، بمدت سه‌سال فعالیت هنری خویش را در تلویزیون‌لندن متمرکز نمود. او در سال ۱۳۴۷ که برای دیدار مادرش به ایران آمده مورد توجه مهدی میثاقیه که برای ایفای رل حوا در فیلم آدم‌وحوا محصول درست تهیه استودیوی‌خود که کارگردانی آنرا امیر شروان بعهده داشت بدنبال چهره مناسبی میگشت قرار گرفت. ناتاشا پیشنهاد میثاقیه را مبنی بر بازی در فیلم آدم‌وحوا پذیرفت و رل حوا رادر فیلم مزبور ایفا نمود ، و پس از آدم‌وحوا درفیلمهای دیگری چون: خشم عقابها ، احساس داغ ، رعدو برق ، و... مردافکن شرکت نمودو در حال حاضر هم یکی دوماهاست که به اسکاتلند سفر کرده وآنطور کهشنیده میشود، وی قصد بازگشت به ایران را ندارد.

نکته قابل توجهدر موردناتاشا اینکه او قبل از اینکه نخستین فیلم

بقیه در صفحه ۴۲



مثبت

● **فروزان** که برنده نخستین جایزه سپاس بهترین هنرپیشه‌زن سال بود ،از میان حدود ۵۰ فیلمی که طرف ۱۰ سال فعالیت سینمائی خویش‌بازی کرده است ، بیش از همه کاراکتر خویش را در فیلم «رقاصه» می‌پسندد و در وهله بعد هم از فیلم «قلندر» نسبت به سایر فیلمهایش بیشتر خوشش می‌آید.

● **فروزان** ازآنزمان که بیش از دوازده سیزده سال نداشت، طرفدار سرسخت «گریگوری‌پك» بود و هنوز نیز یکی از بزرگترین آرزوهای او ملاقات این هنرمند است.

● **فروزان** یکبار هم جامه مردان را در عالم سینما برتن‌کردو آنهم در فیلم «شمسی پهلوون» بود که او عهده‌دار ایفای رل یك باصطلاح «جوجه جاهل» بود و اینطور که خودش می‌گوید تا مدتها بعد از بازی در این فیلم ، دوستانش او را بشوخی «آقای فروزان»خطاب میکردند !

● **فروزان** که «سکسی‌ترین ستاره سینمای ایران» لقب گرفته با بکار بردن سکس در فیلمهای ایرانی موافق است مشروط برآنکه ارائه سکس دارای یك استاندارد بین‌المللی باشد که متاسفانه کمتر این شرط در فیلمهای ایرانی رعایت میشود !

● **فروزان** زنی است فعال که در همه حال از هر کاری لذت میبردوهم‌اکنون نیز از پرکارترین هنرپیشگان سینمای ایران بشمار می‌آید . ضمنا بدنیست بدانید که در کودکی بخاطر زرنگی وتندوتیزی بیش از حد فروزان ، او را «فلفلی» صدا میکردند !

● **فروزان** از چهره‌های معدود هنر ماست که شدیدا شیفته‌آثار صادق هدایت است و کتابهای او را بکرات مطالعه نموده و حتی بخاطر دفاع از آثار وی در برابر مخالفان حاضر است تا پای جان ایستادگی کند !

● **فروزان** علاقه مفرطی به رقص دارد و هرگاه که فرصت‌کند به تمرین و فراگیری رقصهای مختلف میپردازد.

● **فروزان** در بین هنرمندان ایران ، بیش از هرکس دیگر مشتاق جمع آوری‌البسه‌است و بجرات میتوان گفت که او دارای کلکسیونی میباشد که انواع لباسهای مد روز که از مزونهای بزرك و معروف دنیاتهیه شده ، در آن بچشم میخورد.



منفی

● **فروزان** از ازدواج چندان دل خوشی ندارد ، چه که هیچیك از دوازدواجش که یکی وقتیکه او در سن ۱۵ سالگی بود صورت گرفت‌وبیش از یکسال دوام نیافت و دیگری هنگامیکه وی‌پابه ۱۸ سالگی میگذاشت واین‌ازدواج نیز بعداز چند سال ،باورود فروزان به عالم سینما ، منجر به‌طلاق‌گشت نتوانست این‌ستاره پرهیاهوو درعین‌حال آرام راحتی به آستانه خوشبختی‌دلخواه خویش نزدیك سازد.

● **فروزان** شخصا هیچگاه طالب جنجال و شایعه نبوده ، ولی نباید از نظر دور داشت که هیچ هنرپیشه دیگر سینمای ایران بحد فروزان در مورد او جنجال و شایعه براه نیافتاده است و روزی نیست که شایعه عشق فروزان با یکی از «هنرمندان» و یا «بی‌هنران» جنجال براه نیاندازد و این امر بقول خود فروزان بنحوی است که‌گاهی خود او عشاق گدائی‌خویش که به‌احتمال قوی شایعه‌سازی نیزازجهت آنها صورت میگیرد تاشهرتی‌کسب‌نمایندرا نمیشناسد !

● **فروزان** با اینکه «اجتماعی‌بودن» برایش خیری دربرنداشته، معهذا گوشه‌گیر نیست !

● **فروزان** یازده سال پیش زمانیکه باتفاق پسر خردسالش‌سیامك که ثمره نخستین ازدواج اوست و اکنون حدود چهارده سال سن دارد به تهران‌آمد،هیچ چیز نداشت ، هیچ چیز جز یکدنیا امید ... و اکنون نمیتوان گفت که او کمبودی قابل ملاحظه در زندگی خویش دارد، البته جز عشق‌بمعنای‌کلمه ...

● **فروزان** با اینکه از ستارگان ثروتمند سینمای ایران است، معهذا چندان دست ودلبازنیست !

● **فروزان** هیچ چیز باندازه موسیقی نمیتواند به او آرامش‌دهد و حتی در منزلش اکثرا جز در مواقعی که در حقیقت موقع خواب‌و استراحتاست، هیچگاه صدای موسیقی قطع‌نمیشود !

● **فروزان** از جمله هرمندانی است که نمی‌شود از لحاظ رفتار او بامردم نقطه‌ضعفی گرفت و تاکنون نشده که رفتاری زننده و ناپسند از وی‌نسبت به طرفدارانش مشاهده گردد.

● **فروزان** طبق گفته خودش بطورکلی باآدمهای بوقلمون صفت‌و مارهای خوش خط و خال همنشینی نکرده و نمیکند !

★★ شوخی شوخی ★★

همکاران این شماره : نوروزی ـ حسینی‌فر ـ عیال بارگان ـ ناظمی ـ ناکیده ـ کریمی ـ امینی ـ یکتا ـ پرورش ـ تهرانی ـ مرادی ـ علیجانی ـ قربانی

عادت

● فروزان روزی از خیابانی عبور میکرد ناگهان پلیس راهنمائی سوتی کشید ولی فروزان اعتنائی نکرد پلیس با عصبانیت رو بخانم فروزان کرد و گفت آهای خانوم با شمام مگه نمیشنفی دارم سوت میزنم. فروزان جواب داد چرا شنیدم ولی من عادت ندارم هرکس برام سوت زد بهش نیگاه کنم !

به ماشین رسید . چنان به عقب ماشین کوبید که موتورش له شد. وقتی چشم باز کرد خود را در بیمارستان یافت از او سئوال شد چرا تصادف کردی گفت :

میخواستم از وسط دوتاموتور سوار رد بشوم ولی ناکسا دستها شونو به هم دادند که من زدمشم.

علی عباس نوروزی (تهران)

فضولباشی

● روزی سپهرنیا برای صرف غذا بکافه رستورانی رفت، ضمن خوردن غذا متوجه شد که زن و مردی باتفاق وارد کافه شده و دستور غذا دادند. وقتی غذاحاضر شد سپهرنیا متوجه‌شد که مردمشغول خوردن غذااست و زن نشسته‌مشغول تماشا است. مرد وقتی غذایش را خورد بسوی دستشوئی رفت وسپس زن مشغول خوردن‌غذا شد. سپهرنیا که از این مسئله متعجب شده بود رو بطرف زن کرده و گفت چرا شما با یکدیگر غذا نخوردید وزن در جوابش گفت فضولباشی مگر نمی‌بینی که یک دندان عاریه‌بیشتر نداریم .

ح ـ حسینی‌فر

محبت !

● دردوران‌تحصیل منوچهر وثوق اصولا بچه بازیگوشی بود و در هرکلاس یکسال درجامیزد. و روی همین اصل همیشه تنبیه میشد. روزی طبق معمول منوچهر درسش را بلد نبود. معلم او پس از آنکه چوب آخری را کف‌دستش فرود آورد گفت :هروقت تراميزنم تصور نکن از روی دشمنی باشد یا برای تنبیه این کتک‌ها همه‌اش ازروی محبت‌و دوستی‌است. منوچهر در حالیکه کف‌دستهایش را بهم میمالید گفت : از لطفتان یک‌دنیا سپاسگزارم. امای‌کاش منهم‌میتوانستم محبت‌های شما را چند برابر تلافی کنم .

فریده عیال‌بارگان

نکته هفته !

زرین‌دست فیلم نمیسازه.. نمیسازه . وقتی هم میسازه دوساعت فیلم‌روسه‌ساعته میسازه

موتور سواری میری

● شبی میری در جاده خلوتی موتور سواری می‌کرد در جلو او ماشینی حرکت می‌کرد که چراغ خطر آن روشن بود. میری فکر کرد که آنها دو موتور سوارهستند که از او جلو افتاده‌اند. با خود گفت هرجوری شده باید از وسط آنها رد شوم به همین علت گاز موتور را تا آخر پیچاند تا اینکه

پراکنده گوئی

« بشنو از نی چون حکایت می‌کند »
از دست ظهوری او هم شکایت می‌کند
« خدا را بر آن بنده بخشایش است »
که مادر زنم خانم رامش است
« دوش دیدم که ملایک در میخانه زدند »
آراسته را بگرفتند و سرش شانه زدند
« عرب در بیابان ملخ می‌خورد »
وحدت در اصفهان آب یخ می‌خورد
« بنی آدم اعضای یکدیگرند »
سر فیلم فردین به هم می‌برند
« توانا بود هر که دانا بود »
زمانه به کام سهیلا بود

علیجان کریمی (گنبد کاوس)

شوخی یاجدی

● سپهرنیا : ببینم این کشیده‌ای که بمن زدی جدی بود یا شوخی ؟

ظهوری : چون تو جدی‌بود

سپهرنیا : پس خوب شدگفتی چون من‌با کسی شوخی ندارم.

علیرضا ناظمی (لنگرود)

زرنگی

● متوسلانی : منصور صد تومن داری بمن قرض بدی ، من از کرشا خواستم ولی اون بدجنس ٤ تومن نزول میخواست

منصور : بیا این چهار تومنو بگیر برو اون صد تومنو از اون قرض کن .

چو عضوی بدرد آورد....

☐ میگن ظهوری‌در حاضر جوابی توی هنرپیشگان ایرانی تک است . روزی از روزها سرصحنه یکی از فیلمهایش دیر حاضرشد.

کارگردان گفت : آقای ظهوری شما دیگه چرا ؟

ظهوری که نمی‌خواست خودش را سبک‌کند‌گفت‌موهای سرم‌دردمیکرد‌برای این‌بود که دیر شد .

کارگردان با تعجب‌گفت، به آقا جان این چه حرفیه موی‌سرچه ربطی به بازی تو فیلم داره ؟

ظهوری خنده‌ای کرد و گفت مگر نشنیدی که‌گفته‌اند چو عضوی بدردآوردروزگار دگر عضوهارا نماند قرار .

عبدالله‌باکیده (تهران)

ترابی : من فیلم همه فهم میسازم ـ فیلموهنر



مرد ـ خب چجوری ؟
ترابی ـ معلومه بازبون بین‌المللی

تهیه کننده باید «عاشق» باشد ــ ستاره سینما



اولی به‌دومی ــ معلومه یارو از اون «تهیه‌کننده‌ها»ست !

استفاده

● بهروز وثوقی گفت : برنامه سینمائی من کاملا روشن‌است. ناصر ملك مطیعی بلافاصله جوابداد: بهروز جان اگر ممکنه یه نسخه از اون برنامه‌ات بده بما که مواقع خاموشی برق ازش استفاده کنیم!

دوموج

● ابـراهیم فخار تصمیم گرفته بود یك رادیو ترانزیستوری دو موج بخرد که در بین راه‌همایون رادید و تصمیم خود را با او در میان گذاشت. همایون گفت : یك موج و دو موجشو چطور تشخیص میدی ؟

فخار در حالیکه خندید گفت:

ــ کاری نداره ، رادیورو تلبی میندازم توی حوض اگه آب یه موج زد می‌فهمم یك موجه اگه دو موج زد می‌فهمم دو موجه !!

ناصر ــ مرادی‌مطلق (تهران)

نکته‌ها !

☐ بهروز وثوقی گفت: من هنرپیشه کوستی هستم !

ــ بابا ایوالله بـذارست تو گهواره.

☐ پرویزنوری گفت : ازتهیه فیلم سه‌تاجاهل راضی‌نیستم!

ــ خب این روزا هرکه نمیتونه فیلم خوب بسازمیگه راضی نیستم .

☐ سوسن‌گفت:من معقد دارم ولی رقیب ندارم !

ــ این حرفها روبمامیگی یـا بمردم کوچه .

☐ زرین دست‌گفت: دنیـای سینما دنیائیست که من‌بدان علاقمندم !

ــ این حرفها رو تو ترنی‌کی بزنه ؟

☐ رامش گفت : اگه خواننده نبودم دلم میخواست‌رئیس‌اداره باشم !

ــ رامش خانم چه کم‌اشتهائی.

☐ حمیرا گفت : اگرخواننده نبودم نمیتوانستم با یاحقـی ملاقات کنم !

ــ خوب شکر خداکه‌بوسیلـه جیغ کشیدن‌با یاحقی ملاقات کردی.

☐ منوچهر وثوق گفت: عشق فاصله طبقاتی نمیشناسد !

ــ آفرین منوچهر خان، چشم بسته غیب میگی .

«هژبرقربانی»

آرزوها

● بهروز وثوقی، ناصرملك مطیعی و فردین کنار هم نشسته و از آرزوهای خود صحبت میکردند

بهروز وثوقی گفت من دلم میخواست باندازه ستارگان آسمان پول داشتم

ملك‌مطیعی گفت : من دلم میخواست که خدا باندازه دریاها اسکناس صد تومانی بمن میداد.

محمدعلی فردین بلافاصله گفت من دلم میخواست شما قوم‌وخویش من بودید و من‌تنها وارث شمابودم.

محمد کاظم یکتا (بندبی)

زرنگی همایون

● همایون وارد رستورانی گشت وقتیکه‌پشت‌میز نشست‌گارسون را صدا زد ودستور داد تا برایش چهار عدد تخم مرغ بیاورد.

گارسون پرسید میل دارید تخم مرغها را چطور برایتان‌بیاورم؟

همایون‌پرسید: هرطوربیاورید قیمتش فرقی نمیکند ؟

ــ نخیر آقا !

ــ خیلی خوب.پس خواهش میکنم آنها را روی یك پرس چلو مرغ نیمرو کنید و بیاورید.

در آرایشگاه

● استاد سلمانی درحالیکه باتیغ کندش مشغـول تراشیدن سر آراسته بودتمام‌سراورا خون‌انداخت و برای اینکه آراسته سرگرم شودو متوجه خونها نشود از او می‌پرسد شما چندتا برادر هستید ؟ آراسته بلافاصله جواب می‌دهد : اگر از

دست تو جان سالم بدر ببرم دوتا برادریم .

حسین تهرانی

داروئی برای ظهوری

● ظهوری با عجله نـزد پزشك رفت و گفت :

آقای دکتر ــ چند شب‌استکه خواب عجیبی میبینم. خواب‌میبینم آهسته باطاقی که چنددختر قشنك در آن خوابیده وارد میشوم. تامن باطاق قدم میگذارم دخترها بیدار می‌شوند و از در دیگرفرار میکنند.

دکتر گفت : حالا میخواهید دوائی بدهم که دیگر از این‌خوابها نبینید ؟

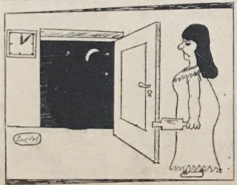
ظهوری ــنخیرقربان‌میخواهم کاری کنیدکه دخترها فرار نکنند!

محمد حسین علیجانی (قزوین)

فیلمی از زندگی جیمز کاگنی

● یك تهیه‌کننده آمریکائی با یکی از همکارانش راجع به تهیه فیلمی از زندگی «جیمز کاگنی» صحبت‌میکردودر جستجوی آکتوری بودند که بتواند رل جیمز کاگنی را بازی کند پل نیومن ؟... نه تیپش فرق میکند. خوب پس نیك آدامز نه اوهم زیاد جوانست. خوب پس خود جیمز کاگنی را برای ایفای رل خودش انتخاب کنید...

تهیه‌کننده فریاد کشید و گفت : نه این دیگه غیر ممکنه جمیز کاگنی قدش خیلی کوتاه است .



فیلم هفته : کابوی نیمه شب

آدم و حوا

● از حبیبی ایفاکننده نقش آدم در فیلم (آدم‌و حوا) پرسیدند ناراحت نیستی که با بدن لخت‌در این فیلم بازی کردی. جواب داد: چشمتان کور است ، مگر ندیدید که حوا (ناتاشا) هم مثل من لخت است؟ (شما بودیدناراحت میشدید؟)

فرانك‌سیناترا و عینك

● یکروزفرانك‌سیناترابرای خریدعینك‌به یك‌مغازه عینك‌فروشی رفت. فروشنده از او پرسید : عینك برای آفتاب میخواهید ؟ فرانك سیناترا جواب داد : نه برای خودم میخواستم .



☐ «منوچهر وثوق» از مقابل در«خریشه» جلو می‌آید... ناراحت ومنتظر است.. دوربین ازاو فیلمبرداری‌می‌کند

دخترهای محله سیروس، روی پشت بام، برای

ریپرتاژ از : تبسم

عکس‌ها : ملایری (فدرا)

«۲»

● با «منوچهر وثوق» که عمیقا در فکرست به سمت پله‌هائی که در گوشه‌ئی دیگر از حیاط‌دیده می‌شود میرویم. منوچهر ، خیلی راحت روی پله‌ها می‌نشیند وما در کارش... سوالاتی‌راکه‌داریم‌اینطور مطرح می‌کنیم :

● **علت ناراحتی شما چه‌بود؟ انگار یکباره‌با بازی‌کردن آن‌صحنه، منقلب شدید...**

ـ آن صحنه خیلی روی من اثرگذاشت و یکمرتبه از خودبیخود شدم. در حقیقت من تحت‌تاثیر رلم قرار گرفتم .

● **در تمام صحنه‌های‌اینستی اینطور می‌شوید ؟**

ـ در تمام صحنه‌ها نه... چون این بستگی به پیش‌آمدن مساله‌ئی برای کاراکتر فیلم دارد. در آن صحنه ،به پسری که من نقش را بازی می‌کنم ، ضربه‌ئی وارد می‌شود و آرزوهای خود را تاحدودی دست نیافتنی و غیرممکن می‌بیند. خیلی طبیعی است که تاثیر بازی این رل، نسبت به بازی در یك صحنه‌ی‌شاد، خیلی بیشتر باشد .

● **نقش شما در این فیلم چیست ؟**

ـ من نقش یك پسرحاجی‌صاف وساده را بازی می‌کنم که اصلا از نظر مسائل زناشوئی و مسائلی ازاین قبیل ، نسبت به سن خود پیشرفتی نکرده .

مثلافکر اواز این نظر درحدی است که دختری راکه می‌تواند مورد علاقه‌اش باشد در حکم «خورش قرمه‌سبزی» می‌داند و دختری راکه مورد علاقه‌اش نیست در حکم «دمپختك» ! یعنی تفاوت این دو دختر را از طریق غذاهائی کهمورد علاقه‌اش هستند و غذاهائی کهمورد علاقه‌اش نیستند ، می‌سنجد !

دراین موقع، تعدادی ازدختران همسایه روی‌پشت‌بام جمع شده‌اند و دادو قال عجیبی بهراه انداخته‌اند و گاه ، برای منوچهر ، دست تکان می‌دهند ، اما منوچهر ، همچنان بی‌توجه به آنها ، گرم صحبت‌است از او سوال می‌کنیم :

● **بطور کلی‌چه تفاوتی بین این نقش و نقش‌هائی‌که در فیلم‌های دیگر داشته‌اید ، می‌بینید ؟**

ـ من بعد از «کاکو» خودم را خیلی بیشتر شناخته‌ام و رلم را خیلی بیشتر می‌توانم حس کنم. علت این امر ، بیشتر عاملی است که «شاپور قریب» درمن‌بوجود آورد. علاوه براین اواز من خواست که نقشم را مرتبا بخوانم و من‌سناریوی فیلم‌را شایدبیش ازسی دفعه‌خوانده‌ام و چون جزئیات‌بازی در صحنه‌های قبل و بعد را می‌دانم ، تحت‌تاثیر قرار می‌گیرم.

● **و شاید مقداری هم، علت این احساساتی‌شدن ، نوع‌زندگی‌شما در گذشته و آن اصالت زندگیتان بوده است .**

ـ بله خب... من این رل‌را خیلی بیشترمی‌توانم حس کنم، چون بچه‌ی جنوب شهرم. از طرفی خیلی احساساتی‌بار آمده‌ام. این عوامل خیلی موثر است

روی پشت‌بام قرار است دریك صحنه «فروزان» و منوچهر وثوق بازی کنند ، از او درباره فروزان سوال می‌کنیم

● **در مورد بازیگر نقش مقابلتان ، فروزان در این فیلم،چه نظری دارید ؟**

ـ می‌توانم بگویم که این رل فقط مال خانم فروزان بوده...

***

وقتی گفت‌و گویمان به اتمام می‌رسد ، هردو بلند می‌شویم و در این موقع ، سرو صدای دخترهای لب پشت‌بام بیشتر می‌شود و سعی زیادی دارند که توجه‌منوچهر را به سمت خود معطوف کنند.

در همین موقع ، یکی از کارکنان فیلم ، جلو می‌آید بهوثوق می‌گوید که شخصی پشت تلفن بااو کار دارد... با دورشدن منوچهر، سرو صداها می‌خوابد !

چند لحظه بعد ، بنظر می‌رسد که فیلمبرداری در داخل اطاق به پایان رسیده است. چراکه عده‌ئی دارند دوربین را به حیاط انتقال می‌دهند وآن‌رادر گوشه‌ئی‌می‌کارند. شاپور قریب برای یکی از بازیکنان کهدر حیاط بازی دارد ، توضیحاتی می‌دهد. در همین موقع سروصدای دخترهای بالای پشت‌بام ، توجه همه را جلب می‌کند. و درحالی که همه به پشت‌بام خیره شده‌اند ، یکی‌فریاد می‌زند :

«اصلا توجه نکنین ، کار خودتونو بکنین... اگه‌به‌اینها روبدین ، همین الان خودشونو از پشت‌بوم پرت می‌کنن پائین !»



□ «قریب» به فروزان توضیح‌می‌دهد که از «گیره»های رخت‌چگونه‌در صحنه فیلم استفاده کند.

منوچهر وثوق بی‌تابی میکردند!

در همین موقع ، مدیر تهیه فیلم روی‌پشت‌بام دیده‌می‌شود‌که‌می‌خواهد دخترها را از آن جا دور کند !

— بهرحال، فیلمبرداری‌شروع می‌شود ولی ، چیزی به آخر شب نمانده‌ونتیجتا تهیه‌ی بقیه‌ی‌گزارش به روز بعد موکول می‌شود...

*گزارش دوم

امروز قرار است اکیپ فیلمبرداری روی پشت‌بام یك خانه‌ی دیگر در یکی از محله‌های خیابان سیروس — سر چشمه، بالاتر ازمحله کلیمی‌ها — فیلمبرداری کنند...

در حیاط منوچهر وثوق و «مفیدی» نشسته‌اند... منوچهر ، راه پشت‌بام را نشانمان می‌دهد.

روی‌پشت‌بام، پلانی‌فیلمبرداری می‌شود که در آن فروزان وآرزو بازی‌دارند، اکیپ نیمی‌ازپشت‌بام‌را که سایه است اشغال کرده و آندو در پناه نور آفتاب کنار بندهائی که روی آن رخت هست ، ایستاده‌اند.

جزئیات پلانی که قرار است فیلمبرداری شود ، بدین ترتیب‌است که آرزو و فروزان لب پشت‌بام نشسته‌اند و داخل حیاط را نگاه می‌کنند. چندلحظه‌بعد، بلندمی‌شوند، آرزو حرفی می‌زند و فروزان در حالی‌که پاسخ او را می‌دهد ، لباسی را روی بند پهن می‌کند.

این حرکات چندین بار تکرار و حتی یکبار هم نیمی از آن فیلمبرداری می‌شود ولی چون‌شاپور قریب از صحنه ، راضی نیست ، چند بار دیگر تمرین می‌کنند. یکبار دیگر فیلمبرداری شروع می‌شود. مجددا فروزان و آرزو لب پشت‌بام نشسته‌اند و انگار با نگاه ، شخصی را نشان می‌دهند. بعد در حالی‌که هردو به سمت بند رخت می‌آیند ، جملات خود را می‌گویند :

آرزو می‌گوید :

نیگاش ... عینهو دیوونه‌ها شده، هم خودشو بدبخت کرد ، هم منو.

و فروزان‌پاسخ می‌دهد :

چرا بدبخت ؟ شوهر که زیاده..شمام که اول جوونیتونه. خوب نیس بیخود سخت بگیرین. قول میدم، خواسگارا پاشه‌درخونتونوورداری!

و بعد ، آرزو ازفروزان خداحافظی می‌کند و از کادر خارج می‌شود...

وفروزان هم ، درحالی‌که لباس‌های روی بند رازیرو رومی‌کند، لبخندی حاکی از رضایت می‌زند...

— کات...

شاپور قریب کیفیت کار را از«نعمت‌حقیقی» فیلمبردارمی‌پرسد.

نعمت حقیقی پاسخ‌می‌دهد که از کارش‌راضی است‌وبعداضافه می‌کند: **«اگه می‌خواستیم فیلم قدیمی‌بسازیم، مصیبتی داشتیم، چون‌یك طیاره‌اومد تو کادر...!»**

حقیقی قبلاهم توضیحاتی از این قبیل داده بود واین نشان‌می‌دهد که او حواس جمعی‌دارد و به کارش از این نظرهم وارد است...

چند دقیقه‌ی بعد ، از زاویه‌ئی دیگر ، یك‌پلان‌هم از پهن کردن لباس‌ها روی بند توسط فروزان گرفته می‌شود..

موقع یك استراحت کوتاه رسیده ، یك سینی چای وارد‌صحنه واقعی زندگی می‌شود ! صرف چای و حرفهائی از اینجا وآنجا ، زمان فراغت را بپایان می‌کشد .





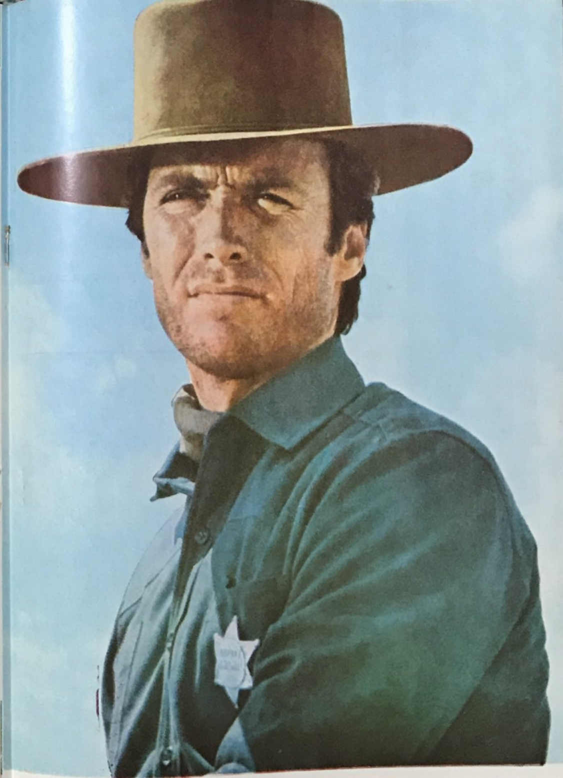




←

«فروزان» و «آرزو» رخت‌می‌شویند □ آرزو:نیگاش ، عینهودیوونه‌ها شده، هم خودشو بدبخت کرد ، هم منو...

فروزان : چرا بدبخت ، شوهر که زیاده !... قول میدم خواستگارا، پاشنه درخونتونو وردارن !





شون کانری و آخرین «جیمزباند» در الماس‌های ابدی‌ند!



■ میان یك دوجین دخترهای سکسی و در کنار غوغای سرسام‌آور ماشین‌هائی که پول خردها رامی‌بلعند و نیز فریاد قماربازها در لاس‌وگاس، ما قیافه آشنائی را بار دیگر مشاهده می‌کنیم که بدون شتاب، از میان آنهامیگذرد. این چهره خاطراتی را برایمان زنده میکند. یك لحظه بخاطرمان خطور می‌کند آیا او «خودش» است ؟ یقین میکنیم که خاطره‌مان اشتباه نکرده ، جیمزباند به میان آشیان و پرندگان خودباز گشته است ! (مقصود از پرندگان ، خیل زیبارویان این فیلم است!) شون‌کانری ، تنها «جیمزباندی» که اسلحه «برتا»یش‌ارزش دارد، خاطره کهنه را دوباره‌برای ما تجدید ونومیکند.

اینجا در لاس‌وگاس که چون یك نئون در دل یك بیابان لم‌یزرع جلوه میکند ، کانری درگیرودار آخرین ماجرای جیمزباند، (دوصفر هفت) «الماس‌ها ابدی‌اند» است . گرچه صرفنظر از تیترکتاب ماجرای این فیلم باکتابش کمترین شباهتی ندارد ، مع‌الوصف می‌تواند بهترین فیلم «باند» از زمان تهیه فیلم‌های باند تاکنون ، بحساب آید.

کانری در حالیکه یك «شورلت» آخرین سیستم را هدایت می‌کند درباره این فیلم‌میگوید :

« **همان گریز و فرار قدیمی اینجا بازهم وجود دارد . ما از پرندگان چشمگیر و جذاب ، اسلحه‌های نوظهور و بالاخره از عامل طنز استفاده کافی برده‌ایم .** » کمی مکث میکند و بعد ادامه میدهد:

« **برای من بازی کردن نقش جیمزباند دوباره لذت‌بخش است. میدانید ، این برای من‌واقعا یك تفریح کامل بوده‌است .** »

در ضمن‌سودبخش‌هم بوده است . وی برای بازی در این فیلم مبلغ یك میلیون و دویست و پنجاه هزار دلار دستمزد دریافت میکند و

شون کانری :
«من برای پول بود که حاضر شدم بازهم نقش « جیمز باند » رابازی کنم !»




بعضی‌ها میگویند وی از منافع فروش فیلم ده در صد پورسانتاژ نیز دریافت خواهدکرد.

کانری کودن نیست با وجودیکه او پس از فیلم « شمافقط دوبار زندگی می‌کنید» قسم خورد که دیگر بعد ازاین‌در هیچ فیلم «جیمزباندی» بازی نخواهدکرد، اما این بار یك عامل مهم او را بمیان معرکه کشیده است:

«مساله اصلی پول بود، ومن برای پول پیمان خود را فراموش کردم و قبول کردم که‌دوباره نقش جیمزباند را بازی کنم . »

بعلاوه او باکمپانی یونایتدآرتیست قرارداد دو فیلم را از قبل امضاءکرده بود که‌بموجب‌آن در هر فیلمی که دلش خواست ، بازی کند و نیز می‌تواندسناریو هرکدام از این فیلم‌ها را بنویسد ، کارگردانی کندیا اگر مایل بود درآنهابازی‌کند :

— «موقعیت باین خوبی را نمیشد از دست داد. زمان هر لحظه در حال‌تغییر است و همین طور موقعیت‌ها. اگر یکسال پیش دراین‌باره از من سئوال میکردید جوابم «نه» بود. من برای قبول‌کردن ایفای نقش جیمزباند در این فیلم مدت یك هفته فکر کردم و بعد جواب‌دادم.»

جیمزباند اینك زیر گریم است . پوزخندی میزند و بعد ادامه میدهد :

— «تنها مساله‌ای که گریبانگیرش بودم این بود که گفته بودم دیگر در چنین فیلم‌هائی بازی نخواهم کرد. اما حالا ، این کار یك‌جور تفریح برای من شده است . همچنین این بهترین سناریوئی است که من تاحالابه‌آن‌برخورد کرده‌ام ».

شون‌کانری فرم خوبی پیدا کرده . شاید بوجود آمدن این حالت در چهره اومدیون دو علت باشد . یکی هوای «نوادا» و جریان گلف‌استریم و دیگر بخاطر زوایای دوربین ، اما کانری هرگز قبلا تابدین صورت خوب‌نبوده، یادر یك فیلم باند هرگزتا بدین حد خوشحال‌تر نبوده است .

— «من بدلیل این‌که‌به اهمیت‌ستاره بودنم‌خدشه‌ای وارد می‌آید، یا مواردی مثل این ، به حیطه فیلم‌های جیمزباندی برنگشتم . من‌هیچ نگرانی در مورد ازدست دادن‌این اعتبار ندارم. شکی نیست که فیلم‌های باند یك موفقیت برایم به‌ارمغان آوردند ، و بمن امکان دادند که کارهای دیگری هم‌انجام بدهم. امامطمئن باشیدمن همیشه‌یك آکتور باقی نخواهم ماند. »

شگفتی دراین بود که‌وی چگونه موفقیت یافت ، چون هیچکس‌فکر نمیکرد او بتواندفیلم‌های‌دیگری بازی کند. اما وی با بازی در فیلم‌هائی چون «تپه» و «مالی‌ماگوایرز» (برخورد قدرت‌ها) ثابت کرد که این‌عده اشتباه فکر می‌کنند ، گرچه این دوفیلم با اقبال تماشاگران بخصوص طبقه عام روبرو نگردید ، مع‌الوصف شون‌کانری بازی با قدرتی در آنها ارائه داد وحالاجالب‌است‌بدانیم که فیلم تازه او «نوارهای آندرسن» ساخته «سیدنی لومت» باچه سرنوشتی روبروخواهدشد.

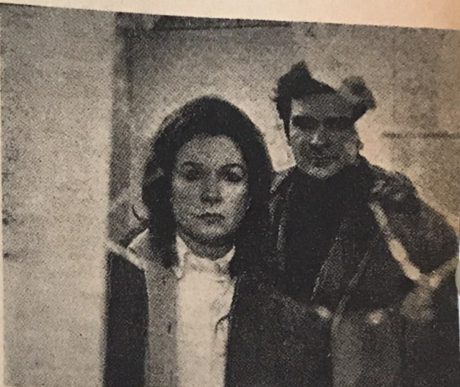
در اولین مرحله برای کشاندن مجدد شون‌کانری به معرکه «جیمزباند» این «دیوید پیکر» رئیس کمپانی یونایتد آرتیست بودکه شخصا به‌او تلفن کرد و از او خواست بار دیگر وارد میدان‌باند بشود، جائی که‌دیگران این‌رل را امتحان‌کرده و شکست خورده بودند ، قبلا قرار بوداین‌نقش‌را به «جان‌گاوین» بدهند و حتی قرارداد را هم امضاء کرده بود.

بقیه در صفحه ۴۰






عشق «برلین ۷۱» ر



* سوفی (شرلی مکلین) و اتو (کنت‌مارس) به پنجره خردشده یك کلبه روستائی خیره مانده‌اند ــ صحنه‌ای‌از «کاراکترهای نومید» ساخته «فرانك دی . گیلروی»

● اگر قرار باشد برای فستیوال فیلم برلین ۱۹۷۱ ، یك شاخص تعیین کنیم، بی‌تردید «عشق» به عنوان سوژه سینمائی **شماره یك ، جایگزین «سکس»** ــ شاخص فستیوال پارسال برلین ــ خواهد شد. صور متفاوت تمهای عشقی ، تابحال ندرتا **اجازه یافته** بودند که در فستیوالی ، در سایه آزادی و سخاوتی اینچنین عرضه شوند. عشق جوانانه ، عشق پیران، عشق ساده روستائی ، و حتی عشق آدمخوارانه. در میان اسامی‌فیلمهای فستیوال ،نامهائی همچون «عشق یعنی جنگ»، «عشق‌ورزی دوباره» و «آدمهائیکه درخانه شیشه‌ای عشق می‌ورزند » دیده‌می‌شوند، در این فیلمها می‌دیدیم که کدبانوهای دلخسته ، درگیر ماجراهای عاشقانه یاس‌انگیزی هستند ، عشاق جوان با دشواریهائی نومیدکننده رو در رویند ، و برهمین منوال ، منتقدین **ایرادگیر وعیبجونیز ازفیلمبرداری «Soft_Focus»** پایان ناپذیر این فیلمها دلی پرملال و نومیدداشتند عشق در پایان ، هرآنچه که بود ، فتح کرد ، ولی‌علیرغم تاثیرتاسف‌انگیزیکه اکثر فیلمهای فستیوال از کارهای «کلود للوش» ونیز از «قصه عشق» گرفته‌بودند ، بهترین آنها ، نه تنها یك سینمای دلپذیرو دوست‌داشتنی ، بلکه آثاری‌تماشائی با کیفیاتی نسبتا خوب و درخور اعتنا بودند.

بیست و یکمین دوره جشنواره فیلم‌برلین ، عملا چهره آنگونه‌نمود که‌یکی از بهترین جشنواره‌های تاریخ «برپائی» خویش یاد شود. این تقریبا نتیجه مستقیم جنجالهای فستیوال ۱۹۷۰ وتعطیل‌شدن‌آن‌بخاطر اشارات سیاسی ضد آمریکائی یك فیلم‌آلمانی به‌نام «او . کی .» بود. امسال ، در حاشیه جشنواره اصلی، یك جشنواره کوچك جهانی نیز ویژه نمایش‌فیلمهای جوانان‌برپاشد. هدف‌این جشنواره جداگانه، نمایش کارهای‌مستقل‌واعتراض‌آمیزجوانان بود و بعضی از فیلمهای نمایش‌داده شده دراین فستیوال ،به هیچ‌عنوان، چیزی کم‌از فیلمهای رسمی‌فستیوال نداشتند. برنامه مکمل نمایش ۲۳ فیلم رسمی فستیوال و ۵۰ فیلم جشنواره حاشیه‌ای‌آن، یك‌برنامه‌غیر رسمی نمایش ۲۴ فیلم جدید آلمانی و قریب صد فیلم مخصوص بازار بود. علاوه براینها ، دو برنامه «رتروسپکتیو» نیز به تجلیل از کارهای «بازبی‌برکلی» و «ادی کانتور» اختصاص یافته بود.

درراس فیلمهای‌رسمی فستیوال، تازه‌ترین آثار «اینگمار برگمان ، ژاك‌تاتی ، پی‌یرپائولوپازولینی ، روبربرسون ، ویتوریو دسیکا ، کن ایچیکاوا ،آندره‌دلوا و استانلی کرامر» قرار داشتند ، که تمام‌اینها، هریك به راه خود ، به مساله عشق پرداخته‌بودند. نخستین فیلم‌انگلیسی زبان اینگماربرگمان ، «تماس» ، پرداخت درخشان‌و موثر یکی از کهنه‌ترین و غبارگرفته‌ترین تمهای فیلمهای زنانه هالیوودی است : یك کدبانوی میانه سال و دلتنك ، گرفتار یك ماجرای یاس‌آور عشقی با یکمرد جوان می‌شود ، اماسرانجام به‌سوی همسرش باز می‌گردد تفاوت و تمایزیکه‌فیلم برگمان نشان‌می‌دهد آنست که زن خانه‌دار فیلم او ، یك کاراکترپردازی «عمیق‌کاویده»دارد و عذاب‌روحی وی ، که به‌گونه‌ای عالی و شگفت‌انگیز توسط «بیبی آندرسون» در بهترین پرفورمانس زنانه‌فستیوال‌به تماشاگر القامی‌شود، آدم را به ماورای واکنشهای سانتیمانتال کلیشه‌ای تا جاذبه‌های اصیل و ناب می‌کشاند. ظاهرا فیلم در سوئد به گرمی تحویل گرفته نشده است ، شاید بخاطر ناپیچیدگی و ساده‌فهمی رویه‌ای آن، تماس یك انحراف اساسی از پیچش متافیزیکی «بد تعبیر شده» سایر فیلمهای‌جدید برگمان باشد. ومع‌الوصف علیرغم وضوح و روشنی‌و ناپوشیدگی آن،



... جوان که بر آنند تایك
... وفالو را از مرگ برهانند ـ
... از «دعای خیر برای بچه‌ها
... ساخته «استانلی کرامر»

* مرگ «چیاپله‌تو» ـ صحنه‌ای از
«دکامرون» فیلمی که پازولینی ـ
... داستانهای «بوکاچیو» ساختا
... ت .

فتح کرد!

نقل از : فیلمز اندفیلمینگ

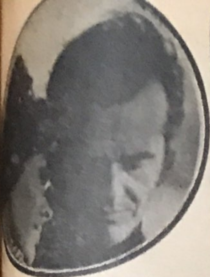
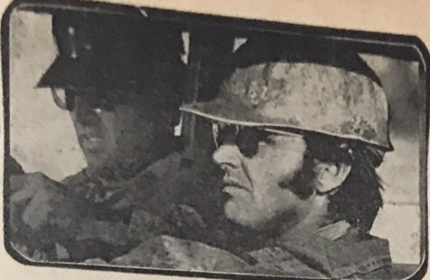
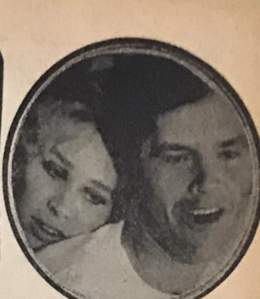
ترجمه : جمشید اکرمی

فیلم بی‌نهایت غنی و پرمایه به‌نظر می‌رسد و نیاز به یك تحلیل‌مشروح دارد. عشق ، آنسان که برگمان آنرا عیان‌می‌سازد، چیزی‌است‌به‌پیچیدگی و ناشناسائی خدا.

«پی‌یرپائولـوپازولینی» در اقتباس استادانه خود ـ دکامرون ـ از داستانهای بوکاچیو ، یك نقطه نظر بسیار زمینی، راجع‌به عشق ارائه‌می‌کند. وی تکیه و تمرکز داستانی فیلمش را بر حکایات‌ناپلی گذاشته است ، فیلم به لهجه ناپلی گرفته شده و در آن برای ایفای ٥٤ رل اصلی‌ازوجود آکتورهای‌غیر حرفه‌ای سود جسته شده. این مساله «محلی‌کردن» فیلم ، پازولینی را قادر ساخته‌است که به افه‌ای‌همسان آنکه در یکی از فیلمهای اولیه‌اش «انجیل به‌روایت متی» ، بدان‌دست یافت ، دست‌یابد منباب مثال، باز‌آفرینی در خورباور گذشته بدون الزام‌به‌تاکیدبرکیفیات وخصوصیات زمانی آن. دکامرون ، علاوه براین، خوشرنگترین و پرنقش ونگارترین فیلم پازولینی تا به امروز است ، از نظر جذابیت‌های بصری ، فیلم باآن فیلمبرداری عالی آتمسفریك (از «تونینودلیکولی») ، همانقدر زیبا وپرتاثیر است که ساتیریکون فلینی بود. پازولینی برای فیلم انجیل به روایت متی ، پیه‌یردلافرانچسکا را سپاس گفت بخاطـر آنکه برخی ایده‌های‌بصری ومرئی وواقعگرایانه فیلم را از او گرفته بـود. در «دکـامرون» ، مدل پـازولینی ، «گیوتو» است ، یکی از معاصرین بوکاچیو. در واقع گیوتو (که‌نقش اوراخود پازولینی‌بازی کرده است) یکی از برجسته‌ترین ومهمتریـــن کاراکترهای فیلم است که بسان یك چهارچوب برای سایر داستانها عمل‌می‌کند. بدبختانه، این‌چهارچوب ضعیفترین جنبه و بیرنگترین منظر فیلم است و در ارتبـاط‌دادن و چسباندن‌تکه‌های‌همسان و تاکیدهای «ناراتیو» آن ، کمکی موثرنمی‌کند وباعث‌اغتشاش رابطه‌ها وپیوستگی‌های‌داستانها نسبت‌به یکدیگرمی‌شود. علیرغم فقدان این‌مونتاژارتباط‌بخش داخلی ، فیلـم در اپـیزودهای بسیار عالی و شکوهمندانـه عمل می‌کند. پازولینی خودش، دکامرون را یك فیلم «سیاسی» نامیده است، او «بازسازی» جامعه قرن چهارده را با حالت و کیفیت تغییرات پیگیرو مداوم در «طبقه متوسط» جوامع امروزی مقایسه می‌کند.ولی فیلم در بی‌واسطه‌ترین سطح خود، بطور قطع فیلمی است در باره‌عشق ازتمام جنبه‌ها و جهتهایش. یکی از نمودها و «تراش»های جواهرعشق، البته که سکس است ولی فیلم، در واقع ، آنچنان «سکس گرا» نیست که‌بعضی از تصاویرآن‌نشان می‌دهند. با وجود برهنگی کامل کاراکترها (حتی از جلو!) در برخی صحنه‌ها، آدم ، در پایان ، با آمیزه‌ای‌سخت درهم آمیخته شده از غمی ملایم و طنز«رابله»ای (فرانسوارابله، شاعر وطنزنویس عصر رنسانس‌فرانسه‌ـم) بـه‌جای می‌ماند به اضافه احساس خارق‌العاده‌ای از لمس عصری کـه ماجراهای‌فیلم رااز نظرقالب‌زمانی، در برگرفته است (قرن ١٤).

آمریکا دو نماینده شایسته‌در فستیوال داشت ،دو فیلم باپیامهائی گران و سنگین. «دعای خیر برای بچه‌ها و حیوانات» ساخته «استانلی کرامر» داستان افسانه گونه‌ایست بسیار با روح و لذتبخش ـ هرچند با پرداختی خام و ثقیل ـ درباره شش پسرناجور وبی‌هدف‌که سرانجام با آزادکردن یك گله بوفالو ـ که قرار است به کشتارگاه فرستاده شوند ـ هدفی‌درزندگی‌خودمی‌یابند.. «کاراکترهای نومید» اثر «فرانك دی . گیلروی» که «شرلی‌مکلین» را صاحب‌یك جایزه مشترك به‌عنوان بهترین آکتریس سال کرد ، مطالعه موشکافانه فرو ریختگی یك‌ازدواج است که در آئینه اضمحلال جـامعه نیویورك منعکس می‌شود. علیرغم شگفت‌انگیز بودن و غرابت‌دیالوگها (فیلم ، همانگونه که انتظارمیرفت، جایزه‌بهترین‌سناریوی سال‌راگرفت)، گیلروی ، به واقع ، در خلق یك آتمسفر از جامعه متمدن درحـال فرسایش ، و نمودن وحشت وهراس آدمیان از تمدن لجام گسیخته و خشونت‌باریکه‌تحت استیلایش‌هستند، توفیق‌کامل دارد. احساسی‌دم افزون از وحشت و ترور ، در خلال فیلم، هم تماشاگر و هم کاراکترها رادر برمی‌گیرد. من شخصا ، بهرحال ، پیام این فیلم‌را به قدر خفقان‌آوری فضای‌آن برای‌کاراکترهایش، دلتنك کننده‌و بیزاری‌انگیز یافتم ، واین تردید برایم ماند کـه اگـر این کاراکترهای نومید ،نماینده فرهنك بودند ، آنگاه شاید بهتر بود کـه جامعه به اجزای کوچك خردمی‌شد.

ادامه دارد

پنج قطعه آسان ، فیلمی نواز سینمای جدید آمریکا

■ ازمیان‌خرابه‌های‌هالیوود، دنیائی نو پیا خاسته با مردمانی اندیشگر و خلاق که قصدشان فقط ساختن فیلم‌های‌خوب است. ازگروه تازه‌ای که باین نیت بوجود آمده، باید از گروه «بی‌بی اس» نام‌برد که فیلمسازانی چون «برت‌شنایدر، باب رافائلسون‌واستیوبلونر» تشکیل داده‌اند. اینان در زمانی‌که هالیوود درتلاش آن بود که‌با ساختن فیلم‌های «ستاره، رنگین‌کمان‌فینیان» و «خداحافظ مسترچیپس»موفقیت‌فیلم «اشکها و لبخندها»رادوباره تجدید کنند، فیلمی با بودجه ۳۷۵ هزار دلار می‌ساختند که خیلی بیشتراز این‌فیلم‌ها باموفقیت روبرو گردید.

دومین کوشش دسته‌جمعی این گروه فیلم «ایزی‌رایدر» بود که «دنیس‌هاپر» در ساختن‌آن سعی کرده بود تمام سنت‌ها و قراردادهای رایج فیلمسازی را که تا آن‌زمان در هالیوود باب بود، درهم بشکند.

«برت‌اشنایدر» درزمینه‌تشکیل این گروه فیلمسازی و موفقیت‌آن میگوید :

«فیلمسازانی که به گروه ما ملحق میشوند ، برای یکدیگر احترام فوق‌العاده‌ای قائل هستند ، روی فیلم‌های دیگری‌کار می‌کنند ورفتار دوستانه‌ای باهم دارند. ما درساختن یك فیلم هیچ توجه باین نکته نداریم که محتوی داستان آن‌فیلم چی هست یا چه هنرپیشه‌ای در آن بازی می‌کند. مافقط باین نکته‌توجه داریم که چه کسی فیلم را میسازد. اگر انرژی و شخصیت پروژه اویك چیز واحدباشند، ما همه‌گونه‌آزادی و کمك در حق او رعایت می‌کنیم تا بتواند حرف خودش را درفیلمش بزند. فیلم ما باید انعکاس‌گر و واجد کیفیات خصوصی سازندگانش باشد».

اولین فیلمی که این گروه ساخته «کله» نام دارد که «جك نیکولسون» و «باب رافائلسون» تهیه‌کننده آن هستند و رافائلسون سازنده آن. این فیلم را کمپانی کلمبیا پخش میکند. این فیلم‌نیز مورد توجه شدید منتقدین قرار گرفته است .

«پنج قطعه آسان» کار بعدی این گروه بعد از ایزی‌رایدر بشمار میرود که‌برت‌شنایدر،باب رافائلسون وریچاردوچسلر متفقا درمقام تهیه‌کننده و کارگردان در پدیدآوردن آن کوشش داشته‌اند. سناریوی این فیلم را «آدرین جویس» بااستفاده از زمانی‌که‌اوباتفاق باب رافائلسون نوشته‌اند تنظیم کرده است .

باب رافائلسون کارگردان‌این فیلم، علیرغم بسیاری ازکارگردانان هالیوود ، خیلی درکار به عمق اثرش توجه نشان میدهد و نیز به کاراکتری که می‌آفریند. در ۵ قطعه آسان کاراکتری که اواحساس کرده و بعد دست به خلق و ترکیب آن زده ، در فیلم‌های آمریکائی تاکنون سابقه نداشته است. وی میگوید :

«من فیلم خود را بر محور یك کاراکتر تمرکز میدهم نه یك‌طرح. درحقیقت من قبل از آن که با آدرین جویس بنشینم و روی‌داستان فیلم در باره آخرین تصمیم جهت نوشتن سناریو ۵ قطعه آسان فکر کنم ، چهار سناریو درباره قهرمان این فیلم نوشتم.»

این کارگردان نیویورکی که از موزیك‌جاز و فلسفه بهره‌فراوان گرفته ابتدا کار خودرا ازتلویزیون شروع کرد.اولین کار تلویزیونیش نوشتن سریال «بازی هفته» است که ۳۴ قسمت‌آن‌را می‌نویسد، آنگاه وی با برت‌شنایدر آشنا میشود و همکاری آنها در ساختن سریال «مانکی‌ها» موجب میشود که وی نخستین‌فیلم سینمائیش «کله Head» را پدید آورد.

داستان ۵ قطعه آسان دریك کمپ‌استخراج‌نفت میگذرد. قهرمان اصلی مردی است بنام «بابی داپی» که فقط در جستجوی حقیقت است و این پیگیری و کاوش ، لاجرم‌او رابمیان آدم‌های‌مختلف وماجراهای متغایر میکشاند و در دامی‌ناشناخته گرفتار می‌آید، که فرار از این دام ، که خود برای خود خلق کرده ، تمامی کوشش اوست.

رافائلسون باز مثل فیلم‌اولش، این بار از همکاری رفقای خود بهره‌ها جسته است. نقش اصلی فیلم را «جك‌نیکولسون» امید تازه سینمای آمریکا برعهده دارد. وی در واقع ، گوآن که یك کاریر درخشان از سینمای زیر زمینی‌آغاز کرده ، بافیلم ایزی رایدردرخشیده است و این درخشش فقط مدیون یك نقش کوتاه و جذاب درقالب آن وکیل از پای افتاده‌ای است‌که سرانجام بسوی مرك میرود. نیکولسون ، علاوه بر بازیگری فیلم‌هم میسازد و اولین فیلم او «اوگفت، بران» اخیرا آماده نمایش شده است.

سایر بازیگران‌این فیلم‌عبارتند از : «کارن بلاك» به نقش«رایت دیپستو» (این فیلم سومین فیلم‌این آکتریس بشمار میرود) ، «سوزان آنسپاچ» به نقش «کاترین وان اوست» ، لوئیز اسمیت ، بیلی‌گرین باش، ویلیام چالی ، فانی فلاك‌و سالی آن‌استراترز.

مدیریت فیلمبرداری به عهده «لاسلوکواکز» که فیلمبرداری درخشان ایزی رایدر مدیون‌مهارت و ذوق اوست ، گذاشته شده‌است. وی در این زمینه دارای تجربه‌ای طولانی است .

این فیلم خوب در تهران‌است و بزودی آنرا خواهیم دید. ناگفته نماند که این فیلم در فستیوال‌فیلم نیویورك نمایش داده شده و نیز در فستیوال ۱۹۷۰ «ادینبورك» به‌کسب افتخارات زیادی نائل آمده است.

گزارش فیلم

جمشید اکرمی

■ باز تهران یك هفته دلتنك‌کننده و تاریك سینمائی را پشت‌سر گذاشت هرهفته‌ایکه فیلم خوب تازه‌ای روی اکران نرود و یادر محافل خصوصی نشانی از نمایش فیلمهای برجسته نباشد ، برای ما یك هفته‌یاس انگیز و پرملال است و هفته گذشته نیز چنین بود . البته چند فیلم‌با ارزش داریم (کابوی نیمه شب ــ ساتیریکون ــ دایره سرخ) ، ولی‌اینها فیلمهائی هستند که از هفته‌ها قبل روی اکران رفته‌اند .

هفته پیش، دو فیلم تازه بنمایش گذاشته شدند . «جنایتکاران حرفه‌ای» و «زپلین» . جنایتکاران حرفه‌ای (ویا بانام‌اصلی‌اش «بچه‌های ماتاهاری») را که فیلمی است از «ژان دلانوی» ، فیلمساز فرانسوی، ما هنوز ندیده‌ایم . زپلین را هم یك فیلمساز فرانسوی (اتی‌ین‌پریه) ساخته است.

*فیلمی در باره یك ماشین جنگی

«زپلین» گرچه یك زمینه جنگی ویك‌تم جاسوسی دارد ، اما به واقع، کلا فیلمی است در باب معرفی هواپیمای زپلین ، ماشین جنگی خوف‌انگیز و مرگزای آلمانها در جنك جهانی اول .

دستاویز فیلم از لحاظ چهار چوب داستانی خود ، جهت بازنمائی و معرفی این هواپیماها ــ که آگاهیهای نسل جدید از آنها سخت ناچیز است ــ موضوع فرستادن یك افسر انگلیسی آلمانی‌الاصل است به منظور جاسوسی و تحقیق درباره نوع‌جدید این هواپیماهای جنگی.

فیلم ، قسمت اکثر زمان تقریبا صد دقیقه‌ای خود را به معرفی زپلین و آشناساختن تماشاگر با آن اختصاص داده است . در واقع قهرمان اصلی فیلم نیز همین ماشین جنگی است . اما «زیاده‌نمائی» و «زیاده‌گوئی» در کار این معرفی به‌آنجا می‌کشد که فیلم‌در پاره‌ای‌لحظات بکلی بیان یك فیلم مستند آموزشی را می‌یابد ! تنها در پانزده دقیقه پایان فیلم است که چاشنی آکسیون به خط ماجراها افزوده میشود و فیلم تا حدودی برخوردار از گیرائی و کشش میشود ، و این زمانی است که دیگر زپلین و نقش آن ، مطرح نیست .

یك مساله غامض این فیلم نیز ، فلسفه وجود الکه زومر است که نه به عنوان یك کاراکتر فیلم ، قابلیت توجیه شوندگی و متقاعدکنندگی خود را دارد و نه آنکه به عنوان یك چاشنی سکس نیز از وجود وی بهره‌ای گرفته‌شده است .

اما ، در سطح چنین فیلمی ، نکته‌ایکه جالب می‌نماید آنست که اتی‌ین‌پریه در این فیلم ، ابدا نکوشیده است که از هیچیك از جبهه‌های متخاصم ــ آلمانها و انگلیسها ــ جانبداری ورزد ، وی گرچه البته ماجرا را با پیروزی خفیف و نسبی آلمانها پایان می‌دهد (نابود شدن یك زپلین نمونه) ، اما در عوض ، گهگاه نیز آلمانها را به گونه‌ای بسیار سمپاتیك می‌نگرد ، منباب مثال بخاطر آورید سکانسی را که طی آن سرگرد مجروح آلمانی ، برای سبکتر شدن‌وزن زپلین ونجات‌یافتن همرزمانش ، خود را از داخل زپلین ، به بیرون پرت می‌کند.

*یك فیلم از چهار کارگردان معتبر

«فرشتگان» را چهار کارگردان نامدار سینمای ایتالیا ساخته‌اند. این یك فیلم چهار اپیزودی است که پای هریك از آنها را به‌ترتیب دینوریزی ، لوئیجی‌کومنچینی، فرانکو روسی و مائوروبولونینی امضا کرده‌اند . هرچهار اپیزود فیلم ، تمهائی از بك‌گراوندهای مشابه دارند و در آنها ، بیشتر مسائل زندگی زناشوئی ــ ودر حاشیه آن ، ــ مسائل سکسی ــ مطرح است ، ضمن آنکه البته آشکارا نیز قصدآن هست که این هرچهار اپیزود ، هریك به سلیقه و ذوق سازنده خود، پرداختی طنز آمیز داشته باشند .

اپیزود «دینوریزی» که « گفتگوی تلفنی» نام دارد ، قضیه زن وشوهری است (ویرنالیزی‌ونینومانفردی) که درآستانه رفتن به‌اطاق خواب ، گرفتار تلفن مادر زن می‌شوند !. مادر زن بهانه‌جو ایرادگیر و پر حرف آنقدر با دخترش حرف می‌زند و مسائل خسته‌کننده‌ایرا با سماجت مطرح می‌سازد که شوهر بیچاره و بیتاب ، کلافه شده و به سراغ زن همسایه میرود !. شوهر با زن همسایه به‌عشقبازی می‌پردازد، درحالیکه زنش را در آپارتمان روبروئی می‌بیند که هنوز گوشی تلفن را در دست دارد !.

این اپیزود از طنزگیرائی برخوردار است و بازی خیلی خوب نینومانفردی نیز به لطف آن می‌افزاید .

اپیزود دوم از آن « لوئیجی کومنچینی» است و «الکه زومر» در آن بازیگر نقش یك دختر آلمانی است که به ایتالیا میرود تا شوهر دلخواهش را پیداکند.

طنز این اپیزود (جز در سکانس آخر) کمرنك و بی‌جاذبه است و کومنچینی در پرورش کاراکترهایش نیز توفیقی ندارد .

اپیزود سوم را که «سوپ» نام دارد و توسط «فرانکو روسی» ساخته شده است ، بخصوص از لحاظ آنکه آدمهایش مشرب و خلق وخوی ایتالیائیهای واقعی را دارند ، می‌توان اصیلترین و ایتالیائی‌ترین اپیزود این‌فیلم به حساب آورد . مساله زنی است (مونیکاویتی) که بر آن است تا بهر قیمت شده از چنك شوهر مسن و بیقواره‌اش که همیشه هم به گونه‌ای ملال‌انگیز و «اشتها کورکن» سوپ می‌خورد، خلاصی یابد. اما هربار که او از کسی میخواهد سرشوهرش را زیر آب کند ، در واقع سرخودش کلاه می‌رود !. جنبه‌های تصویری طنز این اپیزود ، قوی‌تر از سه قسمت دیگر است و بخصوص که کاراکتر آن جوانك «مارلون براندو زده!» پرورشی دقیق و سنجیده دارد . رویهمرفته ، این‌بهترین اپیزود فیلم است .

اپیزود چهارم را «مائوروبو لونینی» براساس داستانی از «بوکاچیو» ساخته است ، داستان زنی (جینالولو بریجیدا!) که عاشق یك راهب (ژان سورل) می‌شود و وسوسه می‌شود که هرطور شده از وی کام بگیرد !. اما راهب جوان ، چشم و گوش بسته است و به ناچار زن شهوتران به گونه‌ای حیله‌آمیز از ارشد چشم و گوش باز و دنیا دیده این راهب (آکیم‌تامیروف) برای بازکردن چشم و گوش جوان وبه راه آوردن او یاری می‌جوید . این اپیزود از نظر پیچیدگی و ظرافت مضمونی آن قابل توجه است ، اما متاسفانه سانسور آشکار یکی از صحنه‌های آن به وحدت ویکدستی کلی اپیزود لطمه زده است (صحنه‌ایکه ژان سورل قصد مراجعه به یك محله مخصوص را دارد و بعد ، به‌یکباره، ماوی را هراسان و دگرگون دریك کیوسك تلفن می‌بینیم) .

هر چهار اپیزود این فیلم ، یك نقص اساسی دارند و آن ، کشدار بودن و ناموجز بودن بیان آنهاست ، که این تا حدودی چهره بلورهای طنزی راکه در هر چهار اپیزود هست ، تیره می‌کند. در یك نگاه کل بینانه ، فرشتگان فیلمی در حدودرخور اعتبار نام سازندگانش نیست .

جهان سینما



«آن‌هیوود» مردانه ...



«آن‌هیوود» زنانه ...!

سانسورپاها

■ گزارشی مندرج در یکی از شماره‌های جدید مجله «کامپین» حاکی از آنست که فیلم «دختر، پسر را نوازش می‌کند» ساخته «باب که‌لت» در بازبینی «کمیته‌نظارت بر آگهی‌های تبلیغاتی»، بخاطر یکی از آگهی‌هایش، به موانع سانسوری برخورده‌است. این آگهی، سومین پلاکارد این فیلم بود که یکجفت پای دخترانه را درحالی نشان می‌داد که یکجفت پای پسرانه در دو سوی آن و درجهت خلاف آن قرار گرفته بودند، و این طبعا نشانه مرحله اوج همبستری این زوج دخترو پسر بود! این پوستر از جانب کمیته نظارت بر آگهی‌ها که تمام پوسترهای سینمائی فیلمهای‌درجه X (فیلمهای‌مخصوص افراد ۱۸ سال به‌بالا) را مورد بازرسی‌و سانسور قرار می‌دهد، بخاطر عریانی‌و ناپوشیدگی‌سمبولیك آن و نیز بخاطر جنبه‌های وسوسه‌کننده‌اش، توقیف‌شد و پیشنهادشد که کمپانی سازنده فیلم به جای‌این پلاکارد، از یك پلاکارد تازه که دوجفت پارا پهلو به پهلو نشان دهد (رجوع شودبه تصاویرمربوطه) استفاده کند!

«آن‌هیوود» یك مرد ـ یك زن !

■ «تغییر جنسیت» یافتن ناخواسته، البته که‌حادثه غم‌انگیزی است. و حالا برای نخستین بار، یك فیلم بطور جدی به این مساله حساس می‌پردازد. این فیلمی است موسوم‌به «من چیزی را که ندارم، میخواهم» وبه«آن‌هیوود» آکتریس با استعداد انگلیسی فرصتی برای مبارزه بی‌نظیر و ارائه پرفورمانسی نامنتظره می‌دهد. «آن» در این فیلم نقش پسری را بازی می‌کند که همه جا در هیئت دخترانه ظاهر می‌شود و عاقبت نیز با یك عمل جراحی واقعا تغییر جنسیت داده وبدل‌به یك‌دختر خوشگل ودوست‌داشتنی می‌شود. «آن» برای آماده کردن خودش جهت ایفای این رل دشوار، سال‌گذشته دو ماه درجزیره «لانزاروت» ـ از سلسله جزایر کاناری ـ به سربرد و در خلال این مدت مثل یك پسر لباس‌پوشید و آموخت که‌همچون یك پسرصحبت کند و همچون یك پسر نیز رفتار کند. در لانزاروت او دیگر، «آن هیوود»، ـ ستاره معروف سینما ـ نبود، بلکه تظاهر به آن می‌کرد که یك پسر دانشجوست و سرگرم گذراندن تعطیلات خود می‌باشد. این تغییر لباس‌دادن و تغییر رفتار دادن، بهرحال برای «آن» ارزش خودش را داشت، چه آنکه او در ۳۱ دقیقه اول فیلم مذکور بایستی که یك مرد باشد!

فیلم را «ریموننداستراس» ـ شوهر «آن» ـ تهیه می‌کند وهری آندروز، جیل بنت، پل‌راجرزو مایکل کولز نیز در آن شرکت دارند.

کندیس برگن، یك «نیمه علفخوار»!

● کندیس برگن، آکتریس بلوند و دوست داشتنی، در جریان فیلمبرداری آخرین فیلمش «گروه شکار» (داستان یك انتقام تشنه خونانه که وی در آن با «اولیور رید» همبازی است)، مسلمارورزهای خوشی نداشته است. وی به اقتضای سناریوی فیلم، تیر می‌خورد، مورد تجاوزقرارمی‌گیرد، به‌وحشیانه‌ترین نحو با وی‌رفتار می‌شود ومورد سوء استفاده نیز واقع می‌شود. ولی از نظر خود او، بدتر از همه اینها صحنه‌ای بود که وی به اجبار بایستی همچون یك گرك گرسنه به یك تکه گوشت تازه شکار شده ـ که باآتش یك اردوگاه کثیف سرخ شده ـ حمله کرده و آنرا بادندان تکه‌تکه کند.

کندیس به‌تلخی اشاره می‌کند: **این وحشتناکترین صحنه‌فیلم بود ـ بعد از این صحنه من تامدتی مریض بودم!»**

آخر می‌دانید، کندیس یك «نیمه علفخوار» است !

نقل ازصفحه «جلوی‌دوربین» مجله فیلمزاند فیلمنیك

دوخبر

*** رابرت ردفورد، جورج سگال وزروموستل در وسترنی‌موسوم به «صخره داغ» ظاهر شده‌اند. این فیلم را سیدنی پولاك کارگردانی می‌کند.**

*** «روح در آفتاب نیمروز» عنوان‌فیلم آینده‌جك‌وایلد (آرتفول داجرز فیلم «اولیور») است. این فیلم را «بن‌کادیش» (تهیه‌کننده «جان ومری») تهیه می‌کند.**



□ بعد از سانسور ....



□ قبل از سانسور !...



هیچکاك ۷۲ ساله!

آلفرد هیچکاك ، هفته گذشته‌درحضور بازیگران و تکنیسین‌های‌آخرین‌فیلمش «جنون» ثابت کرد که از یك کارد جز برای کشتن آدمها ، می‌توان‌بهره‌ای مفیدنیز‌گرفت ! او اینرازمانی‌ثابت‌کرد که‌تکه‌ای ازکیك جشن‌تولدش را که شباهت قابل توجهی به نیمرخ‌شناخته شده خوداو داشت ، باکاردبرید.هیچکاك آخرین فیلمش راکه در واقع پنجاهو سومین فیلم اوست ، پس از۳۰سال برای نخستین‌بار، در لندن‌می‌سازد. در خلال فیلمبرداری‌این فیلم وی‌از یك فرصت کوتاه استفاده کرد و هفتادودومین سالروز تولد خود را جشن‌گرفت.

فیلم‌تازه هیچکاك جنون ـ که‌اخیرا نخستین‌صحنه‌های آن در«کاونت‌گاردن» لندن جلوی دوربین رفت، آمیخته‌ایست هیجان‌انگیزوترساننده‌ازجنایت و معما و سوسپانس بسیار قوی.داستان فیلم درباره اجسادیست که‌همه درحالی یافته می‌شوند که توسط یك‌ریسمان ضخیم خفه شده‌اند. یکی ازاین‌اجساد در یك گونی سیب زمینی پیدا می‌شود که این ، آدم را به صرافت‌دیداری ازبازار معروف‌لندن می‌اندازد!جنون‌راهیچکاك‌برای کمپانی‌یونیورسال می‌سازد و بازیگرن آن عبارتند از :جان‌فینچ ، باری فاستر وآنامیسی یکی‌از تصاویر فوق از جشن تولد هیچکاك گرفته شده و تصویر دیگر از نخستین‌جلسه‌فیلمبرداری جنون‌در کاونت‌گاردن‌لندن .





«شاه‌لیر» پیتر بروك

«پیتربروك» کارگردان انگلیسی سینما و تئاتر که اخیرا در فستیوال شیراز ، نخستین اجرای جهانی «اورگاست» راعرضه‌کرد ، یك فیلم آماده نمایش براساس «شاه‌لیر» شکسپیر دارد.

نقش شاه‌لیر را پل اسکافیلدبر پرده سینما جان‌داده است. آلن‌وب ،ایرنه‌ورث سیریل کیوزاك، جك‌مك‌گوران، یان‌هالك ، سوزان انجل و گروهی دیگر از اعضای کمپانی رویال شکسپیر سایر بازیگران فیلمند .

تصویر ، «پل اسکافیلد» (سمت راست) و «پاتریك مگی» (سمت چپ) را در صحنه‌ای از فیلم نشان می‌دهد.

«آخرین‌فیلم» فیلم‌برنده!

تازه‌ترین فیلم دنیس‌هاپر (سازنده‌ایزی‌رایدر) که‌نام «آخرین فیلم» را برخوددارد، در فستیوال ونیز ، موفق‌به اخذ جایزه‌ای‌مخصوص از جانب «کمیته بین‌المللی ادبیات و هنرهای سینما توگرافیك» شد. این کمیته‌که ریاست آنرا «وینسنت‌پینه‌دا» عهده‌دار‌است از نمایندگان کشورهای ایتالیا ، یوگسلاوی‌،بلژیك ، هند ، چکسلواکی و اسپانیا تشکیل یافته است .

آخرین فیلم‌که‌به تمامی‌در پروفیلمبرداری‌شده و به بیان ماجرای ساختن یك فیلم می‌پردازد ، درشب افتتاحیه فستیوال به‌معرض نمایش گذاشته شد. در این شب، خود دنیس‌هاپر نیز که‌علاوه بربازی وکارگردانی‌فیلم ، در تحریر سناریوی آن نیز دست‌داشته است ، شرکت‌داشت. تصویر ، دنیس هاپر رادرکنار دوتن ازپریرویان‌فستیوال استلاگارسبا و دانی‌یل ایدز نشان می‌دهد .



شیراز ـ آقای محمدحسن حاتمی:

۱ـ نوشیدنی سرد دراسکندریه یك فیلم انگلیسی بود که توسط جی ـ لی ـ تامپسون کارگردانی شده بود و جان میلز، سیلویاسیمز، آنتونی‌کوایل و هری‌آندروز در آن شرکت داشتند

۲ـ اولین‌فیلمی‌را که‌وتوریو دسیکا کارگردانی نموده است گلهای ارغوانی نامدارد و در سال ۱۹۳۹ آن را ساخته است.

۳ـ فیلم کلید را کارول‌رید باشرکت ویلیام هولدن‌و سوفیالورن کارگردانی کرده‌بودو توسط‌کارل فورمن برای کمپانی کلمبیا تهیه شده بود.

مشهد ـ خانم نازی گلنراقی:

فیلم کلاهی‌پراز باران‌باعنوان بلای خانمانسوزدر ایران نمایش‌داده شودرآن‌هنرپیشگانی‌چون ایوامری سنت آنتونی فرانچیوزا ـ دان مدرای شرکت داشتند .

اینهم نام هنرمندان فیلمهائی که خواسته‌اید

شبی دررم (گریگوری‌پك ـ ادری هیبورن) عشق در بعدازظهر (گاری‌کوپرـ موریس‌شوالیه ـ ادری هیبورن) جدال در آفتاب (گریگوری پك ـ جوزف کاتن‌ـ جنیفرجونز) مکانی در آفتاب (الیزابت تایلور ـ مونتگمری کلیفت ـ شلی‌وینترز قو (گریس کلی ـ آلك‌گینس‌ـ لوئی‌ژوردان) برباد رفته (ویوین‌لی ـ لسلی هوارد‌ـ اولیویادوهاویلند‌ـ کلارك گیبل)

تهران ـ آقای سعید صنیعی

اخیرا کمپانیهای هالیوود دستگاهی‌ساخته‌اندکه فیلمهای‌سینماـ سکوپ یا معمولی را بصورت ۷۰ میلیمتری در می‌آورند که از آن جمله فیلم برباد رفته‌و داستان وست‌ساید است.

سبزوار ـ آقای باقرراستی :

آخرین فیلم فردین مردان‌خشن است و وی با فیلم چشمه‌آب حیات فعالیت خود را در سینما آغاز و تاکنون در حدود ٤۰ فیلم بازی کرده و یك بار نیز موفق بدریافت جایزه سپاس بهترین بازیگر مردسال شده است. از وی‌عکس و مطلب‌زیاد داشته‌ایم و بزودی تصویر تازه‌ای‌از وی روی جلدمجله چاپ خواهدشد.

تهران ـ آقای‌سعید صنیعی :

۱ ـ اولین فیلم بوتیمار (یك قدم تامرك) بیك ایمانوردی (فریاد نیمه‌شب) ایرن (قاصد بهشت) سهیلا (میمیرم برای پول) بود.

۲ ـ اینهم معنی لغاتی که خواسته‌اید پرسناژ (شخصیت) دکوراتور (سازنده‌دکور) ـ پروژه (برنامه)سینك(تطبیق‌حرکات دهان هنرپیشه وگفتار) سکانس (مجموع چند پلان که در مکان و زمان‌معینی اتفاق افتد)

آقای محمد حسین حمیدی :

کارگردان انتقام خونین (کینگ‌ویدور) عشق من برگرد (رالف‌لوی) یازده سارق درلاس‌ـ وگاس (لوئیس مایلستون) گروگان (فردزینه‌مان) اکسدوس (اتوپر مینجر) توپهای ناوارون (لی.جی‌ـ تامپسون) و لورنس عربستان ویل رودخانه‌کوای (دیدیدلین) بود.

ساری ـ آقای‌حسن مجیدیان:

۱ـ کارگردانهای فیلمهائی که خواسته‌اید عبارتند از باراباس (ریچارد فلیشر) قطار سریع‌السیر فون‌راین (مارك رابسون) برخورد قدرتها (مارتین ریت) .

۲ ـ فروش فیلمهای زیر عبارتند از رومئو ژولیت ۷ میلیون ریال و فروش فیلمهای ایرانی رادر مطلب این هفته در مورد سینمای ایران مطالعه کنید .

این دوستان برای صفحه «شوخی ، شوخی» مطلب ارسال داشته‌اند که از همکاری و کمك آنها صمیمانه متشکریم و در انتظار مطالب تازه ایشان می‌باشیم.

ناصر مرادی مطلق (تهران) — احسان صلحجو (مرند) — مسعود رجائی (همدان) — فریده عیال بارگـان (تهران) — نعمت‌الله بنی‌سعید (بندر ماهشهر) — علی حـاج‌قاسم (تهران) علیرضا صفائی (شیراز) — عنایت‌الله کمالیان فـرد (جهرم) عبدالحسین استحکامی (جهرم) — علی‌محمد دالی‌زاده — داود حدادی — حسین پورحسینی (مشهد) — رمضانعلی اسدالله‌زاده (شاهی) — یدالله توبشیها (نجف‌آباد) —

۳ — دستمزد بهاردان برای شرکت در کلبه‌ای آنسوی رودخانه ۲۰۰۰۰۰ ریال بود.

لاهیجان — آقای فریـدون عاشوری:

فردین يك هنرپیشه محبوب و پولساز است و فیلمسازان ایرانی برای تهیه آثار پرفروش از وجود وی استفاده می‌کنند بنابـرایـن نمی‌توان انتظار داشت که وی در فیلمهای هنری شرکت کند ، البته وی در نظردارد در کاریر سینمائی خود تغییراتی دهد ، تازه فیلمهائی چون باباشمل از جنبه‌های هنـری دارای ارزش زیادی است و نمی‌توان گفت صرفا يك محصول تجارتی است .

تهران ـ آقای حسین دانشور فرزانگان:

۱ — فروش فیلمهای ایرانی را در صفحه آمار این هفته مطالعه کنید ۲ — دقیقا نمی‌توان گفت کدام فیلم بيك ایمانوردی کاندیـد دریافت سپاس خواهد شد بعیدنیست که فیلم مردان سحر وی او را کاندیددریافت‌جایزه« بهترین بازیگر مرد سال سازد ؟ — آغاسی بـرای شرکت در ابوالله چهار صد هزار ریال دریافت کرده بود.

دزفول — آقای نجات رامی:

۱ — بجای بهروز وثـوقی (زمانی) بجـای نیلوفر (شهلا ناظریان) در فرار از تله صحبت کرده بودند ۲ — از بهروز وثوقی

تابلو نیز چاپ خواهیم کرد.

شیراز — آقای علیرضا صفائی:

۱— سوفیالورن از مارچلو— ماستروپانی بمراتب در جهان دارای شهرت زیادتری است وبالطبع، نامش قبل از مارچلوماستروپانی نـوشته می‌شود ۲— لانا جفریز — ترنس— هیل — کن کلارك (ایتالیائی) پیتر— اوتول — آلك گینس (انگلیسی) هورست بوخهولتز (آلمـانی) مونتگمری کلیفت— لی‌وان کلیف— آلن بیتس (آمـریکائی) و میشل پیکولی فرانسوی است ۳— فیلم وقتیکه زنها دم داشتند محصـول ۱۹۷۰ کشور ایتالیا بود.

تهران — آقای داود حدادی:

انتشار يك مجله تامین نظریات کلیه خوانندگان آن در این کشور کار دشوار و شاقی است . شما معتقدید که بجز رویدادها هیچ يك از مطالب مجله بدرد نمی‌خـورد، اما پیشنهاد نمی‌کنید که چه مطلبی نوشته شود و میگوئید تمام مجله را پشت صحنه چاپ کنیم که البتـه این کار امکان پذیر نیست ... مطالب کنونی مجله مورد دلخـواه و علاقه اکثر خوانندگان است و دلیل آن افزایش تیراژ ونامه‌هائی است که بدست ما می‌رسد . معهذا شما آب پاکی را روی دست ما ریخته و همه را کنار گذارده‌اید . نمی‌دانیم در پاسخ شما چه بگوئیم .

تبریز — آقای اکبر ذاکری :

۱ — کارگردان فیلم بنجامین (میشل دوویل) بود ۲ — چهارمین دوره جوایز سپاس اردیبهشت مـاه آینده انجام خواهد یافت ۳ — فیلم شعله‌های خشم در فستیوال کابـل موفقیتی کسب نکرد ٤ — بـرای رضا صفائی به‌آدرس (منوچهری— ارباب‌جمشید—شماره ۹۷ — پارسا— فیلم) نامه‌ارسال دارید.

جهرم — آقای فرهنگ بهبود :

۱— کمیته انتخاب چهارمین دوره جوایز سپاس هنوز تشکیل نگردیده است تا برای شما بگوئیم فیلم داش‌آکل در چه رشته هـائی کاندید دریافت جایزه‌است ۲ — خسرو سهامی نقش داماد و منوچهر احمدی نقش یکی از بزن‌بهادرها را در فیلم داش‌آکل عهده‌دار بود ۳ — فیلم اسمال و چراغ جـادو هنوزجلوی دوربین نرفته تا در مورد هنری‌بودن آن قضاوت کنیم.

تهران— آقای رضا دهقانپور:

بعضی از پلانهائی که درفیلم‌ها گنجانده می‌شود اتفاقا ممکن است بنظر کارگردان و فیلمبردار بـرسد و تهیه شود که از جمله صحنـه عشقبازی دو مرغابی فرار از تله بود والا کارگردان قطعا نمی‌تواند که ماه‌ها و روزها برای چنیـن صحنه‌ای منتظر بماند. «اتفاق» خیلی کارها را درست مـی‌کند . در مورد پیشنهادات شما درباره‌ی ستون دوست‌یابی ملاحظه می‌کنید کـه آنرا کم کرده‌ایم .

مرند — آقای احسان صلحجو :

مطلبی که برای صفحه شوخی شوخی میرسد، رسیدگی و در صورت تصویب در پوشه مخصوص نگاهداری می‌شود و مابقی دور ریخته می‌شود چون غیر ازاین کاری نمی‌توان کرد درمورد آگهی هواپیمائی ملی وچاپ آن در پشت جلد مجله ، بطـور يك هفته در میان قرار بوده کـه آگهی مزبور بچاپ رسد و بدین ترتیب نیز چاپ شده و علـت دیگری نداشته است .

ساوه — آقای ابوالفضل حیدری

در مورد فروش فیلمهائی که خواسته‌اید بمطلب آثار سینمـای ایران در این شماره مراجعه کنید. علت شرکت نکردن ایـلوش در فیلمهای ایرانی عدم استقبـال تماشاگران ایرانی ازفیلمهای او است و فیلم احمد چکمه‌ای نیز مدتـی است بنمایش در آمده ، مسئله عشق بین زری خوشکام و بهروز وثوقی و یا سقوط امیر جعفری حقیقت دارد شایعه نیست .

تهران — آقایان محمد افشار — کیان اصغر پور — فریدون غفاری:

۱— اسماعیلی در فیلم ابوالله بجای آغاسی صحبت کرده‌است .

۲ — سیمین غفاری هنرپیشه درجه سوم است و بالطبع باید نامش در ردیف چهارم و پنجم نوشته شود ۳— سعی می‌کنیم که از این پس در صفحات وسط ، دو عکس يـك صفحه‌ای بصورت تابـلو چـاپ کنیم .

تهران — آقای محسن حدادی:

۱ — دستمزد منوچهر وثوق و پوری بنائی برای بازی در هر فیلم چهار صد هزار ریال است و میری سیصد هزار ریال . منوچهر وثوق وکتایون فیلمهای غمها وشادیها و درختها ایستاده میمیرند راباتفاق بازی کرده‌اند .

تهران— آقای هوشنگ آراسته:

۱— دوره مسابقه گل پشت و رونداره پایان یافته است و کلیـه نامه‌های رسیده بررسی و نام برندگان آن چاپ خواهد شد ۲ — بله داروی ظهور فیـلم سیاه و سفید و رنگی کاملا با یکدیگر متفاوت است . ۳— ملك مطیعی مدتی است که ازبازی کردن با بهروز وثوقی خودداری می‌کند .

بازار

● کلیه فیلمهای هندی را خریدارم به آدرس زیـر مکاتبه شود.

«تهران شوش شرقی . خیابان شهیر . چهار راه هاشمی . شماره ۷۷ منزل ایمانی .ماشاءالله (میشا) ایمانی

● عکس های هنرپیشگانـی چون فردین — آفـرین — منوچهروثوق — بهروزوثوقی— گوگوش — پوری بنائی— سوسن و مرجان بقیمت مناسب فروخته میشود .

تهران — شوق شرقی— شبیر— کوی محمودی— پلاك ۲۰ — جاوید رضائی

● عکسهای امضاشده اعضای تیم تاج و تمام هنرمندان نقش اول سینما را با نازلترین قیمت می‌فروشم .

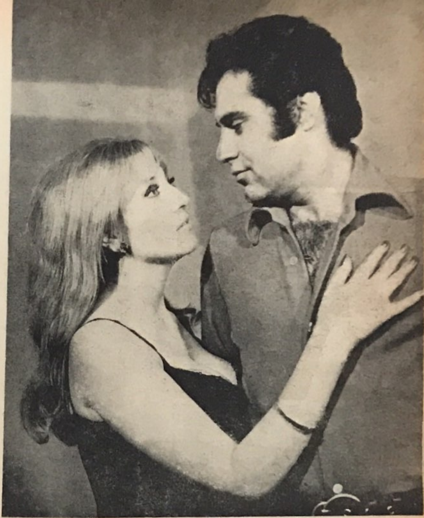
تهران — خیابان تهران نو — خیابان تیرگان — فروشگاه مهربانی — آیت‌الله ولی‌زاده.

● عکسهای رضا سرکوب را با قیمتی خـوب خریداری میکنم. ضمنا از دوستان سرکوب خواهشمندم عکسهای سرکوب را برای من ارسال فرمایند. البته بهای آنرا تقدیم میکنم.

اصفهان — خیابان محمدرضا شاه — کوی علی‌قلی‌آغا— پلاك ۱۳۷ — محمد شیخ‌بهائی .

● کتاب سناریوی فیلم «شب» نـوشته : «میکلانجلو آنتونیونی» کارگردان نامی سینمای ایتالیـا را بفـروش می‌رسانم .

تهران . شوش شرقی خیابان شهیر . چهارراه هاشمی . شماره ۷۷ منزل ایمانـی . ماشاءاللـه (میشا) ایمانی



معرفی یك فیلم :

مردافکن

● داستانهای ملودرام پیوسته‌نظرگاه کاملی بوده‌است برای تهیه‌کنندگان آثار سینمای ایران که بتوانند با ارائه آن گوشه‌ای از زندگی مردم را عیان سازند و در لفافه یك داستان سرگرم ـ کننده درس زندگی به آنان دهندبهمین جهت‌اکثرداستان‌ـ های ملودرام ایرانی نمودار واقعیتی ملموس از زندگی مردم جامعه ما است و جنبه‌ـ های مختلف حقایقی را بازگو میکند.

استودیو شهاب که بعد از سالها فعالیت در زمینه دوبلاژ آثار خارجی به جرگه فیلمسازان‌و تهیه‌کنندگان‌روی آورده است . پس از تهیه فیلم احساس داغ ، دست بکار تازه‌ای زد با عنوان مردافکن که در این هفته‌باحتمال قوی بدیدار آن نائل خواهیم‌شد.

داستان فیلم ماجرای زندگی دختری است که به خاطر ثروتی‌که دارد گروهی دندان‌طمع‌تیز کرده ومترصدند که بهر صورت که شده‌ثروت او را به چنك آورند و به همین سبب جوانی رادراختیار میگیرند که بنقشه‌های خود جامه عمل بپوشانند ، اما غافل از این که عشق بسراغ او هم میآید و جوان ناگهان احساس محبتی در دل خود نسبت به دختر مییابد و از اینجا است که داستان‌فیلم بصورت‌دیگری درآمده و ورق برمیگردد و جوان وارد زندگی دخترك شده و مسیر آن را تغییر میدهد و بالطبع این مسائل با ماجراها و حوادثی توام میگردد که جز در سالن سینما نمیتوان جائی آن را بازگوکرد.

روبیك زادوریان تهیه کننده مردافکن به خاطرآنکه تجربه سینمائی خود را در امر تهیه فیلم در سایرزمینه‌ها بیازماید ، در ساختن فیلم مردافکن سرمایه گذاری نمود و برای کارگردانی فیلم از رضا صفائی کارگردانی که در زمینه تهیه چنین آثاری تبحر خود را نشان داده است دعوت‌بعمل‌آورد و رضا صفائی کوشید تا از داستانی که در اختیار دارد یك فیلم درخور توجه و گرم بسازد.

نقش آفرینان مردافکن

که ایفاگر نقش‌های مختلف فیلم هستند عبارتند از:

ایرج رستمی بازیگر موفقی که در سال جاری از پرکارترین هنرمندان ایران بوده و توانسته است موفقیت خاصی در سینمای ایران به دست آورد. وی به نقش اول فیلم ایفاگر نقش جوان آسمان‌جلی است که با همدست خود در آسمان زندگیشان ستاره‌ای نمیدرخشد، اما یك اتفاق، یك حادثه کوچك او را از مسیر کارش بدور می‌افکند و آنچنان طومار زندگیش را درهم می‌پیچد که خود نیز یارای آن را ندارد که در باره‌اش بتفکر اندیشد.

رستمی به نقش خوددر مردافکن عجیب علاقه دارد و این علاقه بدان حداست که‌وی معترف است بهترین کار سینمائیش را در مردافکن ارائه داده است، بخصوص آن که تلاش اکیپ هنرمندان فیلم‌آن بوده که فیلمی ارزشمند با همکاری یکدیگر پدیدآورند.

«شهین» ستاره دیرآشنای سینمای ایران نقش نخست زن فیلم را به عهده دارد. وی‌که باتفاق ایرج رستمی بازیگر فیلمهای متعددی در همه زمینه ها بوده، در این فیلم نیز چون گذشته بازی درخشانی ارائه داده است و همین مسئله سبب شده که روی کار شهین در این فیلم میتوان انگشت گذارده و آن را یکی از نکات مثبت داستان‌دانست.

«میری» کمدین معروف ایرانی در فیلم مردافکن یك بار دیگر توانسته است با کار خود تماشاگر را به اوج خنده و شادی بکشاند و چون گذشته در کارش توفیق داشته باشد.

ناتاشا بازیگر نقش یك زن طناز است که سعی دراغوا و فریب قهرمان داستان دارد و چون گذشته با اندامی برهنه در بعضی از صحنه‌های فیلم ظاهر شده‌است.

هایك ـ آراسته ـ نوشین و گروهی دیگر از بازیگران سینمای‌ایران در فیلم‌مردافکن شرکت دارند که هریك‌توانسته است در ایفای نقش خویش توفیق کامل بدست آورند.

رضا صفائی کارگردان مردافکن معتقد است که:

«این فیلم بزعم آنکه امکان دارد یك فیلم تجارتی بحساب آید، معهذا از بسیاری جهات‌دارای‌نکات مثبت‌سینمائی است و برای تهیه هرپلان آن فکر بکار گرفته شده است. شاید تماشاگر نتواند دریابد برای تهیه صحنه‌ای که بیش از ۱۰ ثانیه در فیلم به طول نمی‌انجامد ما کاری برابر ۱۰ روز انجام داده‌ایم، بهمین سبب مردافکن فیلم فکرشده و حساب شده‌ای است و حتما از خیلی‌جهات در مورد آن صحبت خواهد شد.

رضا انجم‌روز فیلمبرداری مردافکن را انجام داده وفیلم بطریقه تکنی‌اسکوپ سیاه و سفیدفیلمبرداری گردیده‌است.

مردافکن فیلمی است که از بازیهای روان و یکدستی برخوردار است و کارگردانی آن حساب شده و دقیق است بهمین سبب میتواند در ردیف فیلمهای خوب امسال در آید. باید آنرا دید تا در مورد آن قضاوت زیادتری‌نمود.









دوست یابی

● مایل به‌مکاتبه‌بادوستداران «بیك ایمانوردی ، ناصرملك‌مطیعی ، ایرج قادری» و مخالفین «بهروز وثوقی، منوچهر وثوق ، میری و فردین» می‌باشم .
گیلان ــ آستانه اشرفیه ــ میدان ششم‌بهمن ــ خیابان‌کوروش کبیر، خیابان وادی اشرف ، خواربار‌ــ فروشی حسن لطفی‌پور ــ علی‌اصغر معصومی

● مایلم با دختران وپسران ایرانی مقیم آلمان غربی ــ بزبان آلمانی‌ــ ومقیم‌های آمریکا، کانادا، سویس، انگلستان‌ــ بزبان‌انگلیسی‌ــ دختران وپسران کرمانشاه ، شیراز، مشهد ، آبادان ، اهواز ، رشت و تبریز مکاتبه نمایم .
تبریز ــ صندوق پستی شماره۱۸۵ ــ ایرج صمصامی

● با علاقمندان تئاتر و آنهائیکه اطلاعاتی در زمینه نمایشنامه‌نویسی و هنر تئاتر دارند مایل به مکاتبه می‌باشم .
کاشان ــ کافه گلچهرگان ــ رضا کریمی

● حاضر به مکاتبه با دوستداران ناصر ملك‌مطیعی، بهروز وثوقی ، پوری بنائی ، ایرج و سوسن هستم .
تهران‌ــ قصرالدشت‌ــ کوچه‌دامغان‌ــ پلاك ۸ ــ محمد عباسچی

● مایل به مکاتبه بامخالفین فردین ، و دوستداران بهروزوثوقی هستم .
بابل ــ صندوق پستی ۱۰۱ ــ محمد حسن فرماندار

● مایل‌به‌مکاتبه بادوستداران فردین ، آفرین ، گوگوش ،رامش، داود رشیدی ، بهمن مفید ،ناصر ملك‌مطیعی ، ایرج قادری ، سعید مطلبی ، جلال مقدم و مخالفین بهروز وثوقی و کیمیائی هستم.
اهواز ــ خیابان پهلوی ــ روبروی چلوکبابی کرامت ــ مجله‌فروشی حمیدرضا گلابی

● علاقمند بمکاتبه بادختران و پسران ایرانی و هنرمندانی چون بهروزوثوقی ــ پوری‌بنائی ــ ایرج رستمی ــ و بالاخره هنرمند یگانه سینمای ایران محمدعلی فردین‌هستم
تهران ــ میدان‌شهناز خیابان صفا‌ــ خیابـان صدوق پلاك ۲۲۵ حبیب حیدراشکی

● علاقمند بمکاتبه بادختران و پسران ایرانی از سن ۱۶ تا ۱۸ ساله و طرفداران مدو زیبائی و فیلمهای خارجی و هنرمندانی چون آلن‌دلون ــ رابرت‌واگنر ــ ریچارد برتون ــ جان فیلیپ‌لا ــوستارگان دنیای موزیك و سینما رومینا و آلبانو از ایتالیا می‌باشم
تهران میدان شهناز خیابان صفا‌ــ خیابان صدوق پلاك ۲۳۵ امیرزنجیر

● مایل بمکاتبه باخواهران وبرادران ایرانی که اصلا رنك‌شادی را ندیده‌اند و کسانی که از زندگی کردن رنج میبرند ولی مجبورند که زندگی کنند و زنده باشند ومیباشند هستم
شیراز دروازه کازرون کوی عباسی پلاك ۳٤ محمود مهرابی

● حاضربه‌مکاتبه بادوستداران واقعی ۲ هنرمند محبوب وباارزش‌ــ فردین و ایرج قادری ودوستداران زری خوشکام هستم
کاشان‌ــ خیابان‌دارالی قماش‌فروشی احمد خاکساری عزیز اسدی

● با علاقمندان سرکوب مایل هستم مکاتبه نمایم.
اصفهان خیابان محمدرضا شاه ــ کوی علی‌قلی‌آغا پلاك شماره ۱۲۷ سید رضا عابدی .

● علاقمندمکاتبه باعلاقمندان تمبر و سوفیالورن و لیزتیلور، برت لنکستر وجین فوندا کندیس برگن وهم چنین عارف مهستی حمیرا ورامش‌و گوگوش وآغاسی و بهروز وثوقی و پوری بنائی مری آپیك و پرویز صیاد میباشم.
تهران ــ صندوق پستی ۷٫۷۰۳۳ نامه نگاری شیوا ــ مصطفی‌پیوند

● با خواهران وبرادران خوزستانی طرفدار ایرج قادری‌ــ مری آپیك حاضر به مکاتبه‌ام .
مشهد ــ خیابان محمدرضا شاه ــ میدان ۲۳‌ــ پلاك ۸ ــ سیامك شیبانی

برنامه این هفته سینماهای: مولن‌روژ ـ دیانا ـ مهتاب ـ اسکار ـ کریستال

«والت دیسنی » با فیلم «ماشین‌سحر آمیز» اولین گل را واردروازه خنده کرد و اینك ...« اردك سحرآمیز» والت دیسنی شروع کرده به تخم گذاری ،اونم تخمهای طلا که شما تامیتوانید بخندید ، بخندید وبخندید!



وحدت (بقیه)

فیلمهای مسافری از بهشت ، زبون بسته مردی در قفس ، یک قدم تا بهشت بود که توانست موفقیت او را در کار سینما بیش از پیش بعنوان یک کارگردان وتهیه کننده تثبیت کند.

با آنکه وحدت خود مصمم بود فقط برای خود فعالیت کرده و از شرکت در محصولات سایر استودیوها خودداری کند، معهذا در سال ۱۳۴۶ باستودیو میثاقیه رفت و برای‌وی فیلم مردی از اصفهان را بازی کرد و بعد از اتمام آن ، تیپوجیه، شکار شوهر ، ماجرای شب ژانویه ـ یک دل و دودلبر رابرای خود ساخت .

در سال ۱۳۴۹ وحدت بار دیگر در زمینه بازیگری کار خود را گسترش داد و در فیلمهای سایر استودیوها قبول نقش کرد و بهمین سبب برای استودیو میثاقیه تاکسی عشق ، بسرای استودیو عصر طلائی فیلمهای سرود زندگی و نوبر اصفهان را بازی کرد و برای استودیو مهرگانفیلم نیز زندگی وارونه را بازی کرد . و در همین ایام نیز فیلم اجل‌معلق را بکارگردانی خود ساخت که محصولی از استودیو نقش جهان بود.

در اواخرسال گذشته وحدت بادعوت ازارحام صدر باردیگر شالوده تهیه یکفیلم قابل توجهرا بنامشوهر پاستوریزه ریخت که در اوائل سال جاری بنمایش درآمد. توفیق مادی شوهر پاستوریزه بیش از حد انتظار بود و فروشی معادل چهارده میلیون ریال بدست آورد . باآنکه وحدت در نظر داشت بلافاصله فیلمی را باهمان اکیپ قبلی بسازد ، معهذا بتکمیل استودیو خود همت گماشت و از نظر فنی آن را تکمیل کرد و سپس برای شرکت در فیلم «یک اصفهانی در نیویورک» عازم آمریکا شد.

شون کانری (بقیه)

در فیلم تازه کانری فرمول‌های جیمزباندی بار دیگر تکرار میشود. یک مقدار معاشقه با خیل زیبارویان فیلم ، از دست‌رفتن چندین‌آدم وباقی ماندن جسد های متعدد ، یکسری تعقیب‌های وحشتناک وپردلهره بایک آتومبیل‌پلیس کههمه‌این کارها، یعنی عملیات‌خطرناک فیلم رابدل شون‌کانری «پل‌باکسلی» جـای او انجام‌میدهد ، و دست‌آخریک‌تصادف خونین که موجب‌ازبین‌رفتن اتوموبیل‌ها میشود. ستاره‌هائی که به‌اصطلاح برنده‌های دست‌آموز باند درای‌نفیلم هستند عبارتنداز : جیل‌سنت‌جان به نقش «تیفانی» و «لاناوود» (خواهر ناتالی وود) بـه نقش «پلنتی‌اوتول» .

«گای‌هامیلتون» که قبلا «گلدفینگر» را باشرکت شون‌کانری‌ساخته میگوید :

ـ «باند دراین فیلم تازه خود پیرتر ، خونسردتر و عاقل‌تـر شده است .سعی‌شده‌چیزتازه‌ای‌دراین فیلم مطرح و گفته بشود.

در لاس‌وگاس ما مجبور نبودیم کلک سوار کنیم . این شهری‌است با خصوصیات ویژه خود . ما مجبور بودیم فقط آنجا را منفجر کنیم! بجای ساختن یک فیلم مستند درباره آن ، ما می‌بایستی یک تعقیب با ماشین‌می‌گذاشتیم.

برای گرفتن این سکانس ، چهارشب خیابان «فری‌مونت» راخلوت می‌کنند و نیز نواحی اطراف این خیابان را می‌بستند تا کار انجام بشود. نیز صحنه‌ئی راکه طی آن لاناوود در یک استخر می‌افتد وپلان‌های مربوط به‌قماردراین چهارشب گرفته میشود.

شون‌کانری اوقات فراغت خود را به مطالعه و طرح ریزی درباره دو فیلمی که از طرف کمپانی بهوی پیشنهاد شده ، میگذراند. یکی‌از این فیلم‌ها «مکبث» خواهد بود. و البته این فیلم علیرغم فیلمی کـه اینک «رومن‌پولانسکی» میسازد ، ساخته خواهد شد.

گوگوش (بقیه)

باشم ، برای بهتر اجرا کردن برنامه‌ام ، مثلا موقعی که یک ترانه غمگین میخوانم ، شاید حتی گریه هم بکنم ، و هر شبی هم که حالش را نداشته باشم ، خیلی عادی برنامه‌ام را اجرا میکنم.

٭ پس مساله ناراحت‌کننده‌ای ندارید.

ـ نه اصلا.

٭ و موضوعی کـه خیلی خوشحالتان کرده باشد ، چطور؟

ـ والله من قرار بود پانزدهم سپتامبر برای ضبط‌صفحه دومم در پاریس باشم ، اما بخاطر شرکت در جشن‌های دو هزار و پانصد ساله این برنامه را به تعویق‌انداختم و الان از این بابت خیلی خوشحالم . ما به کمپانی صفحه‌پرکنی در پاریس تلفن کردیم و گفتیم که ضبط آهنگ و یا اجرای برنامه در پاریس ، مثلا دو ماه دیگر هم ممکن است ، ولی فرصت شرکت در جشنها ، ممکن است تادو هزار و پانصد سال دیگر هم گیرمان نیاید . بنابراین من الان خوشحالم‌که بخاطر این جشنها در ایران مانده‌ام و کمال خوشحالی من در اینست که اجازه دهند برنامه‌ای در حضور پادشاهان و روسای جمهور کشورها اجرا کنم.

٭ قرار نیست در فیلم تازه‌ای بازی کنید؟

ـ برای‌بازی در فیلم «راز درخت سنجد» آمده بودند سراغ من ، ولی متاسفانه مسائلی پیش آمد که من نتوانستم در این فیلم بازی کنم . من به دو جهت ، خیلی مایـل بودم در این فیلم بازی کنم .یکی‌بخاطر این که فیلم راجلال مقدم ، کارگردانی میکرد . من قبلا با مقدم ، در دو فیلم کـار کـرده‌ام (سه دیوانه و پنجره) و آرزو دارم که همیشه با او کار کنم . از طرفی خیلی خوشحال‌تـر شدم وقتی که فهمیدم قرار است در این‌فیلم با فـردین همبازی باشم . اما متاسفانه با تهیه کننده فیلم ، آقای رضا شیبانی معامله‌مان نشد . و اصلا از طرف دیگر ، مدت فیلمبرداری این فیلم هم طولانی بود و بازی در آن به کار خوانندگی من لطمه میزد و نمیتوانستم به بعضی از تعهدانم عمل کنم.

٭ تازگیها چه فیلمهائی دیده‌اید؟

ـ از فیلمهای ایرانی ، «لوطی» را دیدم که از آن بدم آمد ، توی آن زیاد اغراق شده بودوفیلم‌هم کسل‌کننده بود. از فیلمهای خارجی کابوی نیمه شب را دیدم که گرچه من این فیلم را از اواسط آن دیدم ، ولی‌به نظرم فیلم خوبی رسید . دایره سرخ را هم در پاریس‌دیده‌ام و خیلی هم از آن خوشم آمده. تازه من زبان فرانسه هم زیاد نمیدانم و فکر می‌کنم که اگر این فیلم را در تهران‌هم ببینم ، خیلی بیشتر خوشم بیاید.

٭ از آهنگهای تازه ایرانی کدام را پسندیده‌اید؟

ـ از آهنگ تازه مهستی خیلی خوشم آمده ، چون هم یک آهنگ ریتمیک دارد و هم شعرش خیلی محزون است و روبهمرفته تازگی دارد.

٭ خودتان چه آهنگهای تازه‌ای دارید؟

ـ دوتا آهنگ تازه ضبط کرده‌ایم از ساخته‌های امیر بارزکی به اسامی «شب بخیر» و «ایدل».

٭ خانم ، بیشتر از این مزاحم نمی‌شویم ، خداحافظ.

ـ خواهش میکنم ، مرحمت زیاد.

بر رضاهفت خط...(بقیه)

وشروع بخواندن آهنگهای تند جـازمی‌کند و بهمراه او گروهی ازدختران و پسران جوان‌شروع برقصیدن‌می‌کنند،برنامه رضاهفت خط آنچنان موردتوجه صاحب کاباره واقع میگردد که مصمم‌می‌شود که از وجود او برای اجرای برنامه در کافه خود استفاده کند ،بخصوص آنکه مشتریان کاباره نیزنظر او را تائید می‌کنند و بهمن مفیدچاره‌ای جز قبول پیشنهاد اونمی‌بیند و منتها برای‌آنکه خودرا از شرصاحب کاباره خلاص کند ، اجرای برنامه‌در کاباره مزبور را موکول بعد ازنمایش‌فیلم رضا هفت‌خط می‌کند ، حالامعلوم نیست که‌آیاواقعا بهمن مفیدمی‌خواهدکه هنرپیشگی‌را ادامه دهد یا آواز خواندن در کاباره را !!

بیگانه «بیا!» (بقیه)

ایرانی که در آن بازی کرده بود یعنی آدم‌وحوا بمعرض نمایش‌درآید، از طریق عکسها و مصاحبه‌هائی که در مجلات ازوی‌چاپ میشد، شهرت فـراوانی کسب نمود ، بـطوری که ستاره روزسینمای ایران محسوب میشد درحالیکه هنوز فیلمی از او در ایران نمایش نداده بودند !

بعد از ناتاشا ، اینگریداسپای به سینمای ایران راه پیدا کرد؛ او ستاره‌ای بود از سینمای آلمان که در فیلم دو دل و یك‌دلبر ساخته نصرت‌الله وحدت رل مقابل وحدت و طهوری را ایفا نمود و ثمره فعالیت اینگرید در ایران ،به‌بازی در دودل‌و یك‌دلبر محدود میگردد.

اینگرید اسپای ۲۷ سال سن دارد ؛ او که در کودکی باتفاق خانواده خویش از زادگاهش‌آلمان به انگلستان و سپس فرانسه واسپانیا مهاجرت نمود ، در ۲۱ سالگی مصمم گردید که به انجام کارهای هنری روآورد و روی این اصل ابتدا در چند فیلم تلویزیونی اسپانیا ببازی پرداخت ، چند زمانی نیز هنرپیشه فیلمهای تبلیغاتی گشت و سرانجام در ۲٤ سالگی موفق شد که بازیگر فیلمهای سینمائی گردد، وجاسوسه‌ـ کولی‌ـ‌قتل‌در روزبارانی‌ـ‌دیوانه‌ـ توریست‌ها... لیست عمده فیلمهای سینمائی است که اینگرید درکشور‌ـ های خارجی و تا قبل از بازی‌در دودل‌و یك دلبر بازی کرده است. ضمنا اینگرید تاکنون یکبار ازدواج کرده، که سرانجام آن طلاق بوده است و پسری ٤ ساله که از بدو تولد در یکی از کالجهای شبانه‌ـ روزی بروکسل بسرمیبرد حاصل‌این ازدواج میباشد. اینگرید اسپای‌قرار بود که برای بازی در یك فیلم‌دیگر نیز مجددا بایران سفر کند ، ولی گویا دعوت‌کنندگان نتوانستند بر سر دستمزد با او به‌توافق برسند !

واما حدود دوسال پیش بود که بازهم دکتر اسماعیل کوشان بفکر شرکت‌دادن چهره‌های خارجی در فیلمهای ایرانی افتاد ، وضمن یکی از سفرهای خویش به ترکیه، چهره یکی از هنرپیشگان ترك را پسندید و با او قراردادی مبنی‌بر بازی در ٤ فیلم منعقد ساخت و تبلیغات‌دامنه‌داری را در ایران‌بنفع این آکتور سینمای ترکیه که کسی جز جونیت‌آرکین نبود ، آغازکرد؛ منتهی چون دکتر کوشان اینطور تشخیص‌داد که اسم جونیت‌آرکین ممکن‌است چندان بمذاق ایـرانی جماعت شیرین نیاید ، بدینجهت‌نام فخرالدین را برای جونیت آرکین در ایران انتخاب نمود !

جونیت آرکین‌فعالیت‌سینمائی خویش را از سال ۱۹٦۳ با بازی‌در گنجشك غریب نخستین فیلم واقعـا بین‌المللی سینمای‌ترکیه آغاز ، وبا آنکه دکترای خـود را در رشته دندانپزشکی گرفته بود ، معهذارفته رفته از کارهای غیر هنری بکلی دست کشید و هم اکنون با بازی‌در سالی‌حدود ۱۵ فیلم،جزوهنرپیشگان پرکار وموفق سینمای ترکیه‌محسوب میگردد.

در شماره آینده تمام‌می‌شود

دخترهای محله‌سیروس (بقیه)

وحاله باز نوبت منوچهروثوق رسیده است. او آهسته از پله‌های پشت‌بام بالا می‌آید. وسط صحنه میدود و می‌گوید :

«اکبر گیومها رو بیار !»

در فاصله‌ئی که او خود را برای فیلمبرداری آماده می‌کند دوربین در پشت‌بام مقابل کاشته شده است. در پلانی که قرار است فیلمبرداری شود منوچهر وثوق از جوی در «خرپشته» براه می‌افتد، جلوتر می‌آید، با حالتی ناراحت‌و منتظر، دستی به موهایش می‌کشدو به مقابل خود نگاه می‌کند.

موچهر وثوق برحسب‌توضیحات شاپور قریب روی زمین علاماتی‌را برای خود در نظر می‌گیرد تا به راحتی بتواند در همان جهت حرکت کند.

نعمت حقیقی آمادگی خود را برای فیلمبرداری اعلام می‌کند و سرانجام فیلمبرداری شروع می‌شود.

منوچهر وثوق همان حرکات را تکرار می‌کند. اما قریب توضیحاتی را لازم می‌داند. فیلمبرداری قطع می‌شود وبعداز توضیح قریب، تکرار می‌گردد .

فیلمبرداری این پلان ، چهار بار تکرارمی‌شود تا سرانجام ، کار به صورت‌مطلوب در می‌آید. منوچهر وثوق از پلان آخر ، خیلی راضی است...

پلان‌های‌بعدی حاوی صحبت فروزان و منوچهر وثوق است.

در همین موقع صدای «ترق، ترق» بازی «تازی‌بال» از کوچه می‌آید و منوچهروثوق با شنیدن‌این صدا ، می‌گوید :

«این بازی تازه ، اعصاب آدمو داغون می‌کنه‌ها ؟»

ولی دیگران گوشتان به این حرفها بدهکار نیست. کار همچنان پیش می‌رود..

ادامه دارد

خسرو یحیائی (بقیه)

«در این فیلم ، من کاملا فرهنك سینمائی مردم این جامعه را در نظر گرفته‌ام و حتی‌الامکان کوشش کرده‌ام که فضاها و بطور کلی مسائلی که در فیلم مطرح می‌شوند ، برای تماشاچی، قابل فهم و ملموس باشند . البته ، برای فیلمسازیکه میخواهد کاملا شخصی فکر بکند ، این یك «سقوط» است ، اما به نظر من این سقوط دراین‌شرایط ، کاملا منطقی است . من در این فیلم تا حدودی تخفیف داده‌ام .شاید فقط ۲۰ در صد این فیلم را آنطور که خودم آرزو داشته‌ام ، ساخته باشم . ولی بهرحال همیشه در کار هر فیلمسازی یکمقدار تخفیف هست که این‌تخفیفها وقتی زیاد بشوند ، فیلم به سطح خیلی پائینی نزول می‌کند».

خسرو یحیائی ، سپس در مورد وضع فعلی سینمای ایران می‌گوید :

« جامعه فعلی ما ، رابطه خودش را با فرهنگش تا حدی از دست‌داده است. الان یکجور گسیختگی احساس می‌شود. اما ببینیم که سینما کجا و برای کدام جامعه مطرح می‌شود و چه کسی آنرا ارائه می‌دهد ؟ کسی که آنرا ارائه می‌دهد ، طبعا فردیست از افراد این جامعه . این شخص اگریك فرهنك‌سینمائی خیلی خیلی غنی داشته باشد ، بطور قطع آنرا از این جامعه‌کسب نکرده است چون این جامعه ، فرهنك هنری عمومی ندارد . حالا وقتی که جامعه‌ای یك فرهنك سینمائی ابتدائی داشته باشد، چه نوع فیلمهائی را می‌تواند بپذیرد ؟ طبعا فیلم‌هائی راکه در حد فرهنك خودش است .

گروهی که فیلم می‌سازند، نسبت به‌توده ، آگاهترند و چون آگاهترند ، باید این مسئولیت را در خودشان حس بکنند که‌این فرهنك ابتدائی سینمائی را در میان مردم، جلو ببرند. این کار، البته احتیاج به زمان دارد و ازسوی دیگر بامسائل سیاسی و اقتصادی هم رابطه‌ای مستقیم دارد».

سینما پولیدور

که بتصدیق مشتریان ارجمند خودهمواره نمایش دهنده بهترین فیلمهای اروپائی وامریکائی بوده‌است ، به خاطر جلب رضایت بیشتر علاقمندان سینما ، در نحوه‌فعالیت های خودتغییر کلی داده است . پس از یك تعطیل چندروزه‌که به خاطر تغییردکوراسیون وتکمیل وسایل فنی انجام میگیرد

ازروز چهارشنبه ۷ مهر ماه

سینما پولیدور

با پیروی از شیوه سینما های‌ممتازخارجی که فیلمها را به تنهائی و بطور انحصاری نمایش میدهند، گلچینی از محصولات پرفروش و غوغا انگیز اروپائی و امریکائی‌را به تنهائی و بطور اختصاصی به علاقمندان و دوستداران فیلم‌های عالی هدیه میکند

اولین برنامه انتخابی

محبوبترین و مشهورترین کمدین‌سینمای عصر حاضر در آخرین شاهکار پرفروش خود

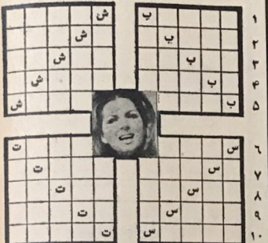


دومین برنامه : اثری ممتاز وجنجالی از زندگی و عشق جوانان امروزی

جوانی و جنون سرعت (سینما سکوپ و رنگی)

مسابقات.....؟؟؟؟؟

جدول



● جایزه این جدول بلیط از سینما و کارت دریافت صفحه موزیك میباشد.

افقی : ۱ـ تهیه کننده فیلم‌های گدایان تهران و خوشگلترین زن عالم ـ هنرمند منفی فیلم قیصر و رضا موتوری ۲ ـ نام ستاره فیلم ساقی و زنی بنام شراب ـ اکتور فیلم شوهر آهو خانم ۳ ـ هنرپیشه کمیك رادیو و کارگردان فیلم پروفسور نخاله ـ ستاره فیلم ستاره فروزان و حسن کچل ٤ ـ اکتور فیلم ببر مازندران ـ آقا محمدخان سینمای فارسی ٥ ـ نام هنرمند خردسال فیلم درشکه‌چی ـ یکی از بازیگران فیلم‌های وسوسه شیطان و جاده تبهکاران ٦ ـ خواننده و بازیگر فیلم فریاد ـ عنوان فیلمی از خاچیکیان با شرکت آرمان ۷ ـ اکتور فیلم کلید بهشت و معرکه ـ نام یکی از دو ستاره فیلم در دست تهیه خاچیکیان ، «دیوار شیشه‌ای» ۸ ـ عنوان فیلمی با شرکت بوتیمار و پیشوائیان ـ عنوان فیلمی در دست تهیه ازکارگردان نامی داریوش مهرجوئی ۹ ـ کمدین های تکخال و اشکها وخنده ها ـ عنوان فیلمی قدیمی با شرکت ناصر ملك مطیعی و ژاله ۱۰ ـ ... داغ با شرکت گوگوش و ناناشا ـ برنده سپاس بهترین فیلم کوتاه سال

طراح : مصطفی محمدی (مراغه)



برنامه امشب سینما

تخت جمشید

حرص زندگی

با شرکت : سوزان‌پلشت ـ بن‌گازارا

برنامه آینده : تقدیم باعشق

شروع سانس‌ها : ۳ـ۵ـ۷ـ۹

از سری مسابقات بزرگ فیلم وهنر

مسابقه « یك » به « ده »

● فیلم‌وهنر کهدر یکی دوسال اخیر بوجود آورنده‌مسابقات جنجالی و پرسرو صدای مطبوعات بوده است ، بعد از برگزاری‌دو مسابقه بیستو پنج چهره و گل پشتو رو نداره ، اینك مسابقه‌تازه و ابتکاری دیگری را عرضه میدارد که بیگمان مورد توجه همه خوانندگان مجله قرار خواهد گرفت.

ترتیب مسابقه که دارای **چهار مرحله** است ، بدین صورت‌است که هر هفته **پنج سئوال** در این صفحه مطرح میگردد که می‌بایست شرکت‌کنندگان در مسابقه حداقل سه پاسخ صحیح برای ما ارسال دارند که برای هر پاسخ **یك امتیاز** در نظر گرفته می‌شود و «فیلم وهنر» در مقابل هریك امتیاز **ده امتیاز** بشما میدهد. بنابـراین **مرحله اول مسابقه** در هرهفته با اعلام نام برندگان حائز **سی‌امتیاز** پایان می‌یابد مرحله دوم مسابقه بدینصورت است که پس از **٥ هفته**که مسابقه برگزارشده،نتایج‌امتیازات‌شرکت‌کنندگان درمسابقه‌بررسی‌می‌شود و مابین کلیه کسانیکه حداقل **یکصدوپنجاه امتیاز** بدست آورده باشند، **قرعه‌کشی مرحله دوم** انجام خواهد یافت.**مرحله سوم مسابقه** در یازدهمین هفته شروع خواهد شد بدین ترتیب که مابین کلیه کسانیکه دارای **۳۰۰ امتیاز** باشند قرعه‌کشی و **جوایز مرحله دوم** بدانها اهدا و سپس نامشان برای شرکت در مرحله چهارم یا مرحله نهائی ثبت میگردد.

پس از اتمام مدت مسابقه‌که جمعا **۱٥ هفته** بطول خواهدانجامید مابین کلیه کسانیکه حداقل **٤٥۰ امتیاز** دارا باشند قرعه‌کشی انجام و برندگان مسابقه بزرگ «یك» به «ده» تعیین خواهند شد.

اما جوایز مراحل‌چهار گانه مسابقه

جوایز مرحله اول :

ده جلد کتاب برای ده نفر برنده شهرستانها ـ ده بلیط از دونفره برای برندگان تهران

جوایز مرحله دوم :

٥ عدد ساعت مچی ـ ٥عددخودنویس طلا ـ ۲۰ جلد کتاب ـ ۱۰ بلیط از سینما

جوایز مرحله سوم:

یك پذیرائی شام برنده اول باتفاق یکی از نزدیکانشان در بهترین کابارههای تهران ـ یك عدد رادیوگرام ترانزیستوری ـ ۳ عدد ساعت مچی ـ ٥ عدد خودنویس مطلا

جوایز مرحله چهارم:

یك موتور ۱۸۰ یاماها ـ یك ضبطصوت و رادیوگرام ترانزیستوری ـ ٥ عدد ساعت ناوزر و داماس ـ ۱۰ عدد خودنویس مطلا ـ ٥۰ عدد صفحه برای ٥ نفر می‌باشد

بدین ترتیب مسابقه جدید و ابتکاری ما یك به ده جمعا **۱۰۰ برنده** خواهد داشت و بعید نیست کهبرخی از خوانندگان خوش شانس ما برنده جوایز هر چهار مرحله گردند.

اما آنچه جهت شرکت در این مسابقه لازم و ضروری استدر نظر گرفتن **شرایط این مسابقه** است. با هریك از پاسخ‌های هفتگی می‌بایست حتما **دو ریال تمبر** باطل نشده همراه باشد والا پاسخ‌رسیده از دور مسابقه حذف خواهد شد ، لذا خوانندگانی که مایلند این مسابقه را تا پایان دنبال کنند دقت کنند که تمبر باطل نشده راهمراه پاسخ خود فراموش نکنند .



۱ ـ پنج فیلم نامببرید که با کلمه‌ی «زن» ترکیب یافته باشد.



۲ ـ پنج فیلمرا نامببرید که در آن کلماتی از قبیل جنگ ، نبرد و مترادف آن آمده باشد (ویا داستان فیلمدر اطراف جنگی باشد)

۳ نام‌پنج فیلم رابنویسید که در آن‌اسم یکی ازپرندگان وجود داشته باشد.



٤ ـ پنج فیلم مشترك‌را بین ایران و کشورهای‌خارجی بنویسید

٥ ـ پنج فیلم ایرانی را که به طریقه سینما سکوپ و رنگی تهیه شده است ، نامببرید

تذکر

برندگان جدول و مسابقه «گل‌پشت‌ورو نداره» (شماره ۱۸) ـ هفته آینده چاپ‌خواهد شد .

در حاشیه

نام «فیلم‌وهنر» در کتاب «پنجاه سال انتقاد»

در این هفته کورش کوشان خبرنگار مجله در اطریش که برای یك اقامت کوتاه بایران سفر کرده بود، ایران راترك کرد، وی دراین مسافرت سوغات تازه‌ای برای هیئت تحریریه آورده بود و آن کتاب قطور و بزرك پنجاه سال انتقاد می‌باشد که ازطرف سازمان جشنواره سالزبورك برای چاپ و انتشارآن سه سال‌وقت صرف گردیده است .

در این کتاب نظریات و انتقادات نوشته‌هائی که از پنجاه سال قبل باینطرف مطبوعات جهان درباره‌ی فستیوال بزرك سالزبورك چاپ کرده‌اند جمع‌آوری و منتشر شده‌است و از آسیا فقط نام مجله «فیلم وهنر» در لیست مطبوعات بچشم میخورد.

فیلم‌و هنرکه پیوسته‌درتلاش کسب پیروزیهای تازه‌ی‌جهانی است ازاین توفیق‌بزرك خوشحال و مفتخر است.

سازمان فستیوال سالزبورك از سردبیر مجله فیلم وهردعوت بعمل آورده که در جشنواره سال آینده سالزبورك شرکت نماید. این‌نخستین باراست که‌یك ایرانی رسما بدین جشنواره بزرك‌هنری دعوت میگردد.

فستیوال فیلمهای «ادوارد . جی. راینسون»

● انجمن ایران وآمریکا ، فستیوال کوچکی‌ازفیلم‌های«ادوارد. جی . راینسون در این هفته ترتیب داده است .

یکشنبه این‌هفته فیلم **گلوله جادوئی دکتر ارلیخ** (کارگردان: ویلیام‌دیترله)رانشان داد ــ سه‌شنبه شب‌امشب‌فیلم**گرگ‌دریا** (کارگردان: مایکل کورتیز) را نمایش خواهد داد . و پنجشنبه شب نیز فیلم **برادر اورکید** (کارگردان : للوید باکان)نمایش‌داده خواهد شد ، که این فیلم آخری را تلویزیون نیز نمایش داده است .

تذکر دوباره

● مطلبی که در مجله‌ی‌شماره‌ی گذشته زیر عنوان «تکذیب وتوضیح لازم» چاپ شده و ضمن آن درج مقاله‌ئی در مجله‌ی «اطلاعات‌بانوان» تکذیب گردیده بود از آن دوست نویسنده و منتقدمان ، «بیژن خرسند» بودکه به لطف مصحح‌مجله و مصحح چاپخانه‌حذف شده بودکه بدینوسیله با عرض پوزش تصحیح می‌گردد !

فصل جدید نمایشی

● خانه آفتاب‌پنجشنبه هفته گذشته با آثار نقاشی ورلیف (هورخش‌تابان) فصل‌جدید نمایش خود را طی مراسمی آغاز کرد.

نمایشگاه برای آثارنقاشی ورلیف تا پانزده روز ادامه خواهد داشت .

□ هفته گذشته دوست و همکار ما حسن مرتضوی آغاز زندگی مشترك خود را با دوشیزه نسرین‌شفیعی جشن گرفت.

ما این وصلت فرخنده را تبریك‌گفته و آرزومند سعادت و خوشبختی آنان هستیم.

شورای نویسندگان فیلم و هنر

«وایلر» فیلم «گاو» را دید

● روز یکشنبه‌این‌هفته ویلیام وایلر در فرودین‌فیلم ساخته تحسین شده داریوش مهرجوئی «گاو»را مشاهده کرد و از مهرجوئی بەنیکی وبا تحسین یادکرد.

ویلیام وایلر ، دوشنبه این هفته‌تهران را بقصد کابل ترك‌گفت قرار است وی بعداز دو روز اقامت در کابل بەدهلی سفرکند.

دربرنامه تئاتر تلویزیون

● برنامه تئاتر تلویزیون ملی که جمعه شب‌ها ، ساعت ۲۱ ازبرنامه دوم پخش میشود، هم‌اکنون پنج نمایشنامه را آماده پخش دارد که عبارتند از :

خواستگاری(نوشته : چخوف، به‌کارگردانی: مهین اسکوئی) حشره‌ها (نوشته : ژوزف کارل چاپك ــ کارگردان : مصطفی ــ گل‌آور) در گوش سالم زمزمه کن (نوشته : ویلیام منلی ــ کارگردان : جعفر والی) حالت چطورەمش‌رحیم‌نویسنده‌وکارگردان: اسماعیل خلج موشهاو آدمها نوشته: جان اشتاینبك ، کارگردان: منوچهر نامور آزاد .

دعوت

● «حسین رجائیان» که سالها در آمریکا فعالیت داشت (یکی دو فیلم از سری فیلم‌های«بالاتراز خطر»رادر تلویزیون، به‌کارگردانی اودر تهران دیده‌ایم) اخیرا به تهران آمده و مقدمات تهیه فیلمی را فراهم می‌آورد که «زنگنه» سرمایه گذار آنست ــ این فیلم که «دعوت» نام خواهدگرفت ، هنرمندانش دوچهره جدید با نام «فرزانه‌تائیدی‌و شاهیلانی»خواهند بود.

صفحات روز

● اینها پرفروشترین صفحات هفته گذشته بودند :

۱ــ برنامه ٥٤٥ گلها : مهستی
۲ ــ بمن‌نگو دوستت دارم : داریوش
۳ ــ لبان تو : عارف
٤ــ میتوونی‌مشت‌منو وابکنی: رامش
٥ ــ حالینه : پوران
٦ ــ غم تنهائی : مهرپویا
۷ ــ باشه باشه : راشین
۸ ــ شادشاد : گوگوش
۹ــ قلب چوبی : عارف
۱۰ــ غریبه : رامش
۱۱ ــ یادش بخیر : منوچهر
۱۲ــ آوازهای ایوالله:آغاسی

ترانه روز

«بمن نگو دوستت دارم»

خواننده : داریوش

حالا که کارتو شده پراز نیرنك‌وریا
حالا که دل توشده‌فرسنك‌ها دورازخدا
بمن نگو دوستت دارم که باورم‌نمیشه
نگو فقط‌ترا دارم، که‌باورم نمیشه
تو با این‌چرب‌زبونی،هی‌بمن‌دروغ‌میگی
میخوای گولم‌بزنی، هی‌بمن‌دروغ‌میگی
بمن‌نگو دوستت دارم، که‌باورم‌نمیشه
نگو فقط ترادارم ، که باورم نمیشه
تو بادل شکسته‌ام اونقدر جفانکن
تواکه دوستم‌نداری‌اینجوری بدتانکن
بمن نگو دوستت دارم‌که‌باورم نمیشه
نگو که فقط‌ترا دارم ، که باورم نمیشه

فیلم ایرانی در نمایشگاه پیشرفت استانها

● کوششهائی‌شده‌است تا ۳۵ فیلم ایرانی‌در جشنواره بزرگ نمایشگاه پیشرفت استانها در مدت ۳۵ روز (زمان برگزاری نمایشگاه) هرروز یك فیلم نمایش داده شود

۳۵ فیلم مزبور از بین ٤٤ فیلم این جشنواره انتخاب خواهد شد و قرار است برای تشویق تهیه کنندگان فیلمهای ایرانی ، جوائزی نیز به تهیه‌کنندگان و کسانی که بنوعی دربزرگداشت وپیگیری‌سینما دراین‌ملك‌کوشیده‌اند، داده شود،این جوائز سه‌کاپ طلا ، نقره و برنز است که به بهترین فیلم‌ایرانی داده خواهد شد .

طی مذاکراتی که‌ازجانب مقامات شرکت سهامی‌نمایشگاهها با تهیه کنندگان فیلمهای ایرانی بعمل آمده ، قرار شده است که هرشب با نمایش‌هرفیلم ، هنرپیشگان ، تهیه‌کنندگان وکارگردانان فیلمهای منتخب نیز در جشنواره شرکت نموده و باتفاق در کنار بازدید کنندگان نمایشگاه از فیلمهای منتخب دیدن نمایند.

نمایشگاه تازه

● ایرج جواشیر نقاش نوآور معاصرکه یك‌بار نیز در فیلم پایان تاریکی شرکت کره بود از بیستم تا سی‌ام مهرماه ، نمایشگاه تازه‌ای از کارهای جدید خود را در هتل اینترناسیونال برگزار خواهد کرد که پیش بینی می‌شود با توفیق و جنجال زیادی روبرو گردد .

ویلای تازه

● در هفته‌گذشته‌ملك‌مطیعی ویلای تازه‌ای در متل‌قو خریداری کرد و بدین ترتیب وی نیز جزو هنرمندانی در آمد که در متل‌قو دارای ویلا می‌باشند.

در متل‌قو که بیش از سایر نقاط شمال‌کشور در تابستان محل دیدار هنرمندان کشور است تاکنون ناصر ملك‌مطیعی ــ امین امینی ــ منصور سپهرنیا ــ ویکتوریا ــ عزت‌الله مقبلی ــ رضا فاضلی ــ محمد علی زرندی ــ محسن مهدوی اقدام‌بخرید ویلا نموده‌اند و پوران و انوشیروان روحانی و گرشا نیز برای ساختن ویلاهای شخصی بتهیه زمین مبادرت کرده‌اند .

ویلاهای هنرمندان سینمای‌ایران در«دریاگوشه» متل قو قراردارد.

سپاس و جوانان

● همانگونه که انتظار میرفت ، جشنواره سینمائی سپاس توانسته است جوانان علاقمند بسینمارابفکر تهیه‌فیلم های کوتاه مدت ۸ میلیمتری وادارد و بی‌مناسبت نیست‌اگر بگوئیم که نهضت فیلمسازی تازه‌ای را جشنواره سپاس در ایران بوجود آورده است.

بدنبال خبری که درزمینه تهیه فیلمهای‌کوتاه درشماره‌های قبل نوشتیم خبر تازه‌ای بدست آوردیم در زمینه تهیه یك‌فیلم سوپرهشت کوتاه مدت که از طرف گروه پژوهشگران سینما که اخیرا در اصفهان تشکیل گردیده است در دست تهیه می‌باشد ، در این فیلم که « پژوهشی دراندرون روح » نامدارد و داریوش سلطانی‌ــ فروغ همدانی ــ اکبر فاطمی‌و گروهی دیگر شرکت دارند و کارگردان ونویسنده آن فروغ همدانی است.

از سایرجوانانی که دراین زمینه فعالیت دارند تقاضامندیم که اخبار فعالیت‌های خودرا در این زمینه برای درج دراین ستون برای ما ارسال دارند.

توفیق«منصورسپهرنیا»در ترکیه



● منصور سپهرنیا کمدین معروف‌ایرانی که‌درسال گذشته برای بازی در دو فیلم بترکیه سفر کرده بود در مدت اقامت خود در آن کشور مذاکراتی با فیلمسازان‌ترك‌بانجام رسانید وقراری برای شرکت در چند فیلم ترکی باآنهاگذارد.

هفته گذشته تویکاپی فیلم ترکیه طی نامه‌ای از سپهرنیا دعوت کرده‌است که برای شرکت در دو فیلم ترکی باستانبول سفر نماید . این دعوت بعدازنمایش‌دوفیلم این‌گرومزیل ــ سه‌دلاور که‌باموفقیت روبرو شده است انجام گرفته اما سپهرنیاکه ازاقامت خود در آن کشور دل‌خوشی‌نداردرد یك دیدار کوتاه باخبرنگار فیلم وهنراظهار داشت که من فعالیت در کشورم را بهر کجای دنیا ترجیح میدهم ، بخصوص که اخیرا قرار است در چند فیلم خوب ظاهر شوم . بهمین جهت در نظر دارم که فعلا از دادن پاسخ مثبت بتویکاپی‌فیلم ترکیه خودداری کنم.

از سپهرنیا فیلمهای آسمون بی‌ستاره آماده نمایش و کلوخ اندازون و یك‌چمدان‌سکس نیزقرار است ساخته شود که دردوفیلم اخیر با گرشا و متوسلانی‌همبازی است .

فیلم و هنر

پنجشنبه هشتم مهر ۱۳۵۰
سال جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران

دارنده امتیاز ومدیر:
عبدالمجید رمضانی

زیر نظر ، علی مرتضوی

محل اداره : دروازه‌ــ دولت‌ــ ابتدای روز ولت شماره ۲ ــ آپارتمان ۱۰

تلفن ۸۳۹۹۷۱

ادرس پستی : صندوق ۱۹٤۷

روی جلد:
بیك ایمانوردی
هنرمند فیلم : رضا چلچله

پشت جلد:
فرخ ساجدی
هنرمند فیلم : رضا چلچله

تابلوی وسط:
میافارو
کلینت ایستوود

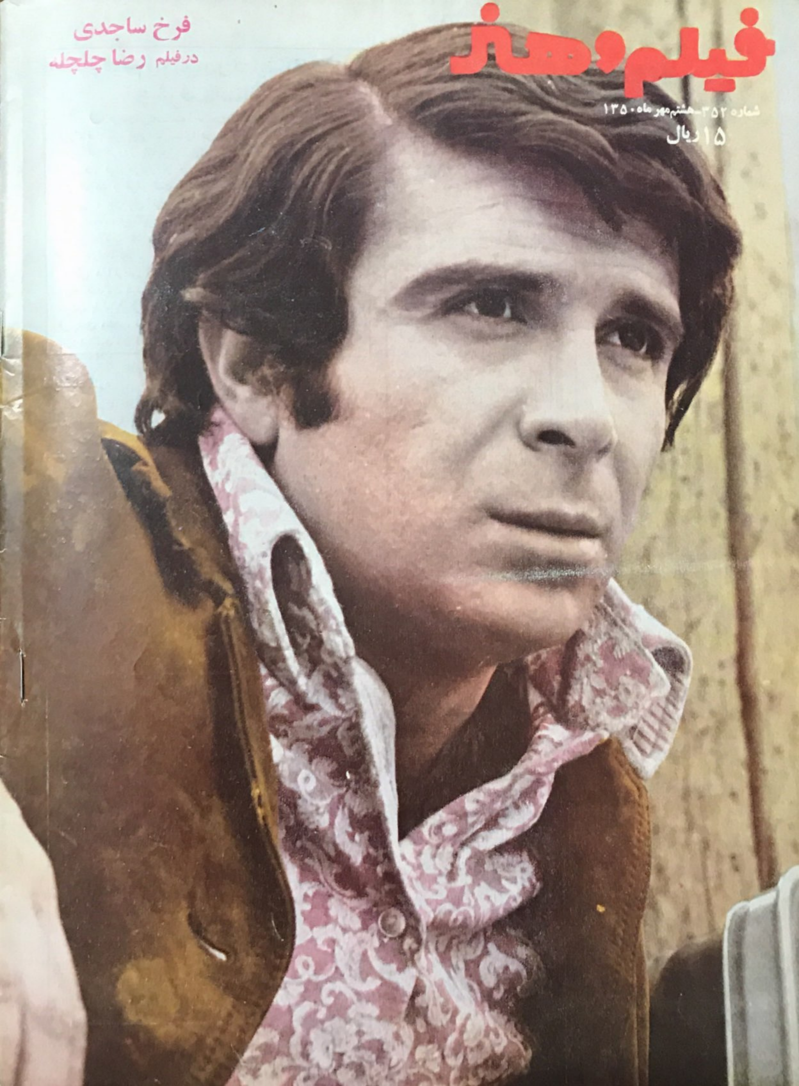
چاپ از : شرکت چاپ
مازگرافیك

تلفن : ۸۳٦٤٥۰ــ ۸۳٦٤٦۰

گراور از : جواهری
تلفن : ۲۹۲٤۱۱

اشتراك سالانه : ۷۵۰ ریال
تکشماره : ۱۵ ریال

برای مشترکین خارج باضافه هزینه پست زمینی یاهوائی



فیلم و هنر
شماره ۳۵۲ ـ هشتم مهر ماه ۱۳۵۰
۱۵ ریال
فرخ ساجدی
در فیلم رضا چلچله